

رشد

آموزش جغرافیا

سال دهم - پاییز ۱۳۷۴ - شماره ۴۸ - بها ۱۰۰ تومان



• اهداف برنامه درسی و آموزش جغرافیا در مقطع راهنمایی تحصیلی • روش تهیه پروژه جغرافیایی • جغرافیا و جغرافیدانان

• اقلیم کاربردی تشعشع و دما در ارتباط با معماری • حاشیه نشینی در بخش مرکزی کرج • کاربرد ریاضی در جغرافیا

• دریای کاسپی • آشنایی اجمالی با کشورهای جهان

سال دهم - پاییز ۱۳۷۴ - شماره مسلسل ۳۸
 نشریه گروه جغرافیای دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی،
 تلفن ۸۳۵۲۷۹ ، ۴ - ۸۳۹۲۶۲ داخلی (۳۶۷)

مجله رشد آموزش جغرافیا سه شماره در سال به منظور اعتلای دانش دبیران و دانشجویان دانشگاهها و مراکز تربیت معلم و سایر دانش پژوهان در این رشته منتشر می شود. برای ارتقای کیفی آن، نظرات ارزنده خود را به صندوق پستی ۲۶۳ - ۱۵۸۵۵ ارسال فرمایید.

بر اساس رأی جلسه مورخه ۶۸/۱۰/۲۳ مرکز سیاستهای علمی و پژوهشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی اعتبار این نشریه (علمی، ترویجی) تعیین شده است.

هیئت تحریریه: دکتر حسین شکویی، دکتر فرج ا... محمودی، دکتر مصطفی مؤمنی، دکتر عباس سعیدی، وحید شیخ الاسلامی، سیاوش شایان و حسن وحدانی تبار

سر دبیر: دکتر حسین شکویی

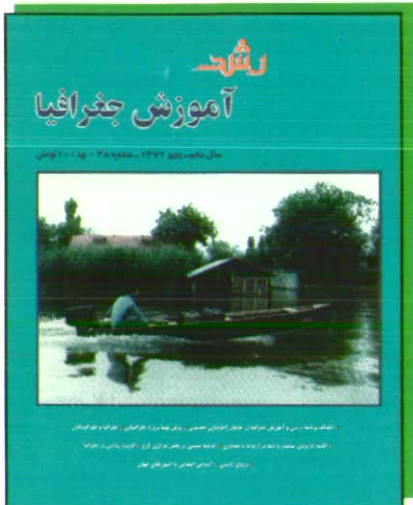
مدیر داخلی: وحید شیخ الاسلامی

تولید: دفتر چاپ و توزیع کتابهای درسی

صفحه آرا: فائزه محسن شیرازی - شهرزاد قنبری

طراح جلد: فرید فرخنده کیش

ناظر چاپ: محمد کشمیری



سرمقاله

اهداف برنامه درسی و آموزش جغرافیا در مقطع راهنمایی تحصیلی
 روش تهیه پروژه جغرافیایی «مقدمه ای بر روش تحقیق در جغرافیا»
 جغرافیا و جغرافیدانان (۹)

اقلیم کاربردی تشعشع و دما در ارتباط با معماری (قسمت دوم)

حاشیه نشینی در بخش مرکزی کرج

کاربرد ریاضی در جغرافیا (مدلی برای ریزش باران)

دریای کاسپی

آشنایی اجمالی با کشورهای جهان

مروری بر مجلات و کتب جغرافیایی خارجی

اخبار جغرافیایی

معرفی کتابها و نشریات جدید جغرافیایی

۳	حسین شکویی
۴	یوسف ادیب
۱۰	محمد حسین رضایی مقدم
۱۸	ترجمه دکتر عباس سعیدی
۲۳	دکتر حسنعلی غبور
۳۳	زهرا احمدی پور
۴۱	اردوان میرزایی
۴۳	علیرضا کشور دوست - افشین پرتو
۴۶	سعید بختیاری
۴۹	حسین حاتمی نژاد
۵۵	ابراهیم مقیمی
۶۳	سیاوش شایان

- رشد آموزش جغرافیا در ویرایش مقالات آزاد است و در هر صورت آنها را برای نویسندگان بازپس نمی فرستد.
- نقل مطالب بدون ذکر مأخذ مجاز نیست.
- شایسته است مقالات ارسالی بیش از پانزده صفحه دست نویس نباشند.

سرمقاله



تحلیل و تعریف جغرافیا، حرکتی به سوی کمال

زمانی، از طرف جغرافی دانان جهان، ۳۴ تعریف از علم جغرافیا مطرح و در طول دهه ها مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است. این جغرافی دانان عبارتند از: هاکسلی، راتزل، سامرویل، دیویس، تار، لک، گرانو، ساور، مارت، تیلور، مکیندر، استرالر، لایبنت، افرموف، میلر، براون، شیفر، لاکرمن، بروک، اسپایکمن، ویدال، دولاپلاش، آکرمن، پرایس، هارتشورن، تیس، کاکس، جمز، کینویگ، اسمیت، گری، اورم، پیت، هاگت، دوران مسی، کوری. در سالهای اخیر، خوشبختانه در ایران نیز، ارائه تعاریف جدید و مطالعه مکتبهای جغرافیایی، به وسیله تنی چند از جغرافی دانان عزیز ما صورت گرفته است که می تواند آینده روشنی را در تفکرات جغرافیایی نوید دهد. گفتنی است که در دانش جغرافیا، تعداد معدودی که شاید در سراسر جهان از یکی دو نفر بیشتر نباشد با طرح تحلیل تعاریف جغرافیا، ستیزه جویی نشان می دهند و این امر را جهت نام آور شدن خود انتخاب کرده اند که در سنت علمی، غالباً از آنها با عنوان مبتلایان به شیو فرنی علمی (مالیخولیایی علمی) نام می برند.

دعا کنیم که به این مرض مبتلا نشویم!

حسین شکویی

وقتی که قرن نوزدهم آغاز شد عصر علمی جغرافیا نیز شروع گردید. در این قرن، دانش بشری آن چنان به پیش می راند که کمتر محقق قادر بود در این دانشها را دنبال کند. زیست شناسی، فیزیک، روانشناسی، فلسفه و جغرافیا، به جایگاه رفیع علمی دست یافتند و هر یک، در زمینه خود، طرحی نو در انداختند. از این رو، در سال ۱۸۸۳، اولین تعریف علمی از جغرافیا، از طرف فردیناند فن رایشتهوفن به این شرح ارائه شد: جغرافیا، از سطح زمین و از پدیده هایی که با آن رابطه علی دارد، بحث می کند. از آن زمان تاکنون، پیشرفت دانش، اختراعات، اکتشافات، توسعه اقتصادی، ظهور ایدئولوژیها، تسلط استعمار نو، پیشرفت تکنولوژی، عصر انباشت انعطاف پذیر سرمایه، تقسیم کار جهانی، وابستگی کشورهای توسعه نیافته به سرمایه داری جهانی و بالاخره ظهور قدرتهای جدید جهانی، شکسته شدن مرزهای جغرافیا و تغییر اصول و تعاریف آن را سبب گردیده است. زیرا، در علم جغرافیا، انسان با همه شرایط و موارد فوق در برابر محیط طبیعی و محیط انسان ساخت قرار می گیرد و اگر جغرافیا، تعاریف و اصول خود را با این تغییرات جهانی و ناحیه ای منطبق نسازد به صورت یک علم ختنی و حتی مرده در می آید. در این راستا، از زمان فردیناند فن رایشتهوفن، با در نظر گرفتن شرایط



اهداف برنامه درسی و آموزش جغرافیا در مقطع راهنمایی تحصیلی

یوسف ادیب
دانشگاه تربیت معلم

نقش هدف در برنامه های درسی و آموزش ، و
اهمیت و ضرورت بررسی آن

هدف، یکی از عناصر اصلی برنامه های درسی و به عبارت دیگر محور اصلی برنامه درسی و آموزشی است؛ از همین رو تمامی فعالیتها و جهت گیریهای برنامه درسی و آموزشی جهت رسیدن به هدف آن برنامه است. شاید هدف تنها عنصری باشد که بیش از سایر عناصر در تعاریف برنامه درسی بدان اشاره شده است. در این تعریف که در واقع جدیدترین و جامعترین تعریف از برنامه درسی است، مسئله فوق مشهود است که می گوید: «برنامه درسی عبارت از طرح کلیه فعالیتها و تجربیات یادگیری تحت راهنمایی مدرسه برای رشد کمال و شایستگی فردی - اجتماعی یادگیرنده ها برای رسیدن به هدفهای آموزشی است» (دکتر اسراری ۱۳۶۸).

در تعریف آقایان سیلر و الکساندر (پروند ۱۳۶۹ ص ۲۰) از برنامه

درسی نیز این مسئله کاملاً روشن است که می گویند: «ما یک برنامه درسی را به عنوان نقشه ای که در آن فرصتهای یادگیری برای رسیدن به هدفهای کلی و هدفهای جزئی متناسبی که برای جمعیتی معین و مدارسی مشخص معلوم و طراحی شده است تعریف می کنیم». در تحقیقی که به وسیله «رایسه» انجام گرفته عناصری که در تعاریف برنامه درسی بیشتر مورد توجه و تأکید قرار می گیرند از نظر اهمیت درجه بندی شده اند. دفعات تکرار هر یک از این عناصر نشان دهنده فراگیری اشتراک نظر صاحبان تعریف بر روی هر عنصر است: کثرت تکرار اهداف، ۲۰ مورد؛ محتوی، ۱۴ مورد؛ سازماندهی، ۱۴ مورد؛ روشها، ۱۱ مورد و ارزشیابی ۱۱ مورد. همان طور که معلوم است عنصر هدف یکی از عناصر تشکیل دهنده هر برنامه درسی و آموزشی است که همه صاحب نظران برنامه درسی در آن اتفاق نظر دارند. می توان گفت هدفهای آموزشی در حقیقت حکم قانون اساسی

یک برنامه درسی را دارند که همه فعالیتها باید به استناد آن و برای تحقق آن صورت گیرند. پس اولین و اساسی ترین گام در برنامه ریزی درسی انتخاب و مشخص کردن هدفهای برنامه درسی است. انتخاب هدف در صدر سایر عناصر یک برنامه قرار دارد و نحوه انتخاب و هدفهای انتخاب شده بدون شک اثراتی قابل ملاحظه بر روی نتایج کمی و کیفی برنامه درسی و آموزش خواهد داشت.

تدوین هدفهای آموزشی، حاصل یک فرآیند عمدی و نظامدار است که براساس تجارب قبلی دانش آموزان و با در نظر گرفتن منابع و اطلاعات گوناگون انجام می گیرد. راف تایلر تدوین هدفهای آموزشی را با بررسی نیازهای یادگیرندگان، نیازهای جامعه و ماهیت موضوع درس شروع می کند. به عقیده وی این سه منبع به این سوال که «چه نیازهایی باید برآورده شود؟» پاسخ می دهند. بدیهی است که نیازهای یادگیرندگان و مهارتها و تواناییهای ضروری برای عملکرد موثر در جامعه، متنوع و متعدد هستند و در دنیای امروز با تنوع مشاغل و پیشرفت سریع تغییرات تکنولوژیکی، مؤسسات آموزشی هرگز قادر نیستند تمام هدفهای ممکن و ضروری را شناسایی کرده در برنامه های آموزشی مورد توجه قرار دهند. به همین دلیل هدفهای تعیین شده با توجه به سه منبع یاد شده باید ارزشگذاری شوند. از فلسفه آموزش و پرورش و روان شناسی تربیتی برای غربال کردن هدفهای اولیه استفاده می شود. فلسفه آموزش و پرورش «بایدها» و «روانشناسی تربیتی» «می توانها» را تعیین می کند.

حال با توجه به مطالب گفته شده در بالا، داشتن هدف در برنامه درسی و آموزش جغرافیا در دوره راهنمایی تحصیلی و بررسی و تحلیل چگونگی کم و کیف آنها ضروری به نظر می رسد. این بررسی و تحلیل برنامه ریزان درسی، معلمان و سایر دست اندرکاران را در تدوین برنامه های درسی جغرافیا در مقطع فوق یاری خواهد کرد تا در اصلاح و بهبود برنامه ها اقدامات لازم را به عمل آورند.

سطوح اهداف آموزشی

در نظام آموزشی به طور کلی اهداف از سطوح کلی شروع و به جزئی ترین سطح ختم می شود. بالاترین سطح، اهداف آرمانی و مقاصد (goals) است که در واقع جنبه های ارزشی و فلسفی تربیت را شامل می شود. این اهداف به صورت کلی بیان شده غالباً غیر قابل ارزشیابی است؛ مانند تربیت انسانهای خداپرست یا خلاق. در سطح دوم اهداف، دوره های تحصیلی (aims) قرار دارد؛ مثلاً دانش آموزان پس از اتمام دوره راهنمایی چه تواناییها و مهارتهایی را کسب کنند. در سطح سوم، هدفهای اصلی در یک زمینه درسی در

دوره های مختلف تحصیلی مطرح است؛ مثلاً دانش آموزان پس از اتمام دوره تحصیلات رسمی قبل از دانشگاه در درس جغرافیا چه مهارتها و معلوماتی را باید کسب کنند. در سطح چهارم، هدفهای عمده یک درس در یک پایه تحصیلی بیان می شود؛ مثلاً به طور کلی آموزش جغرافیا در مقطع راهنمایی یا متوسطه چه هدفهایی را دنبال می کند. در سطح پنجم، هدفهای کلی یک درس در یک سال تحصیلی بیان می شود که معمولاً ۶ الی ۱۲ هدف کلی را می تواند دربرداشته باشد. هدفهای کلی بیانگر مهارتها، تواناییها یا قابلیت هایی هستند که انتظار می رود یادگیرندگان پس از شرکت در یک مجموعه فعالیت یادگیری آن را کسب کنند. این مهارتها و تواناییها در یک زمان نسبتاً طولانی (یک سال تحصیلی) حاصل می شوند؛ از این رو حصول یا عدم حصول آنها را نمی توان به سهولت مشاهده و اندازه گیری کرد. در آخرین سطح (سطح ششم)، هدفهای کلی به هدفهای رفتاری قابل سنجش و اندازه گیری تبدیل می شود.

برای تقسیم یک هدف کلی به هدفهای کوچکتر یعنی هدفهای رفتاری می توان این سوال را مطرح کرد: دانش آموز چه چیزی را باید بیان کند یا انجام دهد تا معلم متقاعد شود که وی به هدف مورد نظر رسیده است. هدفهای رفتاری در یکی از سه حیطه شناختی، روانی و حرکتی و احساسی و عاطفی بیان می شوند؛ مثلاً این هدف که از دانش آموزان انتظار می رود پس از شرکت در جلسه درس جغرافیا، «موقعیت جغرافیایی ایران را با استفاده از نقشه و کره جغرافیایی تشخیص دهد» یک هدف رفتاری در حیطه شناختی است. اما اگر گفته می شد دانش آموز باید موقعیت جغرافیایی ایران را بداند، چون عمل مورد انتظار قابل مشاهده نیست، یک هدف رفتاری محسوب نمی شود؛ یعنی معلوم نیست که عمل «دانستن» را چگونه نشان دهد تا معلم مطمئن شود که دانش آموز درس را فهمیده است. معلم قبل از شروع کلاس باید این اهداف را برای خود روشن کند. تمامی سطوح اهداف باید منشعب از همدیگر و در یک جهت باشند و نیز با همدیگر هماهنگی و همخوانی داشته باشند.

بحث ما در مورد تحلیل اهداف آموزش جغرافیا در دوره راهنمایی تحصیلی از سطح چهارم، یعنی هدف یک برنامه درسی در یک دوره تحصیلی شروع می شود. علیرغم کم توجهی به مشخص کردن اهداف برخی از دروس، خوشبختانه کمیته برنامه ریزی و تألیف کتب جغرافیا در آموزش و پرورش، اهداف آموزش جغرافیا را انتخاب و مشخص کرده است. در این جا ابتدا اهداف آموزش جغرافیا در دوره راهنمایی تحصیلی و سپس اهداف کلی آموزش جغرافیا در هر سال تحصیلی دوره راهنمایی و در پایان کل محتوای برنامه سه ساله به طور جداگانه



براساس هدفهای رفتاری تحلیل خواهد شد تا معلوم شود آموزش جغرافیا چه سطحی از یادگیری دانش‌آموزان را در نظام آموزشی کشورمان مد نظر دارد. پس در این جا هدفهای رفتاری معیار و ملاک تحلیل محتوای ما خواهد بود. اما قبل از این که به بررسی و تحلیل پردازیم لازم است به طور خلاصه هدفهای رفتاری را تعریف و مشخص کنیم.

هدفهای رفتاری

گفتیم که هدفهای کلی به علت مبهم و قابل تفسیر بودن باید به هدفهای روشن و مشخص تری تقسیم شوند؛ مثلاً این هدف که «دانش‌آموز با مشخصات جمعیت ایران آشنا خواهد شد»، یک هدف کلی است. عمل آشنا شدن از نظر افراد مختلف می‌تواند معانی متفاوتی داشته باشد. همچنین دانش‌آموزان نمی‌توانند عملی را که از آنها انتظار می‌رود یعنی «آشنا شدن» را برای خود مشخص سازند. علاوه بر آن، عمل آشنا شدن به صورت مستقیم قابل مشاهده و اندازه‌گیری نیست. اما برای پاسخ به این سؤال که «دانش‌آموز چه باید بکند یا انجام دهد تا معلم متقاعد شود که وی آشنایی لازم را پیدا کرده است»، ممکن است این پاسخها داده شود که دانش‌آموز پس از شرکت در فعالیتهای آموزشی بتواند:

۱- تعداد جمعیت ایران را بر طبق آمار ۱۳۶۵ بیان کند؛

۲- مقدار افزایش جمعیت را در هر سال توضیح دهد؛

۳- جمعیت ایران را با دیگر کشورهای همسایه مقایسه کند؛

۴- جمعیت نسبی کشور را در سالهای آینده محاسبه کند؛

۵- علل جغرافیایی را که باعث توزیع نامنظم جمعیت در مناطق مختلف کشور شده است، تجزیه و تحلیل کند؛

۶- رشد جمعیت کشور را با توجه به عوامل و وضعیت اقتصادی و اجتماعی ارزشیابی کند.

هریک از ۶ هدف ذکر شده یک هدف ویژه و رفتاری برای هدف کلی بالا است.

ملاحظه می‌شود که همه هدفها در یک سطح نیستند و یادگیری بعضی آسان و یادگیری برخی دیگر مشکل است. با توجه به همین مطلب، بلوم سطوح یادگیری هدفهای رفتاری را در حیطه شناختی به شش طبقه تقسیم کرده است که به طور خلاصه به توضیح آنها می‌پردازیم:

حیطه شناختی به طور کلی به یادگیری مطالب و یافتن شناخت درباره آنها مربوط می‌شود. عامل «فهمیدن» در این حیطه نقش اصلی را بر عهده دارد. آموختنی‌های حیطه شناختی از آسان به مشکل

تقسیم‌بندی می‌شوند و در شش سطح یا طبقه قرار می‌گیرند که عبارتند از: ۱- دانش، ۲- درک و فهم، ۳- کاربرد، ۴- تجزیه و تحلیل، ۵- ترکیب، ۶- ارزشیابی.

طبقات حیطه شناختی براساس سلسله مراتب تنظیم شده است و هر طبقه از آن مستلزم مهارتها و تواناییهای طبقات پایین‌تر است.

۱- دانش:

طبقه دانش شامل رفتارها و آزمونهایی است که به یادآوری یا بازشناسی آموخته‌ها به صورت حفظی یا بازپس دادن مربوط می‌شود؛ مانند این سؤال «جمعیت ایران در سال ۱۳۶۵ چقدر بوده است؟».

۲- درک و فهم (فهمیدن):

هنگامی که دانش‌آموز گفتاری را می‌شنود از وی انتظار می‌رود که معنی آن را درک کند و از مواد یا اندیشه‌هایی که در آن نهفته است استفاده فکری یا عملی ببرد. فرد در این جا قادر است مطلبی را به زبان خود (نه به آن صورتی که در کتاب آمده است) تفسیر و تشریح کند یا آن را توضیح دهد؛ مانند این آزمون که «جمعیت ایران را با دیگر کشورهای همسایه مقایسه کنید» یا «علل رشد شهرها را در ناحیه کوهستانی شرح دهید». ارزش این طبقه یادگیری در مقایسه با طبقه قبلی که صرفاً به یادآوری و حفظ کردن تکیه داشت بیشتر است.

۳- کاربرد:

به کاربردن یادگرفته‌ها در موقعیت غیر از موقعیت آموزشی که مستلزم فهمیدن طبقه قبلی است، اغلب شنیده‌ایم که معلمان می‌گویند: «اگر دانش‌آموز واقعاً مطلبی را بفهمد می‌تواند آن را به کار بندد». در این طبقه چنانچه دانش‌آموز با مسئله جدیدی مواجه شود، بدون این که در انتخاب مفهوم تجزیدی برای حل مسئله دچار تردید شود و بی‌آن که نیاز به راهنمایی دیگران داشته باشد، آن را به کار خواهد برد. برای مثال، دانش‌آموز بتواند «جمعیت نسبی کشور را در سالهای آینده محاسبه کند.» یا «طول و عرض جغرافیایی یک نقطه را بر روی کره و نقشه جغرافیایی پیدا کند».

۴- تجزیه و تحلیل:

این طبقه عالیتر از طبقات قبلی است. در این طبقه بر خردکردن مباحث یا پدیده‌ها به اجزای تشکیل دهنده آن و همچنین بر کشف روابط اجزاء و طریقه سازماندهی آنها تأکید می‌شود. اگر دانش‌آموز بتواند در یک گفتگو حقیقت را از فرضیه تشخیص دهد، مطالب



شود، تعادل میان هدفها برقرار شده و طبعاً دانش‌آموزان از تجارب یادگیری در محیط واقعی زندگی استفاده خواهند کرد و مسائل را به سادگی نخواهند پذیرفت، بلکه آنها را مورد ارزیابی و قضاوت قرار خواهند داد. اما اگر هدفها بیشتر در طبقه دانش و درک و فهم ارائه شود، دانش‌آموزان اطلاعات را در ذهن خود انبار خواهند کرد؛ بدون این‌که بتوانند از آن استفاده کنند یا روابط میان آنها را کشف و درک کنند. مسلماً چنین یادگیری طوطی وار و سطحی بوده پس از مدتی کوتاه به فراموشی سپرده خواهد شد.

حال ابتدا به بیان اهداف کلی برنامه‌های درسی و آموزش جغرافیا در دوره راهنمایی تحصیلی نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران پرداخته سپس محتوای دروس جغرافیا در سه سال دوره راهنمایی تحصیلی را مورد تحلیل قرار می‌دهیم:

اهداف کلی درس جغرافیا در دوره راهنمایی^۱:

- ۱- دانش آموز شناخت نسبتاً جامعی از اوضاع جغرافیایی ایران پیدا کند و محیط مسکونی خود را بشناسد.
- ۲- دانش‌آموز شناخت نسبتاً کلی از اوضاع و احوال قاره‌ها و کشورهای جهان کسب کند.
- ۳- با کلیات، اصطلاحات، مفاهیم و قوانین جغرافیا آشنایی پیدا کند.

اهداف آموزش جغرافیا در سال اول راهنمایی:

- ۱- شناخت وضعیت طبیعی، انسانی و اقتصادی نواحی مختلف جغرافیایی ایران؛
- ۲- درک روابط متقابل انسان و محیط؛
- ۳- آشنایی با منابع طبیعی و طرق صحیح بهره‌برداری از آن؛
- ۴- آگاهی از مشکلات محیطی نواحی مختلف جغرافیایی ایران؛
- ۵- شناخت اشکال مختلف زندگی و درک شباهتها و تفاوت‌های مکانی؛
- ۶- ایجاد علاقه به مین اسلامی؛
- ۷- رشد مهارت‌های جغرافیایی.

اهداف آموزش جغرافیا در سال دوم راهنمایی:

- ۱- شناخت کلیاتی درباره اوضاع طبیعی، انسانی و اقتصادی

۱- این اهداف به وسیله کارشناسان کمیته برنامه‌ریزی و تألیف کتب وزارت آموزش و پرورش انتخاب و مشخص شده است.

مربوط را از نامربوط متمایز سازد یا روابط میان عناصر را کشف کند، یادگیری در حد تجزیه و تحلیل را داراست؛ مثلاً اگر دانش‌آموز بتواند «علل جغرافیایی را که باعث توزیع نامنظم جمعیت در مناطق مختلف کشور می‌شود» توضیح دهد یا تجزیه و تحلیل کند. یا «تأثیر مهاجرت روستاییان را بر بافت جمعیت شهری تشریح کند»، یک هدف در طبقه تجزیه و تحلیل است.

۵- ترکیب:

ترکیب به مفهومی که در این طبقه از حیطه شناختی عرضه می‌شود، عبارت است از به هم پیوستن عناصر واجزاء به منظور تشکیل یک کل واحد. به طور کلی این‌گونه ترکیب مستلزم ترکیب مجدد اجزای تجارب پیشین یا مواد نو است. رفتارهای طبقه ترکیب در اغلب موارد با خلاقیت و ابتکار عملی و فکری همراه است؛ مثلاً توانایی کشف روابط جدید و فرضیات در جغرافیا یا ارائه گزارش کار و نتیجه‌گیری از یک گردش علمی یا آزمایش و یا ارائه یک مقاله در سر کلاس.

۶- ارزشیابی:

ارزشیابی عبارت است از داوری و قضاوت درباره ارزش اندیشه‌ها، کارها، راه‌حلهای، روشها، مواد و غیره برای مقصود یا منظور معین. این طبقه بالاترین طبقه یادگیری در حیطه شناختی است و نیاز به آموختن تمامی طبقات قبل را دارد. البته در این جا منظور ارزشیابی آگاهانه و توأم با دلیل و ملاک و معیار است نه قضاوت سطحی و از روی خودبینی. برای مثال، دانش‌آموز باید بتواند «رشد جمعیت کشور را با توجه به عوامل و شرایط اقتصادی و اجتماعی ارزشیابی کند» یا «رودهای اروپا را با رودهای آسیا مقایسه کرده نتیجه‌گیری کند». چه هدفهایی مطلوب است؟

مناسبت‌ترین سطوح اهداف برای دروس متفاوت است؛ مثلاً هدفی که برای علوم پایه مناسب است، شاید برای علوم انسانی مطلوب نباشد. اما آنچه مسلم است هدف اصلی برنامه‌های درسی و آموزشی، رشد و پرورش انسانهای خلاق با تفکر منطقی و قدرت تجزیه و تحلیل مسائل است تا بتوانند از آموخته‌ها و تجارب مدرسه در زندگی واقعی استفاده کنند. پس یادگیری معنی دار و پایدار هدف اصلی است. اما همه مفاهیم اصول و موضوعات مربوط الزاماً نمی‌توانند به تجزیه و تحلیل یا کاربرد... بینجامند، بلکه مفاهیمی هستند که با توجه به ماهیت دروس باید حفظ و یادآوری شوند. به همین جهت اگر هدفهای برنامه درسی در همه طبقات یادگیری با توجه به اهداف کلی درس ارائه



قاره‌های جهان؛

۲- آشنایی با نواحی عمده جغرافیایی جهان؛

۳- درک شباهتها و تفاوت‌های نقاط مختلف؛

۴- شناخت کشورهای عمده جهان و آشنایی با شیوه‌های زندگی

در این کشورها؛

۵- آگاهی از سطوح مختلف توسعه در کشورها و قاره‌های جهان؛

۶- ایجاد علاقه و احترام متقابل نسبت به مردم سایر کشورها؛

۷- آموزش جغرافیا به منزله وسیله‌ای برای برقراری روابط

تجاری، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با سایر ملل؛

۸- آشنایی با سازمان‌های بین‌المللی نظیر بازار مشترک اروپا، جامعه

اقتصادی اروپا، سازمان ملل و ...

۲- شناخت اتمسفر زمین؛

۳- شناخت پوسته زمین و تغییرات آن؛

۴- شناخت کلیاتی درباره علم جغرافیا و موضوعات آن؛

۵- آشنایی با منابع مطالعه در علم جغرافیا مانند مشاهده، نقشه،

کره جغرافیا، اطلس، عکسهای هوایی و ...؛

۶- ایجاد مهارت و دید جغرافیایی؛

۷- آگاهی از جنبه‌های متنوع محیط.

تحلیل محتوای دروس جغرافیای مقطع راهنمایی به طور جداگانه

بر اساس هدفهای رفتاری (حیطه شناختی):

هدفهای رفتاری در نظر گرفته شده برای دروس جغرافیا از نظر

تعداد و سطوح در جدول‌هایی جداگانه بدین قرار ارائه شده است:

اهداف آموزش جغرافیا در سال سوم راهنمایی:

۱- شناخت موقعیت زمین در فضا؛

* (آمار بر مبنای کتابهای سال ۷۱)

جدول شماره (۱): تعداد و سطوح هدفهای رفتاری درس جغرافیای سال اول راهنمایی

مجموع	ارزشیابی	ترکیب	تجزیه و تحلیل	کاربرد	درک و فهم	دانش	سطوح یادگیری
							تعداد و درصد
۶۰	۰	۰	۱	۴	۳۷	۲۰	تعداد
%۱۰۰	۰	۰	%۲	%۶	%۶۰	%۳۲	درصد

جدول شماره (۲): تعداد و سطوح هدفهای رفتاری درس جغرافیای سال دوم راهنمایی

مجموع	ارزشیابی	ترکیب	تجزیه و تحلیل	کاربرد	درک و فهم	دانش	سطوح یادگیری
							تعداد و درصد
۶۷	۱	۰	۰	۱	۲۷	۳۸	تعداد
%۱۰۰	%۱/۵	۰	۰	%۱/۵	%۴۰	%۵۷	درصد

جدول شماره (۳): تعداد و سطوح هدفهای رفتاری درس جغرافیای سال سوم راهنمایی

مجموع	ارزشیابی	ترکیب	تجزیه و تحلیل	کاربرد	درک و فهم	دانش	سطوح یادگیری
							تعداد و درصد
۱۱۲	۰	۰	۱	۱۰	۶۱	۴۰	تعداد
%۱۰۰	۰	۰	%۱	%۹	%۵۴	%۳۶	درصد



تفسیر جدولها:

از جدولهای مربوط به هدفهای رفتاری دروس جغرافیا در مقطع راهنمایی چنین معلوم می شود که اگرچه هدفهای رفتاری در راستای هدفهای کلی درس است، اما غالب هدفهای منظور شده در سطح دانش و درک و فهم حیطه شناختی یادگیری قرار دارند و در سطح کاربرد تنها چند مورد اندک به چشم می خورد و در سطوح تجزیه و تحلیل و ترکیب هیچ هدفی منظور نشده است. توجه به سطوح پایین یادگیری همچون «دانش» و «درک و فهم»، عدم توانایی دانش آموزان در استفاده از آموخته ها در محیط غیر از محیط یادگیری را به دنبال دارد و عدم توجه به یادگیری معنی دار و پایدار که در طبقات کاربرد به بالا اتفاق می افتد، یادگیری مطالب را به صورت حفظی و سطحی در می آورد. این گونه ارائه اهداف دانش آموزان را نه تنها تک بعدی و متکی به حافظه باز می آورد، بلکه انگیزه مطالعه و علاقه به درس جغرافیا را در آنان کاهش داده قوه ابتکار، خلاقیت و قضاوت را از آنان سلب می کند. با این سبک در پایان سال تحصیلی ذهن دانش آموزان به انباری از اطلاعات تبدیل می شود که به صورت سطحی و جدا از هم وبدون ارتباط انباشته شده است. معمولاً امتحانات و ارزشیابیهای معلمان نیز در همین سطح به عمل می آید. به همین لحاظ دانش آموزان در فاصله نه چندان زیادی از پایان سال تحصیلی و امتحانات تمامی آموخته ها را به باد فراموشی می سپارند؛ بدون این که از عمر صرف شده برای یادگیری سودی حاصل کنند. در صورتی که وظیفه اصلی تعلیم و تربیت و برنامه های درسی پرورش انسانهای شایسته، متفکر و خلاق برای جهان پیچیده و در حال دگرگونی است. به عبارت بهتر وظیفه برنامه های درسی، پرورش انسانهای متفکر در مقابل جامعه متغیر است.

البته تمام مشکلات را تنها به اهداف نمی توان ارتباط داد، بلکه باید تمامی اصول برنامه ریزی درسی همچون انتخاب محتوای مناسب، چگونگی سازماندهی محتوا، نحوه تدریس، انتخاب مواد آموزشی مناسب و نیز ارزشیابی به دقت و اصولی انجام پذیرند. قانع شدن به کتاب درسی به عنوان تنها مواد آموزشی ما را از وسایل و ابزارهای لازم همچون فیلم، پوستر، اسلاید و . . . غافل می سازد. لازم به ذکر است که در مقایسه هدفهای رفتاری دروس سه ساله دوره راهنمایی، سال سوم راهنمایی نسبت به اول و دوم از وضعیت نسبتاً بهتری برخوردار بوده است.

پیشنهادهای:

۱- برای بهبود برنامه های درسی جغرافیا لازم است ارزشیابی همه جانبه از آن به عمل آید تا بدین طریق نواقص و کمبودها مشخص و به وسیله مسئولان رفع شود.

۲- توجه به اصول برنامه ریزی درسی از جمله انتخاب هدف، انتخاب محتوا، روشهای سازماندهی، شیوه های تدریس، انتخاب ابزار و مواد آموزشی مناسب و ارزشیابی و تجدید نظر در برنامه ها، برنامه های درسی را از کیفیت و کارایی مطلوبی برخوردار خواهد ساخت.

۳- استفاده از یافته ها و دستاوردهای جدید تکنولوژی آموزشی در مراحل مختلف تدوین برنامه و اجرا ما را در رسیدن به هدفهای برنامه یاری خواهد کرد.

۴- در انتخاب و تدوین هدفها باید به تمامی سطوح یادگیری با توجه به ماهیت درس توجه شده از یادگیری طوطی وار و حفظی خودداری شود.

۵- هدفهای انتخاب شده باید با زندگی دانش آموزان ارتباط داشته باشد، زیرا در این صورت در فراگیران جهت یادگیری ایجاد علاقه و انگیزش خواهد کرد.

منابع:

- ۱- اسراری، علینقی: اصول برنامه ریزی درسی؛ جزوه منتشر شده دانشگاه تربیت معلم؛ ۱۳۶۸.
- ۲- پروند، محمد حسن: مقدمات برنامه ریزی آموزشی و درسی؛ انتشارات صحیفه؛ ۱۳۶۹.
- ۳- کیامنش، علیرضا: «رابطه ارزشیابی و هدفهای آموزشی»؛ فصلنامه تعلیم و تربیت؛ شماره مسلسل ۲۶، ۱۳۷۰.





روش تهیه پروژۀ جغرافیایی

«مقدمه‌ای بر روش تحقیق در جغرافیا»

محمد حسین رضایی مقدم
دانشجوی دکترای جغرافیای طبیعی
دانشگاه تبریز

مقدمه:

در سالهای اخیر مجلات رشد جغرافیا و تحقیقات جغرافیایی مقالات ارزنده زیادی را از سوی صاحب نظران به چاپ رسانده‌اند. لیکن در این میان جای نوشته‌های آموزشی نظیر آموزش روش تحقیق بسیار خالی بود. از این رو در این مختصر سعی شده به نحوی از انحاء خلاء موجود در بین مقالات پر شود. امید است گره‌گشای کارهای تحقیقاتی دانشجویان گرامی باشد.

۱- نحوه شروع کار

مطالعه صحرائی قسمت مهمی از پژوهش‌های جغرافیایی را

تشکیل می‌دهد. در مطالعه صحرائی شما عهده‌دار کار تحقیقی خودتان هستید. برای مؤثر بودن این کار می‌بایستی قادر به انجام موارد ذیل باشید.

الف - در انتخاب موضوع برای تحقیق می‌بایستی از خود ابتکار و قوه تخیل خوبی را نشان دهید.

ب - تصمیم‌گیری درباره منابع داده‌های مناسب جغرافیایی و استراتژی جمع‌آوری اطلاعات

ج - طبقه‌بندی، تجزیه و تحلیل، تفسیر و ارائه داده‌ها به شکل مناسب

د- وصول نتایج و ارائه یافته‌های خود با روشی واضح بیشتر مطالعات صحرائی به چند حالت می‌توانند تنظیم شوند (شکل ۱).

در این مقال برخی از این حالت‌ها تشریح می‌شود. البته هدف کمک به دانشجویان در سطوح عالی می‌باشد تا در تحقیقات جغرافیایی خود تصمیمات مقتضی را اتخاذ نمایند.

مناسب تر هستند بسیار مهم می باشد. از این نظر بیشترین توجه می بایستی به قابل دسترس بودن، سهولت جمع آوری و صحت اطلاعات معطوف گردد. برخی اطلاعات اداری جمع آوری شده برای عموم قابل وصول نیست. برای مثال آمار ثبت شده سرشماری از جزئیات افراد یک خانواده، چنین اطلاعاتی از طریق قانون بطور محرمانه برای مدت یکصدسال حفاظت می شود و در این ضمن فقط اطلاعات گروه بندی شده قابل دسترس است. برخی مواقع اطلاعات ثانویه به سهولت قابل دسترسی نیستند، بدین جهت روش اولیه بکار گرفته می شود. این روش می تواند وقت گیر و پرهزینه باشد و نیاز به تفکر زیادی دارد تا چنین پروژه ای طرح گردد. چنانکه خواه از اطلاعات اولیه یا از اطلاعات ثانویه در مطالعات استفاده شود بایستی داده ها را به واقعیت نزدیک نمود. حتی آمارهای اداری ممکن است حاوی اشتباهاتی باشد یا جزئیات را با روش متعصبانه ای ارائه دهند، پیش از اعتماد به هر منبع اطلاعاتی سعی کنید چگونگی جمع آوری آنها را دریابید. در این صورت برخی از محدودیت های کار شما آشکار خواهد شد.

۳- چرا اطلاعات جمع آوری می شود؟

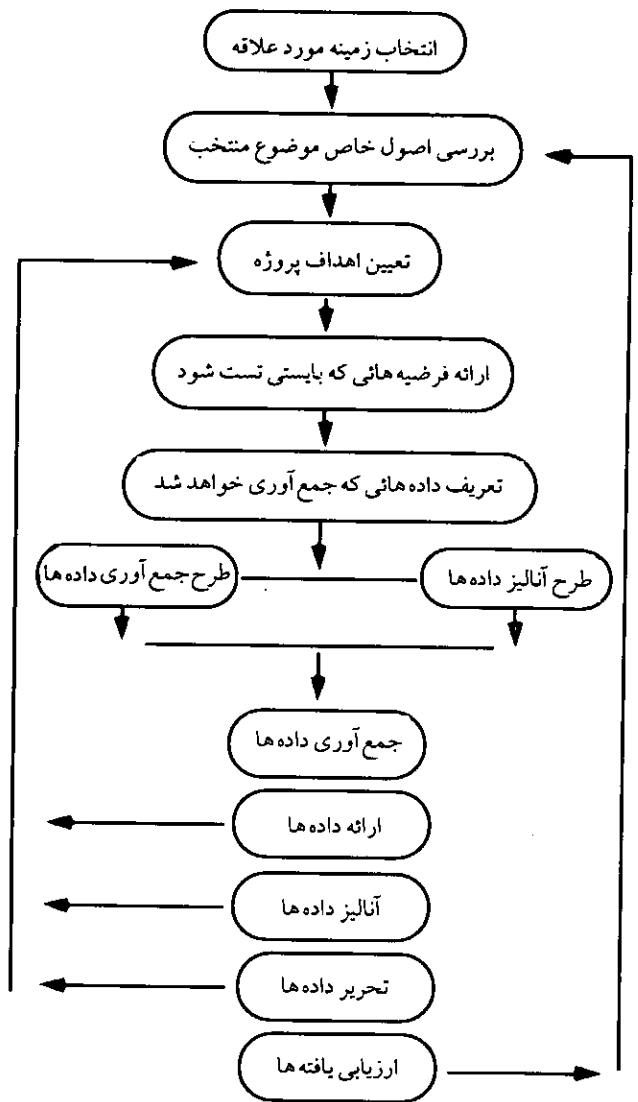
نکات مهم چندی در رابطه با علت جمع آوری اطلاعات وجود دارد، یکی اینکه شما در رابطه مطالعات صحرائی خوب تفکر نمایید تا اندازه ای که جمع آوری اطلاعات برایتان دلایلی منطقی داشته باشد. مطالعات جغرافیای انسانی و طبیعی می بایستی براساس روش های علمی باشد، اما کدام روش را می باید بکار بگیریم؟ آیا روش منتخب برای اخذ نمونه دقیق یا انتخاب مناسب ترین روش آماری جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات کافی است؟ به این سئوالات درباره اصول و روش مطالعه پیش از مراجعه به عملیات صحرائی جهت اخذ اطلاعات بیشتر یا کنکاش در مورد آرشیوهای تاریخی برای کسب اطلاعاتی از منابع ثانویه، می بایستی تعمق کرد.

۴- روش های مطالعه

دو روش عمده برای شروع مطالعه جغرافیایی مقدور است. این روش ها تحت عنوان روش های استقرایی و قیاسی شناخته می شوند. درک اختلاف بین این روش ها بسیار مهم است و باید سعی کنید مشخص نمایید که کدامیک از این روش ها برای نوع مطالعه شما بهترین کارایی را داراست. این موارد در شکل شماره ۲ خلاصه شده است:

۱-۴ روش استقرایی

روش استقرایی که برخی مواقع، روشی کلاسیک خوانده می شود، چند حالت خلاصه شده را در سمت چپ شکل شماره ۲



شکل شماره ۱ مراحل طرح پروژه جغرافیایی

۲- تعریف داده های اولیه و ثانویه^۱

اطلاعات جغرافیایی به صورت مختلفی حاصل می شود. یک قسمت بسیار مشخص آن از بین داده های اولیه و ثانویه بدست می آید. داده های اولیه به انواع اطلاعاتی نسبت داده می شود که در وهله اول از طریق عملیات صحرائی و برآورده های پرسشنامه ای می تواند جمع آوری گردد.

اطلاعات ثانویه آنهایی هستند که از منابع منتشره نظیر آمارهای اداری، نقشه ها و عکس های هوایی می توان بدست آورد یا منابعی که توسط مؤسسات دیگری جمع آوری شده است. داده ها مواد خام یک پروژه در جغرافیا است. بیشتر تحقیقات، ترکیبی از اطلاعات اولیه و ثانویه است. تصمیم گیری در مورد اینکه کدام منابع اطلاعاتی

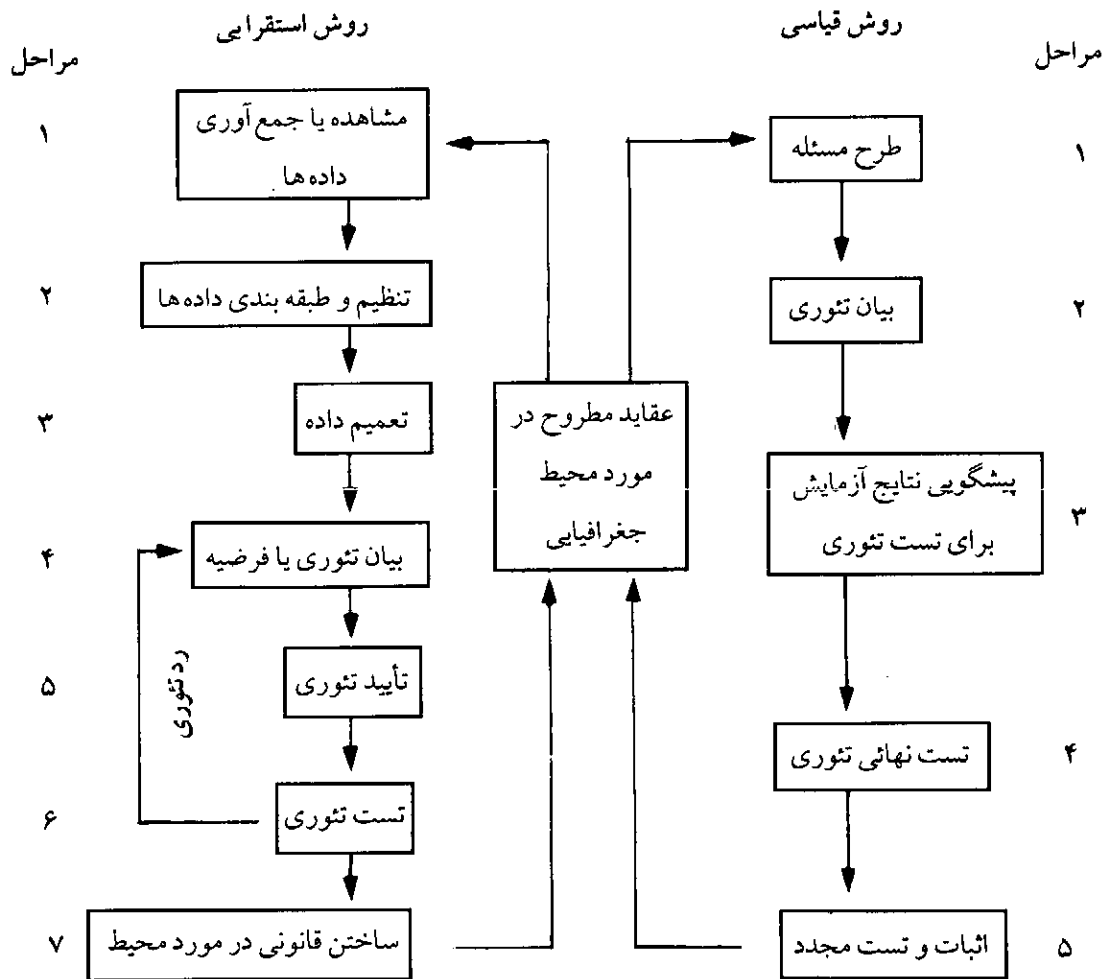
وجود دارد که سنگهایی را دورتر از حاشیه آب مشاهده کنیم. براساس این یافته می توانیم فرضیه ای بسازیم (مرحله چهارم) که در سواحل سنگلاخی همیشه بزرگترین سنگها در این نقطه از ساحل یافت می شوند. مراحل پنجم و ششم (در شکل ۲) نشانگر نیاز به بررسی تعدادی از سواحل است، و اگر به نتایج مشابهی دست یابیم قانونی را درباره چگونگی عملکرد محیط بنیان خواهیم گذاشت.

۲-۴ روش قیاسی ۳

روش قیاسی که برخی مواقع روش منطقی نقد و انتقاد خوانده می شود در واقع شق دوم روش استقرایی می باشد و در سمت راست شکل ۲ نشان داده شده است. این روش با ارائه مسئله اولیه آغاز می شود. برای مثال ممکن است فرضیه مشابهی را درباره اندازه سنگهای روی ساحل با این روش تمرین کنیم. براساس آنچه در مورد فرآیندهای ساحلی می دانیم یک تئوری برای آزمایش (مرحله دوم) ارائه می دهیم. پیش از جمع آوری اطلاعات بایستی نتیجه آزمایش را حدس بزنیم (مرحله سوم) سپس لازم است سعی نماییم اشتباهات

دربرمی گیرد. نقطه شروع آن مشاهده از محیط یا جمع آوری اطلاعات جغرافیایی است. با داشتن اطلاعات جمع آوری شده مرحله دوم کار طبقه بندی آنها است. مثالهای چندی را می توان در زمینه بیوژئوگرافی و خاکها مشاهده نمود. مطالعه گیاهان و جانوران در گذشته، دنیای طبیعی را به صورت گروه های گیاهی و جانوری سازمان داده است که بعداً هرکدام به زیر گروه ها، طبقات و رده ها تقسیم بندی شده اند. متخصصین خاک نیز با طبقه بندی سر و کار دارند، برای مثال در بریتانیا خاکهایی نظیر خاکهای قهوه ای اسیدی، خاکهای قهوه ای و پودزول پیدا می کنیم. این طبقه بندی براساس تکامل افقهای در پروفیل خاک انجام گرفته است. مرحله سوم تعمیم اطلاعات است. فرآیند طبقه بندی در مطالعات خاک نیز بدین ترتیب است زیرا به سبب تدریجی بودن تکامل خاک از یک نوع به نوع دیگر نیاز به آن می باشد که خاکها را در گروه های خاصی طبقه بندی نمود.

براساس برخی از اطلاعات جمع آوری شده ممکن است به وجود روابط مطمئنی پی ببریم. برای مثال در مطالعه سواحل این احتمال



شکل شماره ۲ روش های استقرایی و قیاسی مطالعه

20	17	42	28	23	17	59	66	38	61
74	49	04	49	03	04	10	33	53	70
94	70	49	31	38	67	23	42	29	65
22	15	78	15	69	84	32	52	32	54
93	29	12	12	27	30	30	55	91	87
02	10	51	55	92	52	44	86	42	25
11	54	48	63	94	60	94	49	57	38
40	88	78	71	37	18	48	64	06	57
15	12	54	02	01	37	38	37	12	93
50	57	58	51	49	36	12	53	96	40
45	04	77	97	36	14	99	45	52	95
44	91	99	49	89	39	94	60	48	49
16	23	91	02	19	96	47	59	89	65
04	50	65	04	65	65	82	42	70	51
32	70	17	72	03	61	66	26	24	71
69	85	03	83	51	87	85	56	22	37
06	77	64	72	59	26	08	51	25	57
27	84	30	92	63	37	26	24	23	66
55	04	61	47	88	83	99	34	82	37
22	77	88	33	17	78	08	92	73	49

جدول شماره ۱ ارقام تصادفی برای نمونه گیری

می‌نمایید. یا در مورد جامعه ۱۰۰۰ عضوی چهار رقم را مورد استفاده قرار می‌دهید و . . . شما می‌توانید از هر قسمت دلخواه جدول شروع و بصورت افقی و عمودی قرائت کنید. مبدأ شروع، برای ادامه قرائت سربها یا شماره‌ها اهمیت فراوان دارد. برای مثال در مطالعه اینکه خانواده‌ها جهت خرید به کجا مراجعه می‌کنند می‌توان ده خانواده از محله‌ای را بطور تصادفی انتخاب کرد. اگر همانند مثال، ۵۰ خانواده در محله وجود داشته باشد، شماره‌های دو رقمی تصادفی مورد استفاده قرار خواهد گرفت، حال چنانکه شمارش را تا انتخاب ده نمونه انجام دهیم می‌بایستی اعداد انتخاب شده بین ۰۱ تا ۵۰ باشد: (۲۰، ۱۷، ۴۲، ۲۸، ۲۳، ۱۷، (۵۹) (۶۶)، ۰۲، ۱۰، (۵۱) (۵۵) (۹۲) (۵۲) ۰۴۴ توجه داشته باشید که این شماره‌ها از طریق قرائت افقی بدست آمده است (توضیح اینکه در حال حاضر با استفاده از ماشینهای حساب قابل برنامه‌نویسی بدون استفاده از جدول می‌توان

آزمایش را ثابت کنیم (مرحله چهارم)، اگر عدم صحت تئوری ثابت شود دوباره کار را از نو شروع می‌کنیم. اگر تئوری را رد نکنیم ممکن است تجارب دیگری را جهت تست همان عقیده به روشهای مختلف طرح نماییم، تصدیق کامل آن بسیار مهم است، زیرا یک تئوری رد نشده لزوماً صحیح نیست. ممکن است ما آزمایش خیلی سطح پایینی را در مرحله اول تست کنیم درحالیکه احتمال دارد شخص دیگری طریقه بهتری را برای تست عقیده طرح نماید. این بدان معناست که با استفاده از روش قیاسی در مورد کارهای دنیا به قوانینی دست نخواهیم یافت، اما فرضیه‌ها در انتظار تست شدن با روش‌های دقیق و علمی باقی خواهد ماند.

۵ - نمونه گیری ۴

در بیشتر موارد بررسی تک تک افراد یک جامعه غیرممکن است. برای مثال، مطالعه یک پارک ملی به داشتن اطلاعاتی در مورد اینکه مردم از کجا آمده‌اند و چرا این محل را انتخاب نموده‌اند، نیاز دارد. این اطلاعات را نمی‌توانیم حتی در یک دوره کوتاه مدت از طریق هریک از بازدیدکنندگان بدست آوریم. در نتیجه لازم است تعدادی از روشهای انتخاب و گزینش افراد بکار گرفته شود که این روشها تحت عنوان نمونه‌گیری شناخته می‌شود.

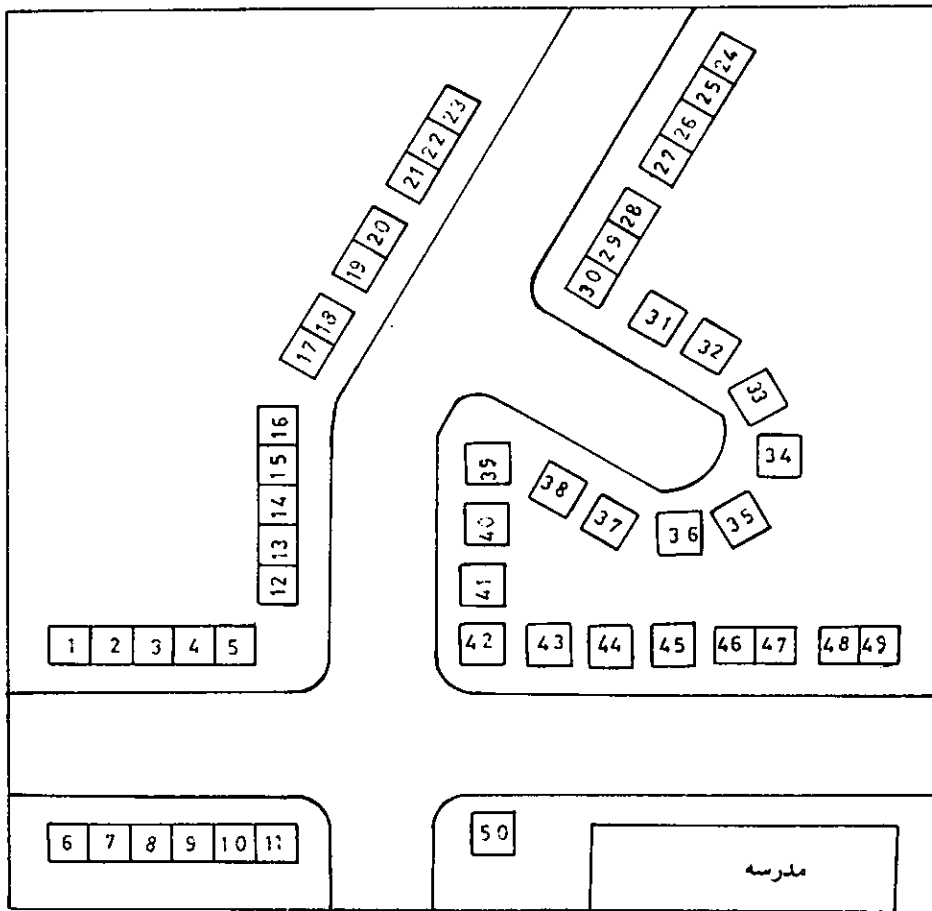
نمونه انتخاب شده می‌بایستی دقیقاً معرف جمعیت مورد نظر باشد. انتخاب ساده پنجاه اتومبیل اول که به پارکینگ پارک ملی وارد می‌شود غیر عاقلانه است. برای اینکه کار انجام شده معرف همه جامعه گردد، بایستی نمونه دارای طرح صحیح و اندازه مناسبی باشد.

روش‌های نمونه‌گیری

سه روش اساسی نمونه‌گیری عمدتاً بکار گرفته می‌شوند: نمونه‌گیری تصادفی، نمونه‌گیری سیستماتیک و نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده.

۱- ۵- نمونه‌گیری تصادفی ۵

نمونه‌گیری تصادفی باعث می‌شود تا یک نمونه بطور کاملاً تصادفی از میان جامعه انتخاب شود. هریک از افراد بطور برابر شانس گزینش دارند. برای انتخاب از این مجموعه، هریک از اعضاء یک شماره در نظر گرفته می‌شود. برای اطمینان از انتخاب تصادفی، استفاده از فرآیندهای تصادفی نظیر جدول اعداد تصادفی ضروری است (جدول شماره ۱). این جدول توسط کامپیوتر تهیه و معمولاً برای سهولت قرائت اعداد بصورت بلوکی چاپ می‌شوند. جهت انتخاب نمونه، می‌توانیم هر سری از اعداد را با هر تعداد رقم بخوانیم، هرچند که تعداد ارقام استفاده شده بستگی به اندازه مجموعه آماری دارد. برای مثال در یک جامعه ۱۰۰ عضوی از سه رقم استفاده می‌کنید و در مقابل پس از شمارش، ارقام بالاتر از صد را حذف



شکل شماره ۳ جامعه مورد بررسی با پنجاه عضو

نمونه‌گیری سیستماتیک پوشش صحیحی را بر کل جامعه مورد بررسی دارد. زیرا با فاصله یکنواخت شماره‌ها انتخاب می‌شود و از گلچین کردن نمونه‌هایی که غالباً در نمونه‌گیری تصادفی رخ می‌دهد، جلوگیری می‌کند. این روش علی‌رغم، سادگی و سهولت بکارگیری، ممکن است نتایج یک جانبه‌ای را بدست دهد. بایستی توجه داشت که سربهای منظم نقاط نمونه با برخی دیگر از اشکال با قاعده موجود در ناحیه مطالعاتی انطباق نداشته باشد. در شمارش پنج تایی ممکن است انتهای تراس یا گوشه خانه تکرار شود و از این رو در مجموع مطالعه خطاهایی را وارد خواهد ساخت.

۳-۵- نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده^۷

برخی مواقع جامعه مورد نمونه‌گیری از گروه‌های مختلفی تشکیل می‌شود و بایستی هر نمونه بصورت نسبتی از این گروه‌ها در نظر گرفته شود. برای مثال در بررسی مثال قبل ۲۰ خانواده صاحب ملک و ۳۰ خانواده مستاجر هستند. در نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده از هر طبقه یک نمونه معرف بطریق تصادفی انتخاب خواهد شد. در این مثال اگر

برای هر جامعه با هر تعداد افراد شماره‌های نمونه انتخاب نمود، نگارنده) (شکل ۳-الف).

در این نوع نمونه‌گیری مشکلاتی وجود دارد. از آنجمله یک نمونه از خریداران در یک مرکز فروشگاهی باسانی با روش تصادفی قابل انتخاب نمی‌باشد، زیرا مجموع افراد جامعه شناخته نمی‌شود و به هر خریدار نمی‌توان شماره داد. در شرایط برابر و مساوی ارزیابی خانواده‌ها، یک نمونه تصادفی وضعیت خانواده‌ها را (از نظر مالک و مستاجر بودن) مشخص نمی‌کند. همچنین ممکن است نمونه انتخابی بیش از یکبار تکرار شود. روش تصادفی نمونه‌گیری عمدتاً در جغرافیای طبیعی در مواردی نظیر استخراج اطلاعاتی از نقشه‌ها یا گزینش مواد در عملیات صحرایی، کاربرد دارد.

۲-۵ نمونه‌گیری سیستماتیک^۶

نمونه سیستماتیک نمونه‌ای است که با قاعده خاصی برگزیده می‌شود. انتخاب یک نمونه از هر پنج عضو جامعه، یک نمونه سیستماتیک را فراهم می‌آورد (شکل شماره ۳-ب).

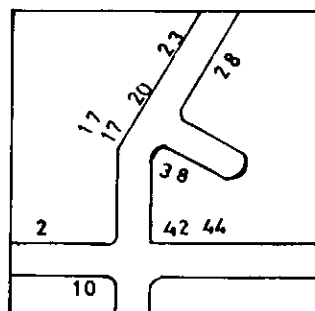
دارد، سعی گردد، اختلافات موجود بین تعداد و ترکیب جوامع گیاهی نواحی گرمسیری مرطوب و خشک مشخص شود. و بهمین ترتیب یک ژئومورفولوگ عقیده خودش را در مورد اینکه اندازه سنگریزه‌ها بر حسب تغییرات ارتفاع سطوح ساحلی تغییر می‌یابد، تست نماید. در این موارد طبقه‌بندی چندی بر اساس مکانهای خشک یا مرطوب و ساحل مرتفع و پست انجام می‌شود.

۶- خطاهای جمع‌آوری داده‌ها

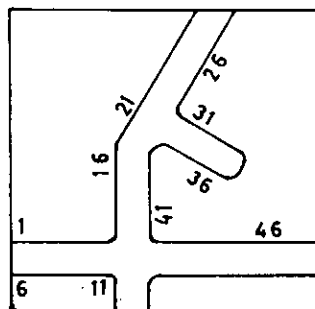
نمونه‌گیری هرگز بدون خطا نخواهد بود. این خطاها بدلیل چندی پیش می‌آید. برای مثال اگر سعی نماییم همه سنگریزه‌های مقطعی از بستر رودخانه‌ای را بشماریم و این عمل را چند بار تکرار کنیم، به سبب دشواریهای شمارش و بخاطر آوردن اینکه آیا یکی از آنها شمرده شده یا نه، بدست آوردن و جواب مشابه غیر محتمل خواهد بود. این نمونه‌ای از خطایی است که خطای اندازه‌گیری خواننده می‌شود. با این حال اگر دو نفر همان سنگریزه‌ها را بشمارند و ما مجدداً با اختلاف نتایج مواجه شویم در اینصورت قسمتی از خطا به اندازه‌گیری و قسمتی دیگر به خطای اپراتور مربوط خواهد بود. پارامتر اخیر افراد مختلف را به اندازه‌گیری موارد مشابه با اختلاف اندک هدایت می‌کند. اگر مشاهده‌گر اندازه‌گیری را در حد افراط و تفریط انجام دهد آن را اریبی^۸ می‌خوانند. هنگامی که چند شخص در آزمایشی شرکت داشته باشند با هدایت جزئیات بررسی محیط مورد نظر، خطاهای اندازه‌گیری و اپراتور می‌تواند تخمین زده شود. برای این کار ممکن است آزمایش کنترل شده‌ای طرح گردد و سپس به افراد شرکت‌کننده در نمونه‌گیری اجازه داده شود نمونه‌های فرعی کوچک را چند بار با روش قبل اندازه‌گیری و تفاوت‌های نتایج را پیدا کنند.

اگر به مثال خودمان، نمونه‌گیری از بستر رودخانه برگردیم، احتمال دارد تصمیم بگیریم پنجاه نمونه را از بستر رودخانه برای محاسبه میانگین نهشته‌ها برگزینیم و متوقع نشان دادن کل جامعه مورد بررسی باشیم. چنانکه مجدداً پنجاه نمونه از همان محل انتخاب و محاسبه نماییم ممکن است تفاوت‌های اندکی را در نتایج پیدا کنیم. و این بخاطر سومین نوع خطاست که خطای نمونه‌گیری^۹ خواننده می‌شود. بی‌شک با طرح نوع صحیحی از آزمایش که برای پیدا کردن خطای اندازه‌گیری و اپراتور بکار برده می‌شود، خطای نمونه‌گیری را نمی‌توان مشخص نمود. با این حال، آنالیز آماری، داده‌های جمع‌آوری شده را دست‌کاری نموده و اجازه می‌دهد تا خطای نمونه‌گیری با احتمال وقوع بکار گرفته شود. بدین جهت در تمامی مطالعات اجتماعی، اقتصادی و پدیده‌های طبیعی عدم اطمینان وارد می‌شود، لیکن به سبب انتخاب روش احتمالی که ما را در آستانه پذیرش پیش از قبول آزمایش قرار می‌دهد، کماکان در چهارچوب

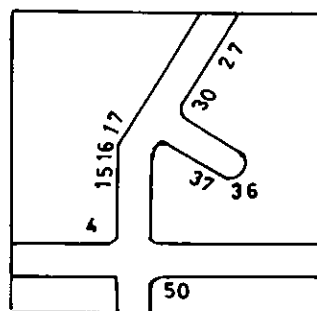
۱۰ خانواده انتخاب شود، تعادل درست و صحیح در مطالعه انتخاب ۴ مالک و ۶ مستاجر است (شکل شماره ۳- ج). یک طرح نمونه‌گیری تصادفی برای انتخاب شماره‌های هر گروه می‌تواند دنبال شود.



شکل ۳- الف) نمونه‌گیری تصادفی



شکل ۳- ب) نمونه‌گیری سیستماتیک



شکل ۳- ج) نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده

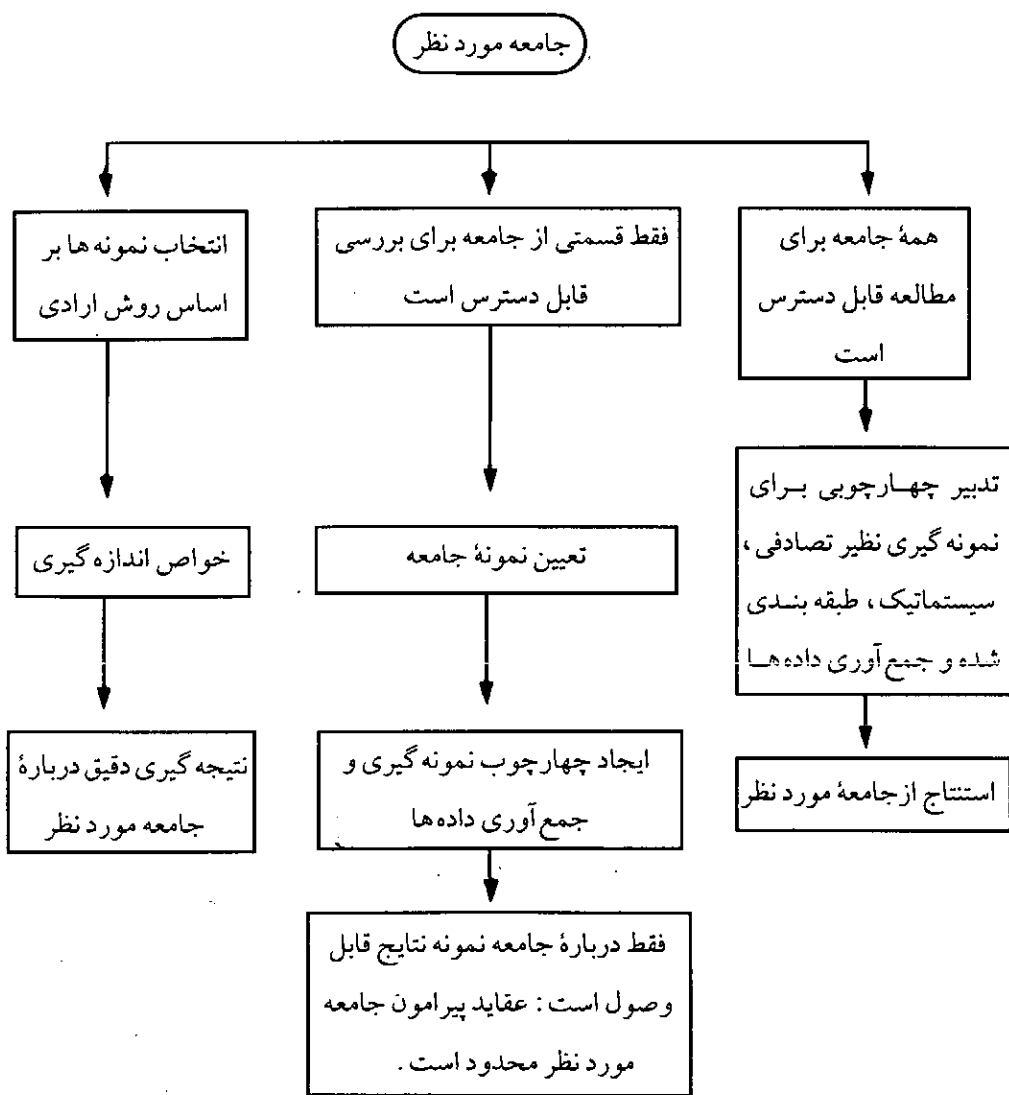
حدود و اندازه طبقه‌بندی که بکار برده خواهد شد به میزان اطلاعات ما درباره مجموع جامعه بستگی دارد. این روش برای نمونه‌های کوچک بسیار مفید است، بویژه اگر در داخل جامعه نمونه‌گیری شده مقایسه‌ای نیز انجام پذیرد. طرح نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده عمدتاً برای جمع‌آوری اطلاعات اولیه در مورد محیط طبیعی استفاده می‌شود. برای مثال در یک مطالعه بیژنوگرافی احتمال

رودخانه برسد، به تفسیری نادرست ختم خواهد شد. بنابراین انتخاب روش نمونه‌گیری به جامعه مورد نظر ما بستگی دارد. جامعه‌ای را که می‌خواهیم از آن نمونه برداریم، جامعه مورد نظر خوانده می‌شود، و اگر اندازه‌گیری کل آن مقدور باشد، دریافت نتایج ممکن می‌گردد. در غیر اینصورت به نتایج جامعه نمونه‌گیری شده دست خواهیم یافت (شکل شماره ۴).

۷- مقدار نمونه

برای محاسبه مقادیر نمونه‌ها تا آنجایی که بیانات صحیحی را از جامعه مورد نمونه‌گیری ارائه دهد، از روش‌های آماری استفاده

کنترل آزمایش باقی می‌مانیم. البته به دلایل چندی نمونه‌گیری از کل جامعه مقدور نخواهد شد. در برخی مواقع قسمت‌هایی از جامعه مورد بررسی، از مطالعه خارج می‌شود: برای مثال برحسب تکنیکی که بکار می‌گیریم، ممکن است فقط قادر به اندازه‌گیری قطعاتی از بستر رودخانه باشیم که بیش از ۲ میلی‌متر قطر دارند. نتیجه اینکه از کل جامعه، فقط نمونه‌های معرف آن جامعه را بکار می‌بندیم (شکل ۴). هنگامی که با شکل قطعات سروکار داریم، بایستی از نمونه‌ها، هر سنگریزه را که نشان دهنده آثار تخریب مکانیکی بجای سایش رودخانه‌ای است از رده خارج نماییم. البته باید خاطر نشان نمود که این کار چنانکه به مرحله وصول نتایج در مورد تمامی قطعات بستر



شکل شماره ۴ روش‌های نمونه‌گیری در مطالعات جغرافیایی

می شود. عملاً در بیشتر مطالعات، مجبور خواهید شد برای مدیریت بهتر پروژه‌ای که به مدت معینی در اختیار شما قرار گرفته مقادیر نمونه‌ها را محدود سازید. این مقادیر به ماهیت بررسی یا محتویات پرسشنامه، میزان اعضای جامعه و شکل تجزیه و تحلیلی که بکار برده می‌شود، بستگی دارد. برحسب تجربه ۳۰ مورد نمونه برای بررسی و جمع‌آوری داده‌ها مناسب است. تعمیم نمونه‌های خیلی کوچک نظیر ۱۰ نمونه و کوچکتر از آن به نتایج نامشخص و غیرواقعی ختم می‌شود. نمونه‌های بزرگ با روش سهلی، داده‌های زیادی را بوجود می‌آورد.

هنگامی که اندازه، نمونه پرسشنامه‌ای را برنامه‌ریزی می‌کنید بایستی انتظار آن را داشته باشید که بی‌پاسخ بمانند. اغلب بین نمونه برگزیده و به انجام رسیده تفاوت‌های قابل توجهی وجود دارد. حتی محرب‌ترین مصاحبه‌گران بیش از ۸۰ تا ۹۰ درصد توقع پاسخ ندارند. برای مصاحبه‌گران تازه کار ۵۰ درصد رقم موفقیت‌آمیزی است. سعی نمایید پس از تعمق در مورد مطالب فوق‌الذکر، دست کم دو برابر نمونه‌های مورد نیاز را انتخاب کنید.

در پایان روز پیش‌گویی میزان پاسخ خیلی سخت است. اگر ارزیابی را از منازل بعمل می‌آورید حتماً مکانهای بازدید شده را یادداشت نمایید. در نهایت ممکن است طرح نمونه‌ای ثانویه یا تقویت‌کننده برای تکمیل ارزیابی و بررسی ضرورت پیدا کند.

۷-۱- سطوح اندازه‌گیری^{۱۰}

ماهیت دقیق داده‌های جمع‌آوری شده به سطحی که اندازه‌گیری براساس آن انجام گرفته، بستگی دارد. اهمیت این سطح بدان جهت است که نوع تست آماری را برای تجزیه و تحلیل داده‌ها معین خواهد نمود. چهار سطح اندازه‌گیری وجود دارد:

مقیاس لفظی یا صوری^{۱۱} مقیاسی براساس طبقه‌بندی داده‌ها در گروه‌ها و طبقات مانعة‌الجمع (ناسازگار) است. در این روش برای کم کردن اندازه‌گروه‌ها، تلاشی صورت نمی‌گیرد. اهداف براساس یکی از گروه‌های مشخص شده طبقه‌بندی می‌شود. مثالها شامل طبقه‌بندی انواع سنگهای متفاوت، بهره‌وری اراضی و گروه‌های نژادی است.

مقیاس ترتیبی^{۱۲} اندازه‌گیری به ما اجازه می‌دهد طبقات را منظم نماییم، اما متغیرهای اندازه‌گیری شده در مابین آنها قابل تشخیص نیست. برای مثال، ممکن است خاکها را براساس رنگ از روشن به تیره طبقه‌بندی کنیم. در زمین‌شناسی مقیاس موس درجه سختی کانیها را با مقیاس تنزلی با فواصل نابرابر مرتب می‌کند. و یا در مطالعات ادراکی ممکن است محلی را که مردم ترجیح می‌دهند در آنجا زندگی یا خرید کنند شناسایی نماید.

مقیاس منقطع^{۱۳} در اندازه‌گیری هنگامی استفاده می‌شود که

فواصل برابر بین واحدهای اندازه‌گیری را بدون اعتنا به صفر مطلق، داشته باشیم. ۴۰ درجه سانتی‌گراد از ۲۰ درجه سانتی‌گراد دو برابر داغ‌تر نیست، این دماها همانند ۱۰۴ درجه و ۶۸ درجه فارنهایت است. گذشته از این، محاسبه روابط بین این دو مقیاس نسبتاً پیچیده است، برای تبدیل درجه سانتی‌گراد به درجه فارنهایت، به $\frac{9}{5}$ ضرب و ۳۲ به آن اضافه می‌شود.

مقیاس ثابت^{۱۴} اندازه‌گیری بدلیل داشتن صفر مطلق از مقیاس منقطع متفاوت است، نظیر اندازه‌گیری‌های طول یا مساحت. برای مثال ۲۰ سانتی‌متر درست دو برابر ۱۰ سانتی‌متر است و اندازه‌گیری‌ها در یک واحد (برای مثال اینچ) می‌توانند بوسیله ضریب ثابتی (مانند ۲/۵۴) به واحدهای دیگری تبدیل شود (نظیر سانتی‌متر).

یادداشتها

- 1) primary and secondary data
- 2) inductive
- 3) deductive
- 4) Sampling
- 5) Random Sampling
- 6) Systematic Sampling
- 7) Stratified Sampling
- 8) bias
- 9) Sampling error
- 10) levels of Measurement
- 11) Nominal Scale
- 12) Ordinal Scale
- 13) Interval Scale
- 14) Ratio Scale

* مقیاس با نسبت ثابت و معین که برای زیبایی کلام مقیاس ثابت ترجمه شده است *

منابع و مأخذ:

1) Geographical Data, Hugh Matthews Ian Foster, 1989, Oxford

۲- مقدمه‌ای بر احتمالات و آمار- هنری ال. آلدر و ادوارد بی. راسلر. ترجمه

دکتر عباس علی زالی و دکتر جمشید جعفری شستری



جغرافیا و

نویسنده: پروفیسور رونالد جانستون
ترجمه: دکتر عباس سعیدی
دانشگاه شهید بهشتی

کارشناسان جغرافیای فرهنگی، تاریخی و ناحیه‌ای در زمینه دستیابی به روش‌شناسی جدید در اختیار قرار نداشت و ندارد. از سه گروهی که در عبارات بالا به آنها اشاره شد، ظاهراً کارشناسان جغرافیای تاریخی بیشتر از بقیه از دورافتادگی آشکار خود در این زمینه آگاهی داشتند. این نکته توسط بیکر (۱۹۷۲) براساس رویکردهایی که کارشناسان جغرافیای تاریخی می‌بایست به نحوی مشخص‌تر مورد توجه قرار می‌دادند، مورد بحث و بررسی قرار گرفت:

«در اینجا این فرض الزامی است که از لحاظ روش‌شناسی، پیشرفتهای عمده را از آگاهی روبه رشد نسبت به تحول سایر رشته‌ها، از بهره‌گیری بیشتر از شیوه‌های آماری، روی آوری، کاربرد و آزمون تئوری و همچنین بهره‌گیری از منابع و رویکردهای رفتاری می‌توان انتظار داشت ...»

از آنجا که القای قالبهای خشک فکری به دیگران پیوسته با شکست همراه است، بازاندیشی امری الزامی است. تا آنجا که به جغرافیای تاریخی مربوط می‌شود، این امر باید با به زیر سؤال بردن دقت و

زمینه‌های مورد بی‌مهری گزارش آکادمی ملی علوم و شورای ملی تحقیقات (۱۹۶۵) نشان می‌داد دو زمینه اصلی تخصصی و سیستماتیک که در روندهای تحوّل جغرافیای انسانی به طور نسبی مورد بی‌مهری قرار داشتند، عبارت بودند از جغرافیای فرهنگی و جغرافیای تاریخی. از اینها گذشته، با وجود کوششهای سری (۱۹۶۴) در راستای دگرگونی قالبهای جغرافیای ناحیه‌ای، این شاخه اصولاً از دگرگونیهای مبتنی بر شیوه‌های روش‌شناختی به دور مانده بود. البته همه کارشناسان جغرافیای فرهنگی، تاریخی و ناحیه‌ای نسبت به دگرگونیهای پدیدآمده در سایر زمینه‌ها چندان بی‌اطلاع نبودند. در واقع، برخی از آنان حتی از پیشگامان «انقلاب» به شمار می‌رفتند؛ به عنوان نمونه، دو فصل از کتاب «انواع مدلها در جغرافیا» توسط افرادی (مانند دیوید هاروی و دیوید گریگ) فراهم آمده بود که خود درباره موضوعات تاریخی به تحقیقات علمی-تجربی دست زده بودند. اما تردیدی نیست که گزارش آکادمی ملی علوم و شورای ملی تحقیقات در مجموع صادق بود، چرا که شواهد چندان در ارتباط با موفقیت

(۱۹۸۱) نیز نشان داده است، تئوری پیوسته از اهمیت بیشتری برخوردار است:

«در شهرهای سده نوزدهم ایالات متحده، برخی قواعد ... به منظور چیزی که به نتیجه گیری منطقی منجر می شد، در نظر گرفته می شد.»

چنین دیدگاهی بر این فرض تکیه دارد که اتخاذ تئوری در جغرافیای تاریخی امکان پذیر است. همانطور که بعداً نشان خواهیم داد، عده ای این امر را در جغرافیا به طور کلی و همینطور در جغرافیای تاریخی مردود می دانند. شیوه اثبات گرا عینیت را طلب می کند، اما

کفایت فنون و روشهای سنتی این شاخه همراه باشد.»

تمامی این موارد و توان بالقوه پیشرفت مکتبی مورد نظر را می بایست با احتیاط دنبال کرد، اما بیکر آشکارا اعتقاد داشت که دورنمای روشنی از دگرگونی و تغییر در پیش رو قرار دارد، به همان گونه که تغییراتی در تاریخ اجتماعی و اقتصادی و شاید حتی به وجهی بارزتر در دانش باستانشناسی پدیدار آمده بود. شاید زمینه های معینی در جغرافیای تاریخی، از جمله زمینه هایی که به سکونتگاههای شهری مربوط می شد، نسبت به بقیه زمینه ها، بیشتر در معرض این گونه دگرگونیها قرار داشت و علت آن البته کیفیت و همینطور

جغرافیدانان (۹)

جغرافیدان در توصیف و تبیین یک چشم انداز ذهنی برخوردار می کند:

«در تبیین چشم انداز آیا او تحت تأثیر آموخته ها و تجربیات پیشین خود و به عبارت بهتر، اسیر پیشداوریهای خود نیست؟ همانگونه که چهره ترسیمی توسط نقاش گویای بسیاری از خصوصیات خود او و همچنین مدل نقاشی اوست، توصیف یک منظر نیز تا حد زیادی نشانگر ویژگیهای نویسنده آن خواهد بود.»

بدینسان، به نظر داری جغرافیا هم علم است و هم هنر. جغرافیا «علم است به این اعتبار که امور واقعی که ما ادراک می کنیم باید با توجه و دقت مورد بررسی و شاید ارزیابی قرار گیرد و به این اعتبار هنر است که هر گونه ارائه (یا بهتر است بگوییم ادراک) آن امور به صورت انتخابی به انجام می رسد و بر این اساس، حکایت از نحوه انتخاب، ذائقه و دآوری ما نسبت به آن امور دارد.»

چنین موضعی آشکارا آن دسته از جغرافیدانانی که در برخورد با جغرافیای تاریخی به دیدگاهی آرمان گرا پای بندند را از آنهایی که قضیه رویکردی علمی تر، خواه کمی یا غیر آن را مطرح می سازند، متمایز می گرداند؛ هر چند برخی استدلال خواهند کرد که نقل قول مذکور از

کمیت بهتر داده های در دسترس و حجم وسیع تر مطالعاتی از این دست بود. البته استنباطهای احتمالی نسبت به همین گونه آثار به چشم می خورد، چنانکه بیکر اشاره می کند:

«به عنوان نمونه، به نظر می آید مطالعات جغرافیای کشاورزی تاریخی، جغرافیای شهری تاریخی و جغرافیای اقتصادی تاریخی امکاناتی در جهت فهم بهتر روندهایی که به دگرگونی جغرافیایی در گذر زمان منجر می شوند، فراهم می سازند. این گونه ساماندهی به این شاخه علمی می تواند جغرافیای تاریخی را به عنوان ابزاری در جهت دستیابی به هدف و نه به خودی خود به عنوان هدف مطرح سازد.»

در بخشهای اولیه درباره ارتباط جغرافیای تاریخی و «انقلابهای نظری و کمی»^۱ توجه اصلی بیشتر به کمی کردن^۲ معطوف بوده است و نه تئوری. البته همانگونه که ونس^۳ (۱۹۷۸) نیز گوشزد کرده و آثار دیگران نشان می دهد، داده ها - در صورت در دسترس بودن - می توانند به منظور آزمون تئوریهای مربوط به الگوهای قدیمی فضایی مورد بهره گیری و پردازش قرار گیرند، اما آنگونه که رادفورد^۴

داریسی در عین حال می‌تواند درباره آثار اثبات گرایانه نیز صادق باشد (آموزش اثبات گرا هم در انتخاب موضوع مورد بررسی و هم اتخاذ دیدگاه بر ذهنیت استوار است).

به نظر می‌آید، جغرافیای فرهنگی نسبت به جغرافیای تاریخی کمتر به اتخاذ شیوه مشخصی بدور از جریان اصلی فعالیت جغرافیایی دست یازیده باشد، شاید به خاطر فقدان پیشرفتهای موازی در انسان‌شناسی برای ایشان در جغرافیا؛ این امر از آنجا ناشی می‌شود که بسیاری از کارشناسان جغرافیای فرهنگی ظاهراً بیشترین تماس را با انسان‌شناسی داشته‌اند (البته این خود اظهارنظری کلی است. پژوهشهای انسان‌شناسی شاید اگر نگوییم دگرگونیهای عمده، اما تغییراتی دیدگاهی بوده است، به ویژه در مطالعات ساختاری کلودلوی استراوس^۵) به هر تقدیر، توجه عام و گرایش روزافزون جغرافیدانان به (مقوله) پراکنش^۶ که توسط هگرستراند^۷ (۱۹۶۸) مطرح شد و بعدها در سایر زمینه‌ها گسترش و بسط یافت، منجر به تماس میان مکتبهای فکری تحلیل فضایی و تحلیل فرهنگی شد. با وجود این، همانگونه که مایکسل^۸ (۱۹۷۸) بیان کرده است، «فردگرایی کورزاد و بی تفاوتی آشکار به مد آکادمیک ویژگی شناخته شده و بارز» کارشناسان جغرافیای فرهنگی است که عمدتاً به موارد و مقولات زیر می‌پردازند: جهت‌گیری تاریخی؛ تأکید بر نقش عامل انسانی در تحوّل محیطی؛ فرهنگ مادی و حوزه‌های روستایی؛ پیوند با انسان‌شناسی؛ دورنمایی فردگرایانه؛ و کارمیدانی. (این موارد در کتابی حاوی مقالاتی درباره جغرافیا به مثابه اکولوژی انسانی تألیف ایر و جونز^۹ در سال ۱۹۶۶ ارائه شده است.) به همین ترتیب، پورتر (۱۹۷۸) از دیدگاه خود درباره «جغرافیا به مثابه اکولوژی انسانی» چنین نتیجه‌گیری می‌کند:

«در ۲۵ سال گذشته کسانی که به روابط متقابل افراد انسانی و محیط توجه داشته‌اند، سفری جالب در جستجوی بدیلی قابل پذیرش برای جبرگرایی محیطی به انجام رسانده‌اند. ایشان در طول این مسیر مورد مهر قرار گرفتند، اما به طور کلی در بهره‌گیری از کالاهای خوش‌زرق و برق مدل جاذبه و سایر مدلها غفلت ورزیدند... ایشان فضیلت و توانایی همکاران خود را در تحلیل سازمان فضایی به دیده تحسین و گاهی رشک می‌نگریستند، اما از آنجا که قوه محرکه در اکولوژی انسانی (اصولاً) جهان‌شناسانه، عارفانه و ترکیبی است، به رد شیوه‌های تحلیلی علمی به هنجار پرداختند.»

جغرافیای فرهنگی وسیعاً مشغله جغرافیای انسانی در آمریکای شمالی بوده است، تا جایی که کمتر کسی در میان همکاران بریتانیایی خود را کارشناس جغرافیای فرهنگی خوانده است. مکتب برکلی^{۱۰}

در آمریکای شمالی که توسط کارل ساوثر^{۱۱} برپا و سالها توسط او رهبری شد، کانون اصلی تحقیقاتی بود که به ریخت‌شناسی چشم‌اندازها، به ویژه توجه به دخالت انسانی در نحوه تکوین چشم‌اندازها، به عنوان نمونه از طریق اهلی کردن گیاهان و جانوران، بهره‌گیری از آتش، پراکنش آرمانها و مهارتها و ایجاد سکونتگاهها تأکید داشت. رویکرد ساوثر اکولوژیکی بود و آشکارا با جبرگرایی سایر دست‌اندرکاران در تقابل بود. دانکن^{۱۲} (۱۹۸۰) معتقد است، اعضای این مکتب به طور کلی به برجسته کردن فرهنگ‌گرایی داشته و بیشتر به تبلیغ نوعی «جبرگرایی فرهنگی» می‌پرداختند و در این میان فرهنگ را به مثابه ساخته بشر نمی‌دیدند که عامل انسانی را در بازسازی و دگرگونی منابع ترغیب و توانمند می‌سازد و یا مانع او می‌گردد.

انتقاد دیگر به این دیدگاه غالب در جغرافیای فرهنگی این است که این دیدگاه مشخصاً پاره‌ای از روابط خاص اجتماعی، یعنی آن دسته از عناصر فرهنگ که مستقیماً به تولید کالاها و خدمات مربوط می‌شود را مورد غفلت قرار می‌دهد؛ بدینسان کارشناسان جغرافیای فرهنگی چیز چندانی برای ارائه به تعداد روبه‌رشد کارشناسان مسایل مکانی-فضایی که به جغرافیای اقتصادی و شهری علاقمندند و همینطور کسانی که مبلغ جغرافیای اجتماعی با تأکید اساسی بر مفهوم طبقه اجتماعی هستند، ندارند. در همین راستا اسپنسر و تامس^{۱۳} (۱۹۷۳) در کتاب درسی مقدماتی خود درباره این موضوع، تعاریف زیر را عرضه داشتند:

«فرهنگ عبارت است از تمامی شیوه‌های به‌منصه‌ظهور رساندن رفتار آموخته‌شده انسانی. فرهنگ ابداعی مورد پیروی قرار می‌گیرد و به طور بطئی توسط افرادی که به صورت گروهی زندگی و فعالیت می‌کنند، دگرگون می‌شود و به همین ترتیب، هر گروه منطقه خاصی از زمین را به اشغال درآورده و مشخصه‌های فرهنگی خاص و متمایز خود را شکل می‌دهد. آن دسته از این گونه مشخصه‌های مجزا که به یکدیگر مربوط می‌شوند و در عمل به هم پیوند می‌خورند، یک مجموعه فرهنگی را می‌سازند؛ از ترکیب وسیع این مجموعه‌های فرهنگی، مجموعه‌ای بزرگ‌تر به نام نظام فرهنگی ایجاد می‌شود. نظام فرهنگی مورد حمایت که توسط جمعیت ساکن در ناحیه‌ای خاص از زمین مورد پیروی قرار می‌گیرد، یک منطقه فرهنگی را برپا می‌دارد. بر همین اساس، گروهی از مناطق فرهنگی مرتبط، دنیای فرهنگی خوانده می‌شود.»

با این وجود، محتوای کتاب این دو صرفاً بر مهارتها و جنبه‌های ویژه‌ای از سازمان اجتماعی (مذهب و زبان) تأکید دارد و درباره

بسیاری از جنبه‌های برجسته «تمامی رفتار آموخته انسانی» خاموش می‌ماند. کتاب «جغرافیای فرهنگی ایالات متحده» نوشته زلینسکی^{۱۴} (۱۹۷۳) نیز اگرچه اطلاعات بیشتری درباره محتوای سیاسی سازمان اجتماعی به دست می‌دهد، اما به همین نحو کتابی یکسویه است. این کانون تأکید در تألیف دیگری به نام «اطلس جامعه و فرهنگ‌های ایالات متحده و کانادا» (۱۹۸۲) نیز ملحوظ ماند.

این شاخه فرعی معین دانش جغرافیا به جهات گوناگونی مورد انتقاد بوده است. کاسگروو^{۱۵} (۱۹۸۳) ادعا می‌کند که این امر بدان علت است که این شاخه دیالکتیک موجود میان طبیعت و فرهنگ را نادیده می‌انگارد.

«این شاخه یا در تعبیر و تأکید آرمان‌گرایانه فرهنگ به عنوان عامل دگرگونی و یا جریان نیمه‌جبرگرای که با عنوان امکان‌گرایی بزرگ جلوه داده می‌شود، مستحیل می‌گردد ... این جریان جغرافیای فرهنگی را از لحاظ تئوریک بی‌خاصیت و فقیر ساخته، باعث می‌شود بسیاری از مطالعات آن در خلایق تئوریک به سر برد.»

و او این رویکرد را این چنین مشخص می‌سازد:

«رویکردی چنان مغشوش که انسان را وادار می‌سازد جغرافیای فرهنگی را بیشتر به عنوان رویه‌ای در برابر پذیرش تئوری اقتصادی یا اجتماعی به عنوان اصل راهنمای آن، تعریف کند تا بر اساس هرگونه هدف یا روش.»

نظریه‌های اقتصادی و اجتماعی که کاسگروو پیشنهاد می‌کند، آن دسته از نظریاتی است که در فصول بعدی این کتاب مورد بحث قرار خواهد گرفت و نه آنهایی که به دانش مطالعات فضایی مربوط می‌شود. اما کارشناسان دانش مطالعات فضایی نیز جغرافیای فرهنگی را در جهت‌گیری صریحاً ضد تئوریک و متکی بر تجربه و علیرغم آن، همانطور که دانکن (۱۹۸۰) می‌گفت، تلویحاً جبرگرا معرفی می‌ساختند. پیوند میان این دو قاعده‌تأ به سختی می‌توانست شکل گیرد.

سرانجام این وضعیت با عنایت به جغرافیای ناحیه‌ای توسط پاترسون^{۱۶} (۱۹۷۴) مورد کنکاش قرار گرفت؛ رساله او شامل دو بخش اصلی بود: نخست «درباره مسایل تبیین جغرافیای ناحیه‌ای» و دیگر اینکه «آیا جغرافیای ناحیه‌ای امکان‌بسط دارد یا نه؟» در ارتباط با بخش نخست او شش مسأله را مورد پژوهش قرار می‌دهد که شامل کمبود متزاید مقولات جانبی (مطالعات خرد ناحیه‌ای) و توجه روزافزون به تشخیص ناحیه‌ای است، هرچند «کارشناس جغرافیای ناحیه‌ای در ایفای نقش خود در زمینه انتقال اصول اساسی ناحیه‌به

خواننده، یعنی شناسایی در پرتو تحلیل، تنها تا حد معینی می‌تواند دست به نوآوری زند. اشکال زمین و اقلیم برای همه چشم‌اندازهای طبیعی مطرح است و به همین نحو، فعالیت‌های انسانی در غالب آنها جاری است. در این میان چگونه می‌توان از تکرار مکررات اجتناب نمود؟ ناآنجا که میان ناحیه‌ای با ناحیه دیگر، بدون توجه به نحوه عمل آنها، تضاد و تفاوت وجود دارد، برای جغرافیدان مشغولیت وجود دارد.»

او با وجود مسایل موجود به این نتیجه نمی‌رسد که در این شاخه امکان‌بسط وجود ندارد. هم‌اوستدلالت می‌کند که جغرافیای ناحیه‌ای قادر است با عنایت به دو ملاک به پیش رود: محتوی و بصیرت.

اشاره به کتاب زلینسکی (۱۹۷۳) نشانگر دامنه روبه‌رشد محتوایی بود که در حال شکل‌گیری قرار داشت و بحث‌های کتاب مساینینگ^{۱۷} (۱۹۷۲) توان کارشناسان جغرافیای ناحیه‌ای را درزمینه‌برپایی بصیرتی شاداب نسبت به مسایل فضایی نشان می‌داد؛ اگرچه پاترسون مجبور به نتیجه‌گیری است که «تشبث به ماجراجویی قابلیت نیست که اغلب به جغرافیای ناحیه‌ای نسبت می‌دهیم». بدینسان، «راه برای مطالعات ناحیه‌ای که چندان به شیوه‌های کهنه پای‌بند نباشد، گشوده است. در واقع، نیازی به بیان همه چیز درباره ناحیه نیست، تنها باید تجربی‌تر و به عبارت بهتر، تخیلی‌تر از گذشته و در پهنه‌ای وسیع‌تر از ادراکات کلی و جزئی، حرکت نمود. در اصل اهداف جغرافیای ناحیه‌ای بیشتر کلی است تا جزئی. این شاخه قاعده‌تأ مسأله‌پرداز نیست، اما می‌کوشد تا پوششی متعادل عرضه بدارد. علاوه براین، اهداف آن بیشتر عام و آموزشی است تا عملی یا صرفاً حرفه‌ای. این گونه اعتبار بخشی به این شاخه دقیقاً از طریق نحوه برخورد آن با دو مقوله عام انسانی یعنی اعجاب و توجه‌پدیدار می‌گردد. در این رابطه می‌توان اظهارنظر مسداوار^{۱۸} را خاطر نشان ساخت که در علم مرتباً از بار موارد منفرد، یعنی سلطه موارد خاص خلاصی یافته و درمقابل اثبات می‌کنیم که چهارچوب ذهنی وجود دارد که در محدوده آن مورد خاص سلطه‌ای اعمال نکرده، بلکه صرفاً باعث شیفستگی شدید می‌گردد.»

مید (۱۹۸۰) دفاع جانانه‌ای از آن دسته از جغرافیدانان می‌کند که «سایر سرزمین‌ها را انتخاب کرده، ... در سایر فرهنگها سهم می‌شوند ... و سهمی در تقویت دانش درباره آنها بر عهده می‌گیرند» و هارت (۱۹۸۲) استدلال می‌کند که عنصری مهم در والاترین شکل هنر جغرافیدانان ایجاب می‌کند که ایشان «منطقه‌ای را انتخاب کرده، خود را در فرهنگ آن مستغرق سازند و ادراکی تخصصی و کارشناسانه

از آن فراهم آورند.»

خاص تأکید دارد، تقریباً به طور کامل مورد غفلت قرار گرفت. این معانی ضمناً به شاخه‌های مرتبط مطالعه در سرتاسر آتلانتیک (و سرتاسر پاسیفیک نیز) تسری یافتند و در خلال زمانی کمتر از یک دهه، جغرافیدانان بریتانیایی کتابی نقادانه شامل ۸۱۶ صفحه به نشانه شادکامی نوآوران و پیوندهایی که با سایر علوم برپا داشته بودند، عرضه داشتند.

اما برای حمایت و پایداری یک انقلاب علمی روشها کافی نیستند، مگر آنکه در یک کانون زاینده مرتبط به کار گرفته شوند. فصل بعدی این کتاب به منظور جستجوی چنین کانونی فراهم آمده است.

یادداشتها:

1. Theoretical and quantitative revolution
2. Quantification
3. Vance
4. Radford
5. Claude Lévi - Strauss
6. Diffusion
7. Hager strond
8. Mikesell
9. Eyre and Jones
10. Berkeley School
11. Carl Sauer
12. Duncan
13. Spencer and Thomas
14. Zelinsky
15. Cosgrove
16. Paterson
17. Meinig
18. Medawar
19. Topical Geography
20. Regionalists

از عبارات پیشین می‌توان چنین استنباط نمود که میان بسیاری از کارشناسان جغرافیای تاریخی از یک سو و غالب کارشناسان جغرافیای فرهنگی و ناحیه‌ای از سوی دیگر، نسبت به مواردی که تصور می‌رفت «مورد بی توجهی قرار گرفته» و یا «نسبتاً کمتر مطرح بوده‌اند» یعنی دگرگونیهای دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در شاخه‌های جغرافیای انسانی، تفاوتی وجود دارد. مسلماً دسته اول می‌کوشیدند لااقل امکان اعمال دگرگونیهای روش شناختی را مورد توجه قرار دهند، در حالی که دسته دوم به کار در چهارچوب سنتهای کهنه خود ادامه می‌دادند. البته تمامی کارشناسان جغرافیای تاریخی با استنباط بیکر از تئوری سیستمها موافقت نخواهند داشت که معتقد است «جغرافیای تاریخی دوره تعطیلی طولانی را در پیش دارد.»

جمع‌بندی:

واکنش نسبت به رویکرد ناحیه‌ای در ایالات متحده در خلال اواسط دهه ۱۹۵۰ آغاز به شکل‌گیری نمود. اهداف تحقیق در جغرافیای انسانی چندان مورد بحث قرار نگرفتند و بیشتر جنبه‌های نسبتاً سنتی این رشته مورد نظر و تأکید بودند: ملاحظات اساسی متوجه ابزار و روشها بود. نوآوریهای این دوره زمانی موارد و مقولاتی را مد نظر داشت که عبارت بودند از تقویت جغرافیای سیستماتیک و جغرافیای موضوعی^{۱۹} و همچنین آزادسازی آنها از رابطه قویاً بهره‌کشانه از جغرافیای ناحیه‌ای از طریق کوشش در برپایی و طرح قانونمندیها و تئوریهای در زمینه الگوهای فضایی با بهره‌گیری از انواع گوناگون مدلها برای توضیح و تبیین و با استفاده از فرآیندهای ریاضی و به ویژه کاربرد آمار به منظور تسهیل یافتن قوانین کلی قابل تعمیم. در حالی که ناحیه‌گرایان^{۲۰} جغرافیا را غالباً مصرف‌کننده قانونمندیها معرفی می‌کنند، هواداران عقیده جدید تولید قانونمندیهای خودی را دنبال می‌کردند که می‌توانست در تبیین نتایج خاص ناحیه‌ای به کار گرفته شود.

این معانی تازه از هدف جغرافیایی به سرعت در میان بسیاری از شاخه‌های جغرافیای انسانی - به ویژه شاخه‌های موضوعی خاص که به جنبه‌های اقتصادی زندگی معاصر می‌پرداختند - مورد پذیرش قرار گرفت. این روند به زودی در شاخه روبرو رشدی که بر جغرافیای اجتماعی معاصر تأکید داشت با اقبال روبرو شد، اما در جغرافیای تاریخی به طور نسبی نادیده گرفته شد و در پژوهشهای فرهنگی و ناحیه‌ای که ادعا می‌شد هنوز بر خصوصیات منحصر به فرد مکانهای



اقلیم کاربردی تشعشع و دما در ارتباط با معماری (قسمت دوم)

مطالعه موردی درباره شهر اصفهان

دکتر حسنعلی غیور - دانشیار دانشگاه اصفهان

یخزدگی از سوی دیگر، مطالعه بر روی این پدیده طبیعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در طراحی نیز چه طراحی‌های خارجی بنا و چه طراحی فضاهای سبز این امر نقش مهمی را در انتخاب مصالح ساختمانی، رنگ ساختمان، جهت ساختمان، انتخاب نوع گیاه برای فضای سبز و طراحی فضایی فضای سبز ایفاء می‌نماید. لذا ذیلاً به بررسی یخبندان در محدوده مطالعاتی می‌پردازیم:

۳-۴- بررسی روزهای یخبندان

بررسی روزهای یخبندان و آغاز و اتمام آن روزها در طراحی و معماری حائز اهمیت زیادی است. در مبحث معماری از آن نظر که عملیات ساختمانی با آب سروکار دارد و در بسیاری از عملیات یخزدگی برای ساختمان ایجاد مزاحمت می‌نماید و مانع از عملیات است از یک طرف و آگاه شدن از عمق یخزدگی و یخزدگی خاک برای دخالت دادن آن در پی‌ریزیها و درمان نگهداشتن پی ساختمانها از

۱-۴-۳- بررسی روزهای یخبندان اصفهان

بر اساس آمار سالهای (۱۳۶۷ - ۱۳۳۸) یخبندان در شهر اصفهان از اواسط آبان ماه شروع می شود و تا اواخر اسفندماه ادامه پیدا می کند. در فروردین ماه بندرت یخبندان مشاهده شده است (فروردین ماه دارای ۱۳/۰ روز همراه با یخبندان می باشد).

به طور متوسط دی ماه با ۲۵ روز، حداکثر روزهای یخبندان را به خود اختصاص داده است، پس از آن آذرماه با ۲۱/۹ روز دارای بیشترین فراوانی است، بهمن ماه نیز دارای فراوانی ۱۵/۸۳ روز می باشد که قابل توجه است.

موارد مذکور از نظر فونداسیون ساختمانها و عملیات پی سازی آنهم در دانشگاههای اصفهان و علوم پزشکی که سطح آبهای زیرزمینی بالا می باشد در خور ملاحظه است. در این ارتباط عمق یخبندان نیز باید مورد عنایت و توجه قرار گیرد.

یخبندانهای دی ماه، آذرماه و بهمن ماه از مواردی هستند که در بخشهای جنوبی دانشگاه اصفهان که ارتفاع افزایش پیدا می کند و به

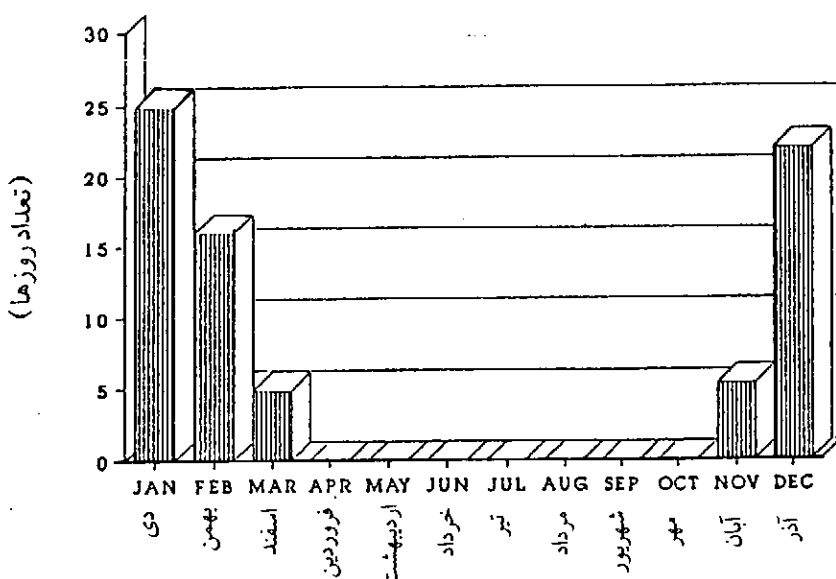
دنبال آن درجه حرارت طبق خاصیت لپس ریت (Laps rate) کاهش می یابد و عمق یخبندان افزایش پیدا می کند باید مورد توجه قرار گیرند. در بین سالهای آماری، سال ۱۳۳۸ با ۱۰۱ روز دارای بیشترین فراوانی تعداد روزهای یخبندان است و کمترین تعداد روزهای یخبندان مربوط به سال ۱۳۶۵ (۴۹ روز) می باشد. مجموع متوسط روزهای یخبندان شهر اصفهان برابر ۷۳ روز در سال است.

۲-۴-۳- یخزدگی خاک

درجه حرارت خاک بیشتر تحت تأثیر آفتاب، پستی و بلندی و غیره قرار می گیرد و ممکن است به میزان زیادی با درجه حرارت هوا اختلاف داشته باشد. غالباً درجه حرارت خاک از هوا بیشتر است. زمینهایی که محتوی ذرات آب باشند در مواقعی که درجه حرارت هوا به زیر صفر می رسد آب موجود در خاک یخ بسته و حجم آن بیشتر شده و سبب آماس خاک می شود. بدیهی است در چنین موقعی اگر سطح زمین پوششی داشته باشد آنرا شکسته و متلاشی می سازد. البته لازم به

سال	J	F	M	A	M	J	J	A	S	O	N	D	ماهها
۷۳	۲۵	۱۵/۸۳	۴/۹	۰/۱۳	۰	۰	۰	۰	۰	۱/۰۳	۵/۸	۲۱/۹	تعداد روزهای یخبندان

جدول شماره ۳- مجموع متوسط روزهای یخبندان ماههای سال (۱۳۶۷ - ۱۳۳۸)



نمودار شماره ۳- متوسط پراکنندگی ماهانه روزهای یخبندان اصفهان

ذکر است که یخزدگی خاک و پیشرفت آن در عمق خاک بستگی به طول زمان یخبندان، پوشش رویه خاک، پستی و بلندی زمین، نوع خاک و بافت آن دارد. برای تعیین عمق یخبندان خاک دو روش تجربی و آماری وجود دارد.

در روش تجربی دانشمندانی چون استفن (Stefan ۱۹۵۶) و برگرن Berggren (۱۹۴۳) مطالعاتی انجام داده‌اند و فرمولهایی را در اختیار دانشمندان قرار داده‌اند.

در روش آماری نیز اندازه‌گیرهای سازمانهای هواشناسی از درجه حرارت‌های خاک در اعماق مختلف به این سؤال پاسخ می‌دهد.

خوشبختانه در ایستگاه اصفهان اندازه‌گیری درجه حرارت خاک انجام می‌شود و براساس گزارشات ثبت شده به ندرت یخزدگی از عمق ۱۵ سانتیمتری پایین تر رفته است. این عمق در دانشگاه اصفهان کمتر است زیرا برای شروع یخبندان در خاک ابتدا باید قطعات یا عدسی‌های یخ در خاک تشکیل شده و سپس هسته اولیه این یخها به تدریج بزرگ شوند تا بتوانند تورم ایجاد نمایند. خوشبختانه در خاکهای با بافت درشت دانه که شامل خاکهای پوششی دانشگاه اصفهان می‌شود عدسی‌های یخی تشکیل نمی‌شوند زیرا اگر بیش از ۵۰٪ ذرات خاک از تامی ۲۰۰ (۷۴ میلی‌متر) عبور کند به علت بزرگی خلل و فرج آب، تحت تأثیر نیروی ثقل بوده و اگر در نقطه‌ای نیز آب یخ ببندد، به علت چیرگی نیروی ثقل به سایر نیروها آب نمی‌تواند جز در راستای نیروی ثقل به سایر نقاط مهاجرت نموده و به تشکیل بیشتر یخ کمک کند. به این دلیل انجماد آب در خاکهای با بافت درشت دانه کمتر دیده شده و در صورت وقوع نیز، آماس خاک بسیار ناچیز است. لذا در محدوده دانشگاه اصفهان از لحاظ یخزدگی خاک، نگرانی قابل ملاحظه‌ای وجود ندارد.

در مورد عملیات ساختمانی نیز چنانچه عملیات در هوای آزاد باشد و یخزدگی مزاحم کار باشد و در کار اختلالاتی ایجاد کند، براساس جدول شماره ۳ و نمودار شماره سه یا باید اینگونه عملیات را در سه ماهه آذر - دی - بهمن متوقف کرد و یا با اتخاذ تدابیری مثل استفاده از املاح شیمیایی در ملاط و یا پوشش دادن محل انجام کار به وسیله کاه و امثالهم و یا ایجاد حرارت موضعی به وسیله مواد هیدروکربور و غیره جلوی بروز مشکلات را گرفت. بدیهی است برای طراحی فضایی باید حتماً ماههای همراه با یخبندان مورد توجه خاص قرار گیرد که توصیه‌های لازم مربوط به مطالعات فضای سبز می‌باشد.

۴ - دستور العمل‌های معماری

در مباحث گذشته اختصاصات و ویژگیهای دو پدیده اساسی

اقليمی متأثر بر معماری اصفهان، یعنی تابش خورشید و حرارت مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. اینک چگونگی مقابله، همسویی، و برخورد با این پدیده‌ها را در معماری مورد توجه قرار می‌دهیم به گونه‌ای که بتوانیم از آنها حداکثر استفاده بهینه را در جهت چهار خواسته معماری یعنی استواری، زیبایی، راحتی و بهداشت بکنیم. بدین منظور ذیلاً در مورد آن ابعاد معماری که در تنظیم شرایط محیطی مؤثر می‌باشند بحث کرده و از جمع‌بندی هریک از مباحث، احکام معماری لازم ارائه می‌شود. این احکام بر سه دسته اولیه، ثانویه و نهایی تقسیم‌بندی می‌شوند. احکام اولیه به دسته‌ای از احکام معماری اطلاق می‌شود که فقط یک بُعد قضیه مثل تابش یا دما را مورد توجه قرار داده باشد. احکام ثانویه به آن دسته از احکام معماری اطلاق می‌گردد که دو عامل از عوامل را مدنظر قرار دهد و حکم صادر کند. و بالاخره احکام نهایی به دسته‌ای از احکام گفته می‌شود که به همه ابعاد مسایل اقلیمی توجه کرده و از برآیند آن احکام، حکم نهایی را صادر نمایند.

۱ - ۴ - تابش آفتاب

برای بررسی تابش آفتاب و صدور حکم باید نیازهای حرارتی و روشنایی ساختمانهای مورد طراحی با توجه به نوع نیاز و نوع استفاده از ساختمان تا حد شرایط آسایش تعیین و اعلام گردد. در مورد ساختمانهای مورد استفاده برای کلاس و امور اداری رعایت دو نکته ضروری است:

۱ - ممانعت از تابش آفتاب در مواقع گرم،

۲ - استفاده از تابش آفتاب در مواقع سرد.

بدیهی است که جهت نورگیری یک ساختمان باید طوری طراحی شود که در مواقع سرد سال از بیشترین نورگیری و تابش برخوردار باشد و در فصول گرم از کمترین گرمای تابشی بهره‌مند گردد. لذا برای تعیین جهت ساختمان ابتدا باید فصول سرد و گرم مشخص شود. با مراجعه به مبحث نیاز حرارتی اصفهان و استخراج از نمودار شماره ۲ که بیان‌کننده نیاز آب و هوایی محدوده مطالعاتی می‌باشد، می‌توان به چنین مشخصه‌ای پی برد.

در مورد گرمای خورشید باید سه عامل زیر مورد توجه قرار گیرد:

- مدت تابش خورشید که بستگی به عرض جغرافیایی محل و طول روز دارد.

- وضعیت جوی منطقه که بستگی به آلودگی هوا و ابری بودن آن دارد.

- زاویه تابش خورشید که خود متأثر از سه عامل زیر است:

● طرز قرارگیری سطح ساختمان نسبت به خورشید

● عرض جغرافیایی محل

● تغییرات روزانه و فصلی مواضع خورشید در آسمان و مدت تابش آن

۱-۱-۴- چگونگی استقرار سایبانها و بازشوها در ارتباط با تابش آفتاب

همانگونه که گذشت، کسب حداقل انرژی در مواقع گرم و حداکثر آن در مواقع سرد سال از اولویت‌های اولیه طراحی ساختمان محسوب می‌گردد. برای انجام این کار از دیاگرام مسیر خورشید (نمودار شماره ۱) و جدول شماره یک استفاده می‌شود. جدول نشان می‌دهد که حداکثر زاویه تابش (H) اصفهان در ظهر روز اول تیرماه اتفاق می‌افتد که برابر ۸۰/۹ درجه است و حداقل زاویه ظهر در روز اول دی ماه است که برابر ۳۳/۹ درجه می‌باشد. زاویه تابش برای ظهر روز اول مهرماه و فروردین ماه که خورشید در اعتدالین قرار می‌گیرد به ترتیب برابر ۵۷/۳ و ۵۷/۴ درجه است. چگونگی قرارگیری خورشید در این موقع، در شکل شماره ۱ آمده است.

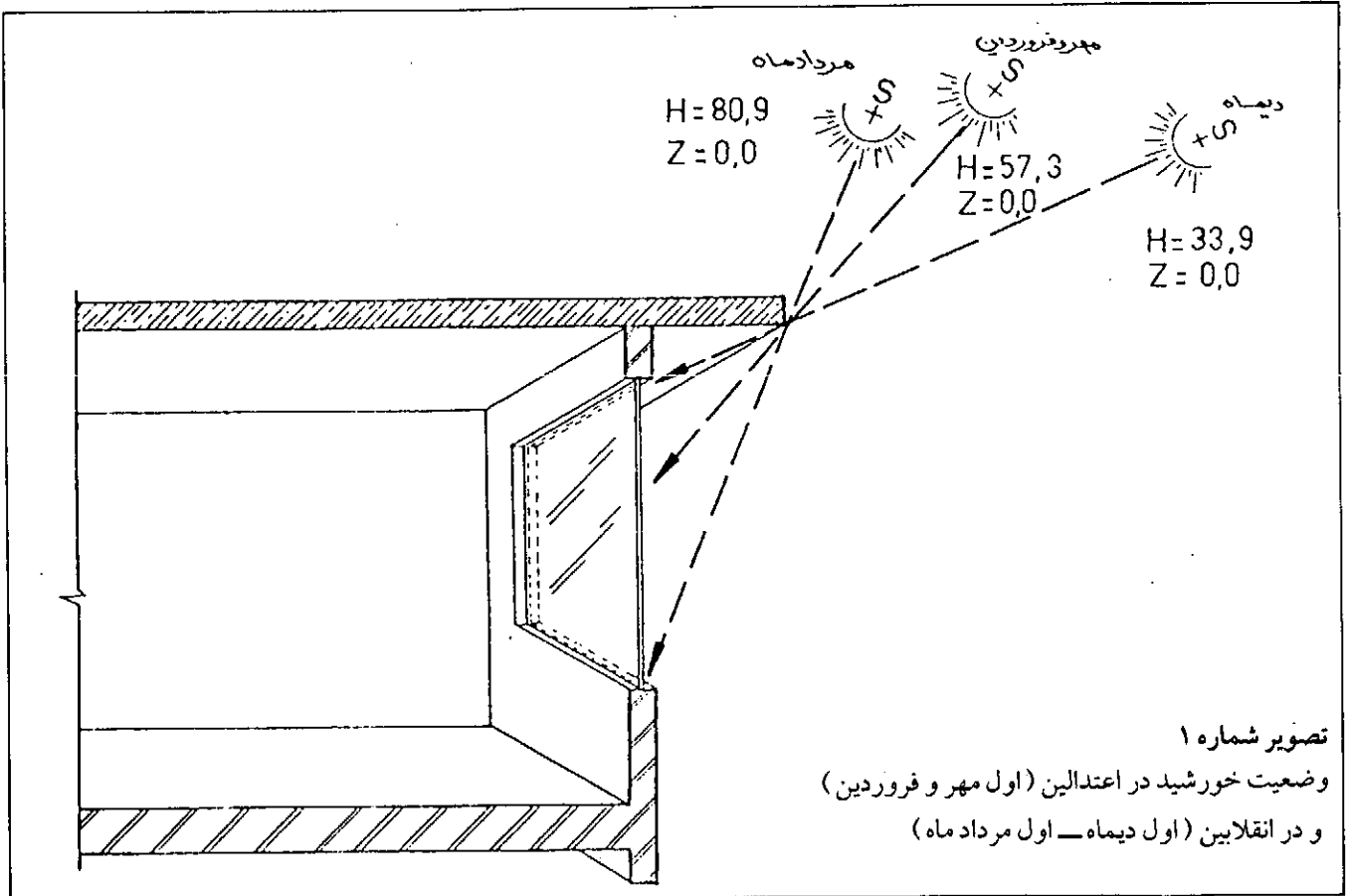
بر اساس جدول شماره ۱ می‌توانیم بسته به نیاز ساختمان به نور خورشید از بازشوهایی با شرایط خاص استفاده کنیم که حداکثر استفاده

از اشعه تابشی خورشید را داشته باشیم. برای روشن شدن مطلب به طرح چند سؤال و پاسخ آنها می‌پردازیم.

سؤال ۱- اگر بخواهیم برای ساختمانی که بلندی آن چهارمتر است از بازشوهایی استفاده کنیم که حداقل تابش را در تابستان و حداکثر تابش را در زمستان داشته باشد و این ساختمان روبه جنوب باشد موقعیت بازشوها را معین کنید. (نمی‌خواهیم کشیدگی بالکن بیش از ۴۰ سانتیمتر باشد).

حل: زاویه تابش خورشید در تابستان حداکثر است. چون ساختمان روبه جنوب است، پس آزیموت آن برابر صفر است ($Z=0$) در جدول شماره ۱ (در شماره قبل) در تیرماه به ازای $Z=0$ زاویه تابش یعنی $H=80/9$ ، و در دی ماه این زاویه برابر ۳۳/۹ درجه است برای تعیین حد بازشوها از فرمول زیر استفاده می‌کنیم:

$$(۸) \quad \text{حد پایینی بازشوها} = \frac{\text{کشیدگی بالکن}}{\tan 80/9}$$



تصویر شماره ۱

وضعیت خورشید در اعتدالین (اول مهر و فروردین)

و در انقلابین (اول دیماه - اول مرداد ماه)

چون ارتفاع ساختمان ۴ متر است حد پایینی بازشوها از زیر سقف از فرمول زیر محاسبه می شود.

$$(۱۶) \text{ سانتیمتر } ۳۷۰ = ۴ \times ۱۰۰ - ۳۰ = \text{حد نهائی بازشوها از کف}$$

$$(۱۷) \text{ کشیدگی بالکن} = \frac{۳۷۰ \text{ سانتیمتر}}{۸۰/۹ \text{ تانژانت}}$$

$$(۱۸) \text{ سانتیمتر } ۵۹/۲۷ = \text{کشیدگی بالکن}$$

ارتفاع بازشوها از زیر سقف برابر است با:

$$(۱۹) \text{ حد بالایی بازشوها از زیر سقف} = \frac{H \text{ تانژانت}}{\text{کشیدگی بالکن}}$$

$$(۲۰) \text{ حد بالایی بازشوها} = \frac{۳۳/۹۰ \text{ تانژانت}}{۵۹/۲۷ \text{ سانتیمتر}}$$

$$(۲۱) \text{ سانتیمتر } ۳۹/۸ = \text{حد بالایی بازشوها از زیر سقف}$$

تصویر شماره ۳ وضعیت بازشوهای سؤال ۲ را نشان می دهد.

چون کشیدگی بالکن ۴۰ سانتیمتر است حدنهایی آفتاب در تابستان و زمستان موقعیت بازشوها را تعیین می نماید، بدین قرار:

$$(۹) \text{ حد پایینی آفتاب} = \frac{۴۰ \text{ سانتیمتر}}{۸۰/۹ \text{ تانژانت}}$$

$$(۱۰) \text{ حد پایینی آفتاب} = ۲/۵$$

$$(۱۱) \text{ متر ارتفاع بازشوها از کف زمین} = ۴ - ۲/۵ = ۱/۵$$

$$(۱۲) \text{ حد بالایی آفتاب} = \frac{۳۳/۹ \text{ تانژانت}}{۴۰ \text{ سانتیمتر}}$$

$$(۱۳) \text{ متر از زیر سقف} = ۰/۲۷ \text{ حد بالایی آفتاب}$$

$$(۱۴) \text{ متر ارتفاع بازشوها} = ۲/۳۳ - ۰/۲۷ = ۲/۵$$

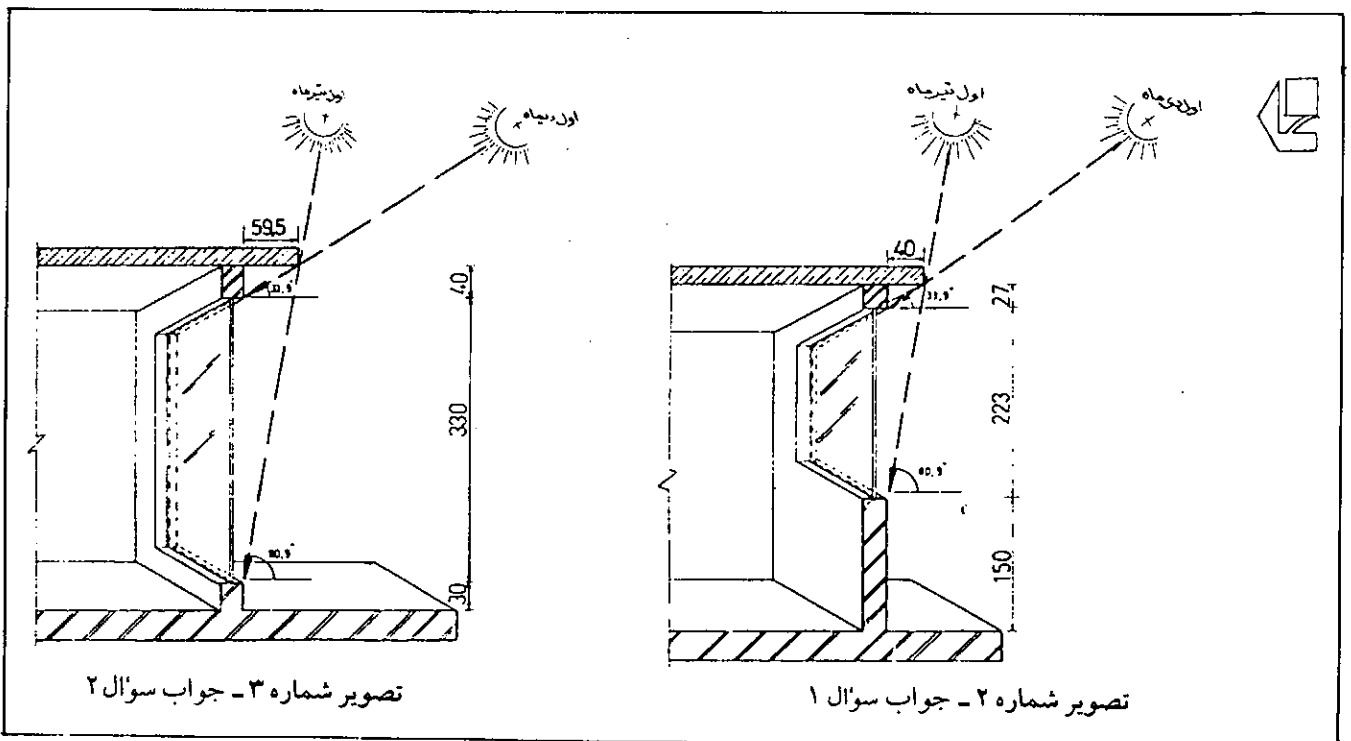
تصویر شماره ۲ نشاندهنده وضعیت بازشوها می باشد.

سؤال ۲ - سؤال همان سؤال ۱ است با این تفاوت که می خواهیم

بازشوها از ۳۰ سانتیمتری کف زمین به بالا قرار گیرند. معین کنید اولاً

کشیدگی بالکن را ثانیاً حد نهایی بازشوها را از زیر سقف

$$(۱۵) \text{ حل:} \quad \text{حد پایینی بازشوها} = \frac{H \text{ تانژانت}}{\text{کشیدگی بالکن}}$$



یادآوری: در تعیین اندازه بازشوها و کشیدگی سایبانها (بالکن ها) برای ساعت های صبح و بعدازظهر که بازشوها به طرف شرق یا غرب قرار می گیرند، باید با توجه به نقشه نیاز آب و هوایی (نمودار شماره ۲) تعیین گردد.

۲-۱-۴- مواد و مصالح ساختمانی در ارتباط باتابش آفتاب

عملکرد اقلیمی مصالح ساختمانی در اقلیم مختلف، نقش بسزایی در ایجاد آسایش حرارتی در طول سال خواهد داشت. لذا بهترین شیوه استفاده بهینه از ساختمانهای هر منطقه با توجه به اقلیم آن منطقه استفاده از مصالح ارزان، قابل دسترس و درعین حال مناسب با شرایط حرارتی آن منطقه است. همانگونه که می دانید تأثیر تابش آفتاب در گرمای داخلی یک ساختمان به خصوصیات مصالح به کار رفته در دیوارهای خارجی آن بستگی دارد و نوع مصالح به کار رفته تأثیر فراوانی در تأمین منطقه آسایش ساکنین آن دارد. افزایش دمای هوای خارج باعث گرم شدن سطح خارجی دیوارهای جانبی ساختمان می شود، این تأثیر در اطراف ساختمان یکسان بوده و جهت دیوارها تأثیری در مقدار حرارت دریافت شده در این حالت ندارد، نوسان دمای سطوح داخلی به سطوح خارجی، به ظرفیت و مقاومت حرارتی مصالح دیوار بستگی دارد، هرچه ظرفیت و مقاومت حرارتی یک دیوار

سؤال ۳- اگر بخواهیم جهت ساختمان موضوع سؤال ۲ به طرف قبله باشد موقعیت بازشوها را تعیین کنید.

حل: چون قبله در اصفهان تقریباً از جنوب ۴۵ درجه به طرف غرب است دارای آزیموت ۲۲۵ درجه است. چون جهت تابش آفتاب در هر ساعت ۱۵ درجه تغییر می کند. بنابراین آزیموت ۲۲۵ درجه در جدول شماره ۱ برابر ساعت ۳ بعد از ظهر یعنی ساعت ۱۵ می باشد. حداکثر زاویه تابش در این ساعت در اول مرداد ماه برابر ۴۹/۶ درجه است و در روز اول دی ماه این زاویه در ساعت ۳ بعدازظهر برابر ۱۹/۳ درجه است. با توجه به این دو زاویه مسئله را به روال سؤال شماره ۲ حل می کنیم و جوابها به قرار زیر بدست می آیند:

$$(۲۲) \quad \frac{۳۷۰ \text{ سانتیمتر}}{۴۹/۶ \text{ تانژانت}} = \text{کشیدگی بالکن}$$

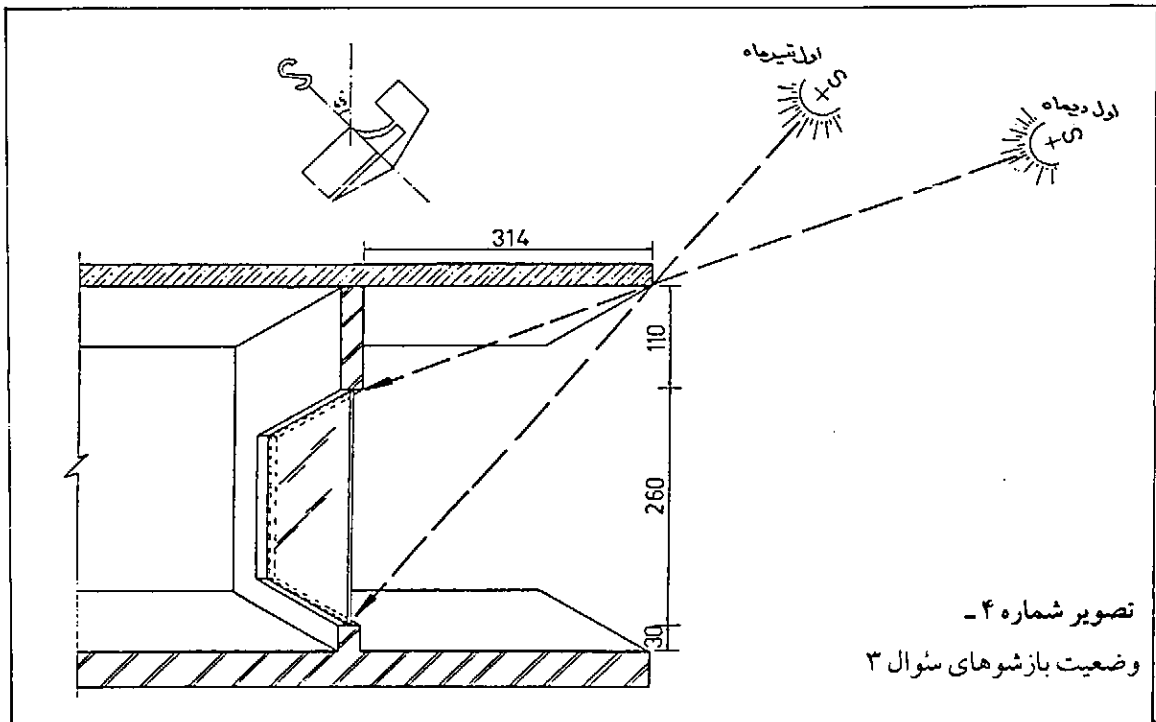
$$(۲۳) \quad \text{متر } ۳/۱۴ = \text{کشیدگی بالکن}$$

$$(۲۴) \quad \frac{\text{حد بالایی بازشوها}}{۳/۱۴} = ۱۹/۳ \text{ تانژانت}$$

$$(۲۵) \quad \text{متر } ۱/۱۰ = \text{حد بالایی بازشوها از زیر سقف}$$

$$(۲۶) \quad \text{ارتفاع بازشوها } ۲/۶۰ = ۴ - (۱/۱۰ + ۰/۳)$$

تصویر شماره ۴ وضعیت بازشوهای سؤال ۳ را نشان می دهد.



افزایش یابد، نوسان دمای سطح داخلی کمتر شده و زمان رسیدن دمای سطوح داخلی به حداقل و حداکثر، نسبت به هوای خارج بیشتر به تأخیر می افتد.

کاهش نوسان درجه حرارت سطوح داخلی یک ساختمان نسبت به سطوح خارجی آن با مقاومت حرارتی مصالح دیوارهای آن متناسب است. اما به تأخیر افتادن زمان ایجاد حداکثر و حداقل دمای سطوح داخلی نسبت به زمان مربوط به سطوح خارجی به ظرفیت حرارتی مصالح دیوار بستگی دارد. ظرفیت حرارتی مصالح به وزن مخصوص آنها بستگی دارد. هرچه وزن مخصوص یک جسم بیشتر باشد ظرفیت حرارتی آن بیشتر است. ظرفیت حرارتی دیوارها نیز به ضخامت و فشردگی مصالح آنها بستگی دارد، یعنی مدت زمانی که طول می کشد تا گرمای ناشی از تابش خورشید و گرمی هوا از سطح خارجی به سطح داخلی انتقال یابد. مثلاً برای یک دیوار فلزی حدود چند دقیقه و برای یک دیوار آجری ضخیم چندین ساعت است. هرچه ظرفیت حرارتی یک دیوار بیشتر باشد گرمای خارجی با سرعت کمتری به طرف داخل انتقال می یابد و در نتیجه تأخیر بیشتری در زمان رسیدن سطوح داخلی به حداکثر دمای خود نسبت به سطوح خارجی روی می دهد. در شب حرارت ذخیره شده در مصالح ساختمانی با ظرفیت حرارتی زیاد آزاد شده و باعث کاهش میزان انتقال گرمای هوای داخل به خارج می گردد. برای مناطق خشک و نیمه خشک مثل اصفهان که تغییرات شبانه روزی دما زیاد است دیوارها باید از ظرفیت حرارتی بیشتر برخوردار باشند. در عمل مشاهده شده که تأثیر ضخامت دیوارها در کنترل دمای سطوح و درجه حرارت هوای داخلی یک ساختمان به شرایط تهویه طبیعی در آن ساختمان و رنگ سطوح خارجی دیوارها نیز بستگی دارد. وقتی رنگ سطوح خارجی دیوارها تیره باشد، با افزایش ضخامت دیوارها، حداکثر درجه حرارت هوای داخلی ساختمان کاهش می یابد. اما هنگامی که سطوح خارجی سفید رنگ هستند، چون حدوداً تمام اشعه خورشید از سطح دیوار منعکس شده و تنها مقدار کمی از انرژی حرارتی آن جذب دیوار می شود، ضخامت دیوار تأثیر چندانی در کنترل حداکثر درجه حرارت هوای داخلی ندارد، ولی در هر دو حالت با افزایش ضخامت دیوارها حداقل درجه حرارت هوای داخلی ساختمان افزایش یافته و رنگ خارج دیوارها تأثیری در این افزایش دما نخواهد داشت.

همچنین وضعیت گرمایی داخل ساختمان که هوای خارج در آن جریان دارد به دو عامل، یکی انتقال حرارت از دیوارها و دیگری شرایط تهویه طبیعی بستگی دارد. وقتی رنگ خارجی دیوارها روشن است، تأثیر تهویه طبیعی

خاصیت ضخامت دیوار را تحت الشعاع قرار می دهد و هنگامی که سطوح خارجی تیره رنگ هستند امکان انتقال حرارت از دیوارها به هوای داخل ساختمان به مقدار زیادی افزایش یافته و در نتیجه ضخامت دیوار در کنترل شرایط گرمایی هوای داخلی اهمیت فراوانی پیدا می کند.

در طول روز ساختمان با مصالح سنگین حرارت کمتری را نسبت به ساختمان با مصالح سبک به داخل انتقال می دهد. ساختمان با مصالح سبک در عصر خنک می شود و از این نظر شرایط داخلی بهتری نسبت به ساختمان با مصالح سنگین ایجاد می نماید اما باید توجه داشت که در عصر که هوای خارج خنک است می توان با ایجاد تهویه مؤثر در ساختمان با مصالح سنگین، هوای داخلی این ساختمان را نیز خنک نموده و شرایط مناسبی در آن ایجاد کرد.

مقاومت حرارتی یک دیوار عبارت است از مقاومتی که آن دیوار در برابر انتقال حرارت از یک طرف خود به طرف دیگرش ایجاد می کند. بنابراین نوسان دمای سطوح داخلی دیوارهای یک ساختمان به مقاومت حرارتی مصالح آن دیوارها بستگی دارد.

هرچه ضریب هدایت حرارتی (عکس مقاومت حرارتی) در مصالح کمتر باشد، مقاومت حرارتی آن مصالح بیشتر بوده و در نتیجه مقدار گرمای انتقال یافته از آن دیوار کمتر است، هوای ساکن بهترین عایق حرارتی است و به طور کلی مصالح ساختمانی سبک که شامل حفره ها و لایه های بسیار نازک هوا هستند مقاومت حرارتی زیادی دارند.

رنگ خارجی دیوارهای یک ساختمان نیز در مقدار حرارت جذب شده در دیوار و در نتیجه در وضعیت گرمایی هوای داخلی آن تأثیر دارد، وقتی رنگ سطح خارجی دیواری تیره باشد بطور قابل ملاحظه ای گرمتر از هوای اطرافش شده و در اثر انتقال حرارت از دیوار سطح داخلی آن نیز گرم می شود. در چنین حالتی افزایش مقاومت حرارتی دیوار باعث کاهش عبور حرارت به داخل شده و به طور کلی درجه حرارت هوای داخلی ساختمان را پایین نگاه می دارد. اما وقتی سطح خارجی دیوارهای یک ساختمان سفید باشد، بخصوص در مناطقی که دامنه نوسان درجه حرارت هوا کم است مقاومت حرارتی دیوارها تأثیری کاملاً متفاوت با حالت قبل دارد. در چنین شرایطی به دلیل نزدیکی دمای سطوح خارجی به دمای هوای اطراف عبور حرارت از خلال جداره های خارجی ساختمان بسیار کم بوده و در نتیجه مقاومت حرارتی دیوارها و سقف یک ساختمان، تأثیر چندانی در وضعیت گرمای هوای داخلی آن نخواهد داشت. در این حالت مقاومت حرارتی بیشتر باعث بالا بردن حداقل دمای روزانه هوای داخلی می شود تا پایین آوردن حداکثر دمای آن. جدول شماره ۴ ضریب جذب کنندگی حرارت را در سطوح مختلف جنس و رنگ

نشانی را بیان می نماید. نشان می دهد و جدول شماره ۵ زمان تأخیر حرارتی مصالح مختلف
 شماره ۴ بر مبنای تابش تشعشعات خورشیدی در اصفهان ترسیم گردیده است.

۳- ۱- ۴- جهت گیری ساختمان در ارتباط با تابش آفتاب

در این نمودار منحنی پیوسته نشان دهنده گرمای جذب شده توسط یک متر مربع دیوار ساختمان در جهات مختلف جغرافیایی در مواقع

همانگونه که گذشت مقدار انرژی دریافتی ساختمان بوسیله

جدول شماره ۴- ضریب جذب کنندگی سطوح مختلف

ضریب جذب آفتاب ()	جنس و رنگ	کیفیت و نوع سطوح	
		آجر	بامها
۰/۲۵	سفید لمایی	آجر	سطوح تیره
۰/۴۰	رنگهای روشن		
۰/۸۰	رنگهای تیره		
۰/۹۰	آسفالت	بامها	
۰/۶۵	قطعات قرمز		
۰/۴۰	قطعات سفید		
۰/۲۰	آلومینیوم (اکسید شده)		
۰/۳۰	سفید	رنگها	
۰/۹۶	سیاه مات		
۰/۵۰	رنگ روشن	سطوح ساختمانی کثیف	
۰/۸۰	رنگ متوسط		
۰/۹۰	رنگ تیره		

جدول شماره ۵- زمان تأخیر مصالح مختلف ساختمانی (حداکثر زمان تأخیر) بر حسب ساعت.

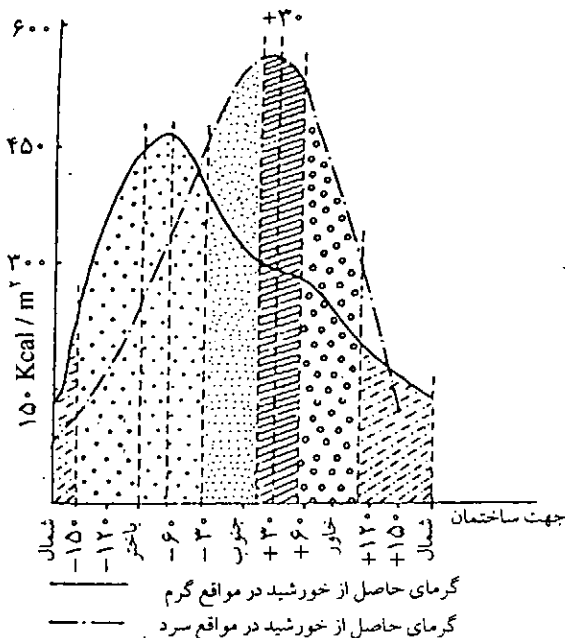
ضخامت		نوع مصالح				
۳۰۰	۲۰۰	۱۵۰	۱۰۰	۵۰		
۹/۲	۶/۱	۴/۴	۳	۱/۳	بتن	
۸/۲	۵/۲	۴	۲/۴	-	خاک تثبیت شده	
-	-	۸/۳	۵/۴	۲/۵	الوار	
-	-	-	۵/۳	۲/۵	پشم معدنی	
۱۰	۶/۵	-	-	-	آجر	
۸	۵/۵	-	-	-	سنگ	

یخبندان به مدت ۳ ماه یعنی تا اواخر اسفندماه ادامه دارد (متوسط یخبندان اصفهان ۷۳ روز و حداکثر ۱۰۱ روز می باشد). این امر سبب می شود که در پاره ای از مکانها که در این مدت به طور کامل در سایه قرار دارند دارای پوشش یخی باشند. با توجه به این امر متذکر می گردد که:

جاده ها و راههای ارتباطی بین ساختمانهای مختلف فضای دانشگاه باتوجه به سایه اندازهای ساختمانها در فصول مختلف استقرار یابند. یک ساختمان سه طبقه به ارتفاع ۱۰ متر در زمستان در اصفهان تا ۶۲ متری شمال خود را زیر پوشش سایه دارد. بدیهی است که چنانچه از این محوطه بعنوان راهرو استفاده گردد در طول زمستان با مشکل یخزدگی مواجه خواهد شد. پیشنهاد می گردد: از آنجا که ظهر حرارتی اصفهان در ساعت ۲ بعد از ظهر اتفاق می افتد حتی المقدور سعی شود جهت راهروها ۳۰ درجه جنوب شرقی - شمال غربی باشند و یا رعایت طول سایه انداز ساختمانهای مجاور بشود. برای تعیین طول سایه در جهات مختلف از فرمول زیر استفاده می نمایند:

$$(27) \quad \text{ارتفاع ساختمان} \\ \text{تانژانت H} = \text{طول سایه}$$

H - از جدول شماره ۱ - برای ماههای مختلف و ساعات مختلف روز استخراج می گردد.

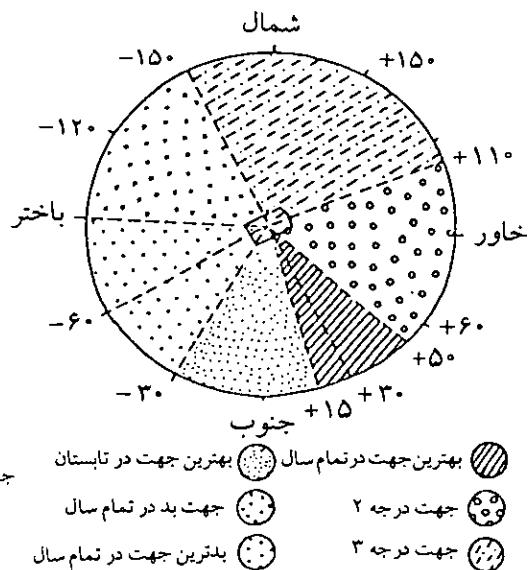


گرم سال می باشد و نمودار منقطع گرمای حاصل را در مواقع سرد سال نشان می دهد. برای تعیین بهترین جهت ساختمان از نظر جذب بیشترین گرمای تابشی در مواقع سرد و کمترین تابشی در مواقع گرم سال، باید حدمطلوب این دو منحنی را به دست آورد. از آنجا که باد بر این امر تأثیر زیادی دارد و در این جهت گیری تأثیر آن منظور نگردیده است، علاوه بر تعیین جهت مطلوب لازم است که حدود قابل قبولی برای جهت گیری ساختمان نیز معین گردد. لذا در اینجا به صدور احکام اولیه پرداخته می شود:

- ۱ - مناسب ترین جهت ساختمان از نظر تابش، جهتی است که جبهه اصلی آن رویه جنوب شرقی (با انحراف ۳۰ درجه از محور شمالی - جنوبی) باشد. جبهه اصلی ساختمان جبهه ای است که مهمترین فضاهای ساختمانی در پشت آن قرار می گیرد.
- ۲ - حدود قابل قبول از ۱۵ درجه تا ۵۰ درجه انحراف از محور شمالی - جنوبی به سمت مشرق است. (جهت یاب سمت راست نمودار شماره ۴)

۴-۱-۴ - استقرار راهروها و جاده ها در ارتباط با تابش آفتاب و یخزدگی

بر اساس مبحث ۴ - ۳ بررسی یخبندانها و نمودار شماره ۳، یخبندانهای اصفهان از آذرماه با متوسط ۲۱/۹ روز آغاز می گردد و به مدت چهار ماه ادامه دارد. این یخبندانها عمدتاً در شب و در ساعاتی به وقوع می پیوندد که حرارت تابشی خورشید وجود ندارد. ادامه



نمودار شماره ۴ - کیفیت جهت های مختلف ساختمان در رابطه با تابش خورشید در اصفهان

۵- فشرده احکام معماری

با عنایت به بحث‌های گذشته دستورالعمل‌های زیر جمع‌بندی می‌شوند:

۱- برای فضاهای داخلی دانشگاه از اواسط اردیبهشت ماه از ساعت ۱۲ تا ۱۶ به مدت ۴ ساعت نیازمند به تأمین برودت می‌باشد این رقم به تدریج افزایش یافته در خرداد ماه به ۸ ساعت و در تیر ماه به ۱۲ ساعت می‌رسد. سپس این روند معکوس می‌گردد و در شهریور ماه مجدداً به ۴ ساعت در روز می‌رسد. براساس همین محاسبات کل نیاز حرارتی سالانه در فضاهای داخلی دانشگاه به 1080 ساعت بالغ می‌گردد (نمودار شماره ۲).

۲- طبق محاسبات فوق نیاز حرارتی درون ساختمانی فضاهای دانشگاه از آبان ماه شروع و تا اسفند ماه ادامه دارد. جمع ساعاتی که تأمین حرارت برای این فضاها لازم است بالغ بر 1440 ساعت می‌باشد (این محاسبه براساس زمان استفاده از فضاها انجام شده است).

۳- یخبندانهای اصفهان از آذرماه با متوسط پنج روز در ماه آغاز و در دی ماه به متوسط ۲۵ روز می‌رسد و از آن پس ایام یخبندان کاهش یافته در اسفند ماه به ۵ روز می‌رسد. گاه یخبندانها تا اواسط فروردین دیده شده است.

۴- با توجه به وضعیت یخبندانها در محدوده دانشگاه مطلوب‌ترین جهت برای توسعه معابر به شرط تساوی بودن سایر شرایط جهت 30° درجه شمال غرب - جنوب شرق توصیه می‌گردد.

۵- چنانچه اجباراً جهات دیگری برای معابر انتخاب گردد اعمال فرمول شماره ۲۷ جهت رعایت فاصله معبر از ساختمان ضرورت دارد.

۶- کشت درختان خزان‌پذیر در حاشیه معابر کم عرض توصیه می‌شود تا در فصول آفتابی راحتی برای عابرین ایجاد نماید.

۷- برای جلوگیری از تابش خورشید در ماههای گرم به داخل ساختمانها نقاب سایه توصیه می‌گردد که برای اندازه آن فرمول شماره ۸ بایستی اعمال گردد.

۸- نقاب سایه حتی المقدور به شکل مستطیل توصیه می‌شود بطوری که طول آن در راستای شمال غرب - جنوب شرق واقع گردد.

۹- جدارهای ساختمان از دو بخش شفاف (پنجره‌ها و بازشوها) و کدر (دیوارها) تشکیل گردیده است. سایبانها با توجه به بخش شفاف جدار به گونه‌ای طراحی کردند که در مواقع سرد سال مانع ورود آفتاب به داخل ساختمان نگردد (اشکال ۱، ۲، ۳).

۱۰- مناسب‌ترین جهت ساختمان از نظر تابش جهتی است که

جبهه اصلی ساختمان روبه جنوب شرقی با انحراف 30° درجه از محور شمالی - جنوبی باشد. «جبهه اصلی ساختمان جبهه‌ای است که مهمترین فضاهای ساختمانی در پشت آن قرار می‌گیرد».

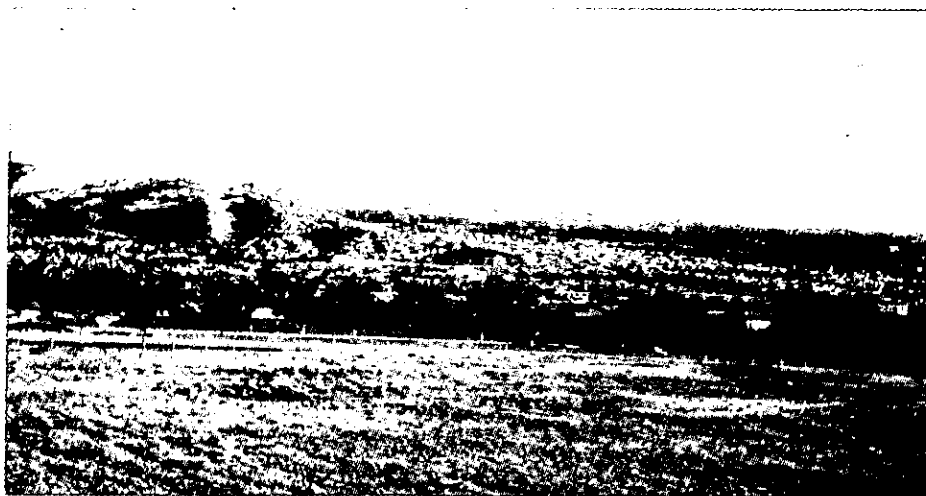
۱۱- حدود قابل قبول جهت فوق از 15° درجه تا 50° درجه انحراف از محور شمالی - جنوبی به سمت مشرق است.

۱۲- برای حفظ وضعیت حرارتی درون ساختمانها، دیوارهای شمالی حتی المقدور بایستی از ظرفیت حرارتی بیشتری برخوردار باشند، یعنی از مصالحی با وزن مخصوص زیاد استفاده بعمل آید (جدول شماره ۵).

۱۳- برای دیوارهای نازک رعایت رنگ در نماهای داخلی و خارجی حائز اهمیت است و بایستی رنگ آنها به گونه‌ای انتخاب شود که بتواند ضریب جذب کنندگی و دفع کنندگی لازم را داشته باشد (جدول شماره ۴).

منابع و مآخذ

- ۱- اردلان نادر (۱۳۶۶) ساختمان مفاهیم سستی معماری و شهرسازی ایران، مجله معماری و هنر ایران، شماره دوم
- ۲- توسلی محمود (۱۳۶۰) ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران، چاپ چهارم، چاپخانه رشدیه، تهران
- ۳- رازجویان محمود (۱۳۶۷) آسایش به وسیله معماری همساز با اقلیم - انتشارات دانشگاه شهید بهشتی - تهران
- ۴- سازمان هواشناسی کل کشور - مجموعه سالنامه‌های آماری
- ۵- غیورحسینی (۱۳۷۱) اقلیم و معماری در فولادشهر - هشتمین کنگره جغرافیدانان ایران، دانشگاه اصفهان
- ۶- کسمائی مرتضی (۱۳۶۳)، اقلیم و معماری، شرکت خانه‌سازی
- ۷- مزیننی منوچهر (۱۳۶۵) فضا، زمان - معماری، زیگفریدگیدتین - شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۸- مشیری شهریار (۱۳۶۹) - طراحی مسکن در اقلیم گرم و مرطوب، ماهنامه ساختمان - شماره ۱۷
- ۹- مشیری شهریار (۱۳۶۹) - مواد و مصالح ساختمانی در مناطق گرم و مرطوب و زلزله خیز، ماهنامه ساختمان - شماره ۲۱
- ۱۰- سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، گروه جغرافیا (۱۳۶۶)، جغرافیای کامل ایران
- ۱۱- بدیعی، ربیع (۱۳۶۱)، جغرافیای مفصل ایران، اقبال، تهران



حاشیه نشینی در بخش مرکزی کرج

زهرا احمدی پور
دانشگاه تربیت مدرس

«خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و میاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه دارها گردد و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار بشوند.»

حضرت امام (ره) منشور انقلاب ص ۳۱

مقدمه

عمده ترین ویژگی زندگی در مناطق آلودگی وضعیت نامطلوب مسکن آن است که خود به عنوان عاملی اصلی بر سایر جنبه های زندگی تأثیر می گذارد.

وجود مسکن ناپهنجار - در یک جامعه - آن هم به تعداد زیاد حاکی از توزیع ناسالم ثروت و امکانات در آن جامعه است و می نماید که با سنگینی کفه تعادل در جهت حفظ منافع اغنیاء، جمع کثیری از افراد، از حداقل امکانات نیز محروم هستند.

یکی از عوامل اصلی ایجاد مسکن بدون رعایت اصول فنی و قوانین خاص تهیه مسکن، شرایط نامناسب اقتصادی خانواده است؛ زیرا پایین بودن میزان درآمد، اجازه تهیه مسکن مناسب را نمی دهد و

فرهنگ جهان سوم با اقتباس از فرهنگ سرمایه داری، چهره ای دوگانه دارد. از یک طرف با ظاهری پرزرق و برق و مملو از وجود آسمانخراشها، ساختمانهای ویلایی مجلل، فضای سبز مطلوب، سینما و سالنهای تئاتر و نمایش (که عمدتاً در مرکز سیاسی - اداری کشور گرد آمده اند) و از طرف دیگر با آلودگیهای بی قواره و ساخته شده از تخته سه لایی، مقوا، گل، نی و حلبی بدون داشتن سیستم فاضلاب، آب لوله کشی، مراکز بهداشتی، راههای ارتباطی مناسب و مشاغل پردرآمد به جزیره ثروتمندی می ماند که در کمربندی از محرومیت و بدبختی محصور شده است.

خانواده به ناچار در مسکن نامناسب سکنی می‌گزینند.



پس از ورود درآمد نفت به بازار مصرف ایران، روند سرمایه‌گذاری‌های روبنایی آغاز شد و سرعت در جهت رسیدن به تمدن و پیشرفت اقداماتی - هرچند در بسیار موارد نادرست - به وسیله دست‌اندرکاران وقت صورت گرفت. مهمترین اقدام انجام شده تأسیس کارخانجات و صنایع و واحدهای تولیدی بود که با سرمایه‌گذاری بیگانه در بعضی از نقاط کشور احداث گردید. صنایعی که هیچ‌گونه کمکی به پیشرفت جامعه نمی‌کرد، زیرا به لحاظ سرمایه‌گذاری خارجیها کلیه اقدامات صورت گرفته به وسیله همانها انجام می‌شد. از طرف دیگر، اغلب قطعات در خارج از کشور ساخته شده در داخل کشور صرفاً سرهم‌بندی (مونتاژ) می‌شد. البته همین صنعت مونتاژ بخوبی توانست جای خود را در بازار اقتصاد کشور باز کرده بخش کشاورزی را از میدان به در کند. در این راستا اغلب کشاورزان کم‌زمین و کارگران زرعی بدون زمین و بسیاری از اقشار کم‌درآمد جهت استفاده از خدمات ارائه شده در شهرها به مهاجرت‌های وسیع دست می‌زدند؛ به صورتی که یک روستا به کلی خالی از سکنه می‌گردید. حضور خیل عظیم کارگران بدون مهارت در جامعه شهری نیاز کارخانجات و بخشهای غیرصنعتی (خدمات) را اشباع می‌کرد. میزان مزدی که به این کارگران پرداخت می‌شد بالاتر از میزان درآمد کارگران در مناطق روستایی بود و این اختلاف درآمد نیز عاملی در جهت مهاجرت به طرف شهر می‌شد.

شهرهای جهان سوم ۲ دیدگاه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱ - دیدگاه لیبرال:

در این دیدگاه حاشیه‌نشینی به مثابه معلول عوامل داخلی در کشورهای جهان سوم تلقی شده در جهت گذار از جامعه سنتی به یک جامعه صنعتی خود به عنوان ضرورتی در فرآیند این تحول قلمداد می‌شود.

۲ - دیدگاه رادیکال (انترناسیونالیست):

تشکیل مناطق حاشیه‌نشین در شهرهای جهان سوم معلول مناسبات و روابط بین‌المللی و قدرتهای مسلط جهانی از یک سو و ویژگیهای ملی از سوی دیگر است.

با توجه به دو دیدگاه ارائه شده در باب علل حاشیه‌نشینی، لازم است در بررسی وضعیت حاشیه‌نشینان، سیستمهای بین‌المللی را در ارتباط با سیستمهای ملی در نظر گرفته در تحلیل مسائل حاشیه‌نشینی یا دیدی جامع‌تر عمل کرد.

در اغلب کشورهای جهان سوم دو گروه عمده و مشخص ترکیب اصلی جمعیت را تشکیل می‌دهند. آنهایی که از رشد اقتصادی بهره‌مند می‌شوند و آنهایی که هیچ بهره‌ای عایدشان نمی‌شود. در این میان برندگان کسانی هستند که در بخش مدرن غربی اعسم از دولتی یا خصوصی جای دارند و در برابر اینها بازانگان، یعنی کارگران فقیر شهری و روستایی قرار می‌گیرند.

ایجاد بخش مدرن صنعتی ابتدا منافع اقتصادی گروه کوچک طبقه را تأمین می‌کند که در اغلب موارد ۲۰٪ جمعیت کشور را شامل می‌شود و این مسأله به تمام طبقات دیگر ضربه وارد می‌کند.

اختلاف طبقاتی در جهان سوم در شهرها تبلور می‌یابد؛ چراکه شهر مکان مناسب نظام سرمایه‌داری معاصر و شهرنشینی شیوه مطلوب آن تلقی می‌شود و بهتر از هر مکان دیگری نیازهای این نظام را برآورده، زمینه مناسبی را برای زایش و رویش پایان‌ناپذیر سرمایه، آن

ظرفیت محدود شهر و عدم امکان ارائه مسکن مناسب و کافی باعث می‌شد که به ناچار تعداد زیادی از کارگران و جستجوگران کار در سرپناهی مسکن بگیرند که فاقد هرگونه شرایط بهداشتی و در بسیاری موارد حتی فاقد شرایط فیزیکی تحت عنوان یک سرپناه بود.

علل تشکیل مناطق حاشیه‌نشین

در باب تشکیل مناطق حاشیه‌نشینی به عنوان یک مشکل بخرنج در



هم در مقیاسی بسیار عظیم فراهم می‌آورد. از این رو شهری شدن در تکامل نظام سرمایه داری نقشی حیاتی داشته است.

با رشد سرمایه داری انبوه، آدمیان از هر سوی و با هر ویژگی راهی شهرها شده‌اند تا در مکانی محدود به کار و زندگی پردازند. با رونق زندگی شهری، زمینه‌های سودآور در شهر توسعه شگرفی یافته و شهرها به مرکز تحولات تبدیل شدند. (تا این زمان شهرها حالت خدمات رسانی به مراکز دهستانها و مناطق روستایی را داشته از طرف دیگر محل جمع‌آوری تولیدات زراعی و دامی و انتقال آن به شهرهای دیگر بود. در واقع در یک سلسله مراتب شهری به عنوان یک حلقه ارتباط عمل می‌کرده است) اما با وجود توسعه، به جهت ماهیت نظام سرمایه داری، ناموزونی و عدم تعادل ذاتی نظام که نتیجه وابسته بودن تولید و توسعه به سودآوری و انباشت سرمایه است، در بعد فضایی نیز منعکس شد و به همین علت در چهارچوب کل جامعه و در درون شهرها مناطق ناهمگون پدید آمد.

در مقابل ثروتمندنشینی و محله‌های ثروتمندنشین، محله‌های فقیرنشین که سکونتگاه فقیرترین اقشار ستم دیده و رانده شده از یک سو و انبوه قانون ستیزان قانون گریز از سوی دیگر است، قارچ گونه روید.

در این مسیر در جهان سوم شهر مرکزی غربی فقط در جهت مبادله و القاء فرهنگ مصرفی غربی با رشد روزافزونی بر سایر مناطق شهری پیشی گرفته و در اغلب موارد نمایندگیهای شرکتهای خارجی در این مراکز سیاسی - اداری تشکیل شد.

انبوه روستاییان صدمه خورده از ایجاد رابطه سرمایه داری، با از دست دادن زمینه کار و فعالیت بدون کوچکترین سرمایه و کمترین تجربه ای نه در جهت چرخاندن چرخهای صنایع مونتاژ و مصرفی که برای پادویی در بخش دولتی یا خصوصی وارد شهرها شدند و از همین جا خیابان خوابی و حیات در سرپناههای نابهنجار و موقتی جان گرفت.

در مجموع برای شناخت عوامل مؤثر در پیدایش حاشیه نشینی، نکات زیر را باید مورد توجه قرار داد.

۱ - سطح کلان: شناخت عوامل جهانی مؤثر در ایجاد و گسترش حاشیه نشینی؛

۲ - سطح میانه: تحلیل مسائل و مشکلات حاشیه نشینان در مکانهای حاشیه نشین؛

۳ - سطح خرد: شناخت عوامل داخلی (ساخت اقتصادی - اجتماعی - سیاسی و ...) مؤثر در بروز و گسترش حاشیه نشینی.

پرداختن به عوامل مؤثر در سطح خرد و کلان نیاز به فرصتی دیگر دارد. در این مقال سعی بر آن است که عوامل مؤثر در پیدایش آلونک نشینی در سطح میانه با مطالعه موردی بر روی آلونک نشینان

بخش مرکزی کرج «منطقه زورآباد» (اسلام آباد) بررسی شود و تصویری هرچند کلی از تلخترین حقایقی که در جامعه به جرأت و با گستاخی وجود دارد، ارائه گردد؛ باشد که وجهه همت مسئولان قرار گیرد.

منطقه آلونک نشین اسلام آباد (زورآباد) تپه ای است با وسعت ۱۶۵ هکتار بایش از ۱۰۰ هزار سکنه که در شمال شرقی کرج واقع شده است. از طرف شرق به حوالی خیابان چالوس، از سمت غرب و قسمتی از جنوب به حوالی خیابان برغان و از سمت شمال به شهرک عظیمیه محدود است. بلندترین قله تپه بیش از ۱۴۸۰ متر ارتفاع دارد. موقعیت جغرافیایی منطقه طوری است که از بدو ورود به کرج به خوبی جلب نظر می‌کند.

این منطقه قبل از آنکه، پذیرای آلونک نشینان شود، محل تعلیف احشام اهالی قریه بیلقان واقع در ۴ کیلومتری شهر کرج بوده است. در سال ۱۳۱۱ اهالی این قریه با تردستی و کالتنامه ای جهت غرس اشجار و احداث قنوات تپه دریافت کرده سند مالکیتی به نسبت سهم اهالی دریافت می‌کنند؛ سپس با همدستی چندتن از متنفذان اراضی تپه را با سندسازی به دیگران منتقل می‌کنند.

در سال ۱۳۴۷ وزارت منابع طبیعی درصدد ملی اعلام کردن منطقه برمی‌آید، اما همین اشخاص با نفوذ، عده ای را به ساخت خانه و آلونک در منطقه تشویق می‌کنند و این امر باعث می‌شود که این منطقه با وجود تنها ۴۰ تا ۵۰ خانوار، منطقه مسکونی اعلام شود. از آن پس بر تعداد آلونک نشینان منطقه روز به روز اضافه شده و اراضی به صورت قطعات کوچک و بزرگ از طریق قولنامه‌های غیررسمی به اشخاص دیگر واگذار می‌شود.

افزایش قابل ملاحظه جمعیت و گسترش وسیع زورآباد (اسلام آباد) از سالهای ۵۳ - ۱۳۵۲ آغاز می‌شود. از این سالها تا سال ۱۳۵۶ همراه با افزایش درآمد نفت و تشدید وابستگیها و در نتیجه ایجاد اختلاف فاحش میان روستا و شهر در زمینه های مختلف از جمله سطح اشتغال، میزان درآمد، برخورداری از امکانات آموزشی و رفاهی و همچنین مسائل ناشی از تعیین محدوده های شهری و نیز بورس بازی زمین و ساختمان، ضمن گسترش عمومی آلونک نشینی در مجاورت شهرهای بزرگ، زورآباد نیز گسترش یافته جمعیت قابل ملاحظه ای را در خود جای می‌دهد.

ویژگیهای منطقه آلونک نشین زورآباد را در چند قالب کلی به طور مختصر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف - بعد کالبدی (فیزیکی)

اولین مشخصه ای که مناطق آلونک نشین را از سایر مناطق مسکونی در شهر جدا می‌سازد، ویژگی کالبدی است. غالب این مساکن به صورت غیراستاندارد در محیط ناسالم فیزیکی و گاه در کمتر از یک

شب برپا می شود. ظاهر ساختمانها نامنظم و درهم ریخته است و در اغلب موارد با توجه به شرایط جغرافیایی هر منطقه از حلبی، مقوا، حصیر و مصالح کم دوام ساخته می شود.

فضای واحدهای مسکونی بسیار محدود بوده بیشترین کاربری آن اختصاص به سکونت در سرپناه و استراحت صرف دارد و غالباً فاقد کاربری بهداشتی و رفاهی است.

ساخت و سازهای غیرمجاز در اراضی شهری کرج و رشد کانونهای جمعیتی پربسته خارجی شهر در قالب شهرکهای متعدد، از عوارض رشد شهری کرج محسوب می شود.

عدم توانایی اقتصادی مهاجران وارد شده به شهر یا کسانی که در تهران قادر به تهیه مسکن نبوده اند، باعث شده که آنها حواشی شهر کرج را با قیمت پایین زمین و ساخت مسکن با هر نوع مصالح به صورت غیرمجاز جهت سکونت برگزینند.

در منطقه زورآباد (اسلام آباد) کرج با تراکم بسیار بالای جمعیتی (بعد خانوار ۸/۲ نفر است) و ابعاد و اندازه کوچک قطعات مسکونی، غالباً چند خانوار در یک واحد مسکونی سکونت دارد و در مجموع، اشکال ناموزونی از سکونت را به صورت بسیار ناخوشایند بر قلب شهر کرج به نمایش می گذارد.

اغلب مساکن از مصالح کم دوام (چوب، خشت، گل و ...) ساخته شده است که پس از مدتی محدود به جهت سرعت در ساخت واحدها و عدم رعایت اصول و موازین تهیه مسکن، خانه ها نیاز به مرمت و تعمیر پیدا می کنند؛ به طوری که از کل مساکن موجود در منطقه اسلام آباد ۱۴/۱ درصد تخریبی و ۵۲/۳ درصد مرمتی هستند.

متراژ واحدهای مسکونی تابع ارتفاع است؛ یعنی با افزایش ارتفاع متراژ واحدهای مسکونی به سرعت کاهش می یابد. این نسبت را می توان چنین بیان کرد که بالاتر از ارتفاع ۱۴۶۰ متر متراژ مساکن به کمتر از ۵۰ متر مربع و در ارتفاع ۱۴۸۰ متر به کمتر از ۳۰ متر مربع کاهش می یابد.

در مجموع ۴۳/۵ درصد واحدهای مسکونی کمتر از ۵۰ متر مربع مساحت دارند و ۱۴/۵ درصد نیز دارای مساحت بالاتر از ۱۵۰ متر مربع هستند.

تقسیم بندی داخلی واحدهای مسکونی بدین صورت است که ۷۸/۵ درصد مساکن دارای ۳ و ۲ اتاق بوده از این میان، ۱۸/۵ درصد واحدها فاقد آشپزخانه و ۵۱/۵ درصد فاقد حمام در منزل هستند.

ب- بُعد اجتماعی

مشکل زندگی در آلودگها، با شلوغی زیاد و عدم وجود حریم شخصی برای افراد شدت می یابد. شلوغی و تراکم بدین معناست که مساکن با وجود این که فضای قابل دسترس و کافی برای همه ندارد، از

تعداد زیادی ساکن انباشته شده است.

برای مثال، تعداد افراد ساکن در هر اتاق در کلکته بیش از ۳ نفر است؛ در مقایسه با کمتر از ۱ نفر در استرالیا، امریکا، انگلیس و سوئیس؛ فقدان حریم شخصی و عدم وجود مکانی خلوت برای هر کدام از ساکنان، امر استراحت را ناممکن ساخته، می تواند در سرایت بیماریها به یکدیگر مؤثر واقع شود.

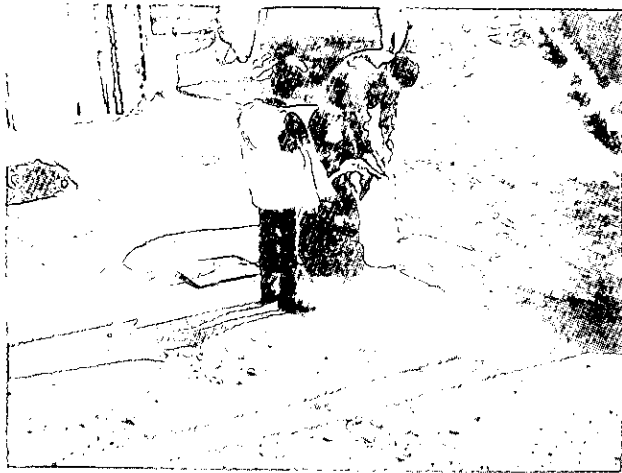
در اتاقهای اجاره ای در بمبئی که غالباً ۱۰ نفر در یک فضای بسیار کوچک زندگی می کردند، افراد هنگام شب به زحمت می توانستند رفت و آمد کنند و اغلب دیگران را در تاریکی داخل راهرو یا اتاق نمی دیدند، در چنین وضعیتی بود که ادامه زندگی کسل کننده شده بچه های ساکن در چنین فضاهایی غالباً دارای اندامی نحیف همراه با صورتهای کشیده و استخوانی بودند.

در منطقه زورآباد کرج، تراکم افراد در ۵۲ درصد از واحدهای مسکونی ۵ نفر در یک اتاق است. با این حساب باید چنین بیان کرد که مسکن در این منطقه نه تنها نمی تولد ارائه دهنده سکوت و آرامش به ساکنان خود باشد که حتی قادر به برآوردن نیازهای بیولوژیکی روزانه ساکنان نیز نیست.

مسکن در این منطقه به لحاظ محدودیت فضا، کارکرد خود را تنها به عنوان سرپناه به هنگام شب ایفا می کند و ساکنان در اکثر ساعات روز در خارج از منزل به سر می برند. این محدودیت فضا توان ارائه خدمات به فرزندان بخصوص بچه های کوچک خانواده را نداشته آنان را به داخل کوچه و خیابان هدایت می کند. بزرگترها نیز اکثر ساعات روز را در کوچه به سر می برند که این حضور دائمی بزرگترها و بچه ها در کوچه و خیابان زمینه ایجاد برخوردها و نزاعها را در منطقه فراهم می کند و به گفته اهالی تقریباً در تمامی ساعات در محله های مختلف درگیری وجود دارد.

حضور دائمی در کوچه و خیابان علاوه بر محدودیت فضای واحدهای مسکونی، ناشی از فرهنگ روستایی حاکم بر منطقه است؛ زیرا ۸۲ درصد ساکنان منطقه را مهاجرانی تشکیل می دهند که زادگاه روستایی خود را ترک کرده راهی این مناطق شده اند.

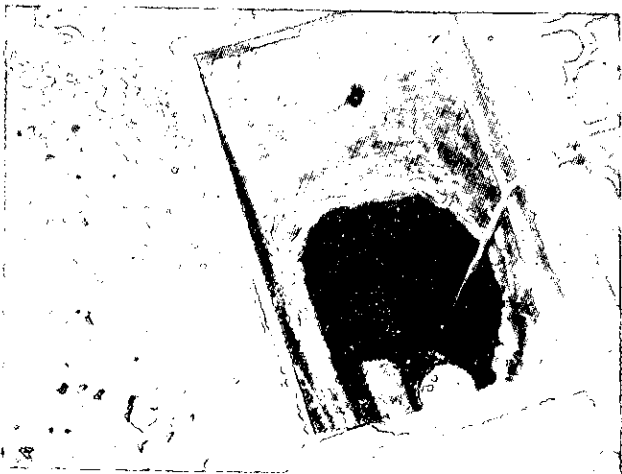
نتیجه سکونت در این واحدهای مسکونی فاقد شرایط مناسب، افت تحصیلی فرزندان مشغول به تحصیل، مخاطرات بهداشتی مانند ناراحتیهای قلبی و بروز بیماریهای واگیردار، بروز اختلاف و درگیری، ایجاد ناراحتیهای عصبی، بزهکاری و جنایت و ... است که اغلب این موارد را می توان به روشنی در منطقه اسلام آباد (زورآباد) مشاهده کرد. برای مثال، تعداد دانش آموزان دختر مدرسه شهید هاشمی نژاد از ۲۵۶ نفر در پایه اول ابتدایی به ۴۷ نفر در پایه پنجم کاهش می یابد. اگر از این تعداد، افراد کم بضاعت را که قادر به تحصیل نیستند کسر کنیم، این کاهش نشان دهنده افت تحصیلی و عدم



ارتفاع بالایی است.

در ارتفاع میانی که آب در طول روز غالباً قطع می شود، مشکل را با تهیه آب انبار در منزل، نصب منبع و حمل آب از ارتفاع پایین مرتفع کرده اند.

انبارهای ساخته شده در منازل، غالباً در زیر اتاق نشیمن ساخته شده و ۳×۴ متر مربع مساحت دارند. اطراف انبارها را با سیمان غیرقابل نفوذ کرده اند. سقف آن نیز که در واقع کف اتاق است، در ریچه ای دارد که جهت تخلیه آب از تانکر به انبار مورد استفاده قرار می گیرد. از قسمت پایین انبار، آب بوسیله لوله ای به سیستم لوله کشی ساختمان هدایت شده در مواقع بی آبی مورد استفاده قرار می گیرد. انبار با وسعت ۳×۴ متر مربع با پرداخت ۲۰/۰۰۰ ریال پر می شود و آب آن تا یک ماه مورد استفاده قرار می گیرد که این مسأله خود می تواند از لحاظ بهداشتی در سلامتی خانواده ها ایجاد اشکال کند. در بعضی از منازل آب انبار در کف حیاط یا در ایوان منزل ساخته شده آب آن با ظرف برداشته می شود و به لوله کشی ساختمان متصل نیست. احداث



توان ادامه تحصیل دانش آموزان است. در همین راستا درصد قبولی پایه اول مدرسه ابتدایی شهید مهرانی ۷۶ درصد است که در پایه پنجم به ۲۰ درصد کاهش می یابد. همچنین رشد فرهنگی - اجتماعی ساکنان منطقه از نظر مطالعه کتاب، روزنامه و نشریات در طول ماه در وضعیت نامطلوبی است؛ بدین صورت که ۶۲/۵ درصد از ساکنان هیچگونه مطالعه ای در طول ماه نداشته تنها ۰/۵ درصد ساکنان ۳ و ۴ کتاب را در طول ماه مطالعه می کنند.

مشکلات اقتصادی و پایین بودن میزان درآمد و بالا بودن مخارج زندگی با وجود تعداد زیاد فرزند، مانع از فرصت برای مطالعه و در واقع مانع از به وجود آمدن نیاز به مطالعه در میان ساکنان منطقه می گردد.

دانش آموزان هم غالباً تحصیل را از دوره راهنمایی رها کرده به دنبال کسب و کار می روند. تعداد افرادی که موفق به پایان تحصیلات دوره متوسطه می شوند، بسیار کم است؛ به طوری که در جامعه آماری مورد مطالعه که ۸۸۶ دانش آموز را در مقاطع مختلف دربر می گرفت، به ۱۸ فارغ التحصیل مقطع متوسطه می رسد که رقم بسیار ناچیزی را تشکیل می دهد. در این میان تنها ۲ نفر دارای تحصیلات عالی هستند که همه حکایت از پایین بودن سطح فرهنگ در منطقه دارد.

پ - بعد رفاهی

ساکنان مناطق آلونک نشین غالباً به خدمات شهری به آسانی دسترسی نداشته در بسیاری از موارد، کاملاً فاقد این گونه خدمات هستند. (این خدمات را می توان در قالب تهیه آب مشروب، برق، تلفن، فضای سبز، راههای ارتباطی و ...) مورد مطالعه قرار داد. حادترین مشکل رفاهی منطقه را شاید بتوان تهیه آب آشامیدنی خانوارهای ساکن در منطقه ملحوظ کرد. به طور کلی موقعیت جغرافیایی تپه زورآباد به گونه ای است که سرویس دهی خدمات شهری برای آن به راحتی امکان پذیر نیست. این امر بدان علت است که تپه شیب نسبتاً تندی دارد و چون بدون ضابطه و عدم رعایت اصول، مسکونی شده در ساخت منطقه توجه عمده به تهیه و احداث واحد مسکونی بوده تا ایجاد راههای ارتباطی مناسب؛ بدین جهت در اغلب موارد کوچه ها به قدری تنگ و باریک است که رفت و آمد و بویژه عبور و مرور وسایل نقلیه را با مشکل روبرو می سازد. علاوه بر عدم رسیدگی مسئولان شهر به وضعیت رفاهی منطقه، موقعیت منطقه با شیب بسیار تندی که دارد در بعضی از نقاط تأمین خدمات مورد نیاز را با مشکل مواجه می کند. از جهت تهیه آب مورد نیاز خانواده ها، منطقه را باید به ۳ منطقه ارتفاع پایینی، ارتفاع میانی و ارتفاع بالایی تقسیم کرد.

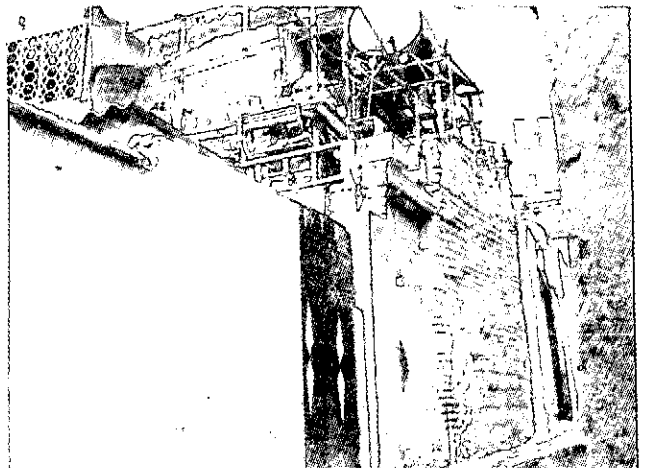
خانوارهای ساکن در ارتفاع پایین منطقه مشکل حادی در زمینه تأمین آب آشامیدنی ندارند. مشکل عمده در ارتفاع میانی و بویژه

آب انبار در کف حیاط یا ایوان با توجه به استفاده دائمی از آن و باز بودن در آن در اکثر اوقات می‌تواند برای فرزندان کوچک خطر آفرین باشد. علت ایجاد انبار در ارتفاع میانی، وجود راه‌های ارتباطی هر چند به صورت نامطلوب است که رفت و آمد تانکرهای آب را ممکن می‌سازد و باعث می‌شود خانواده‌ها بتوانند نیاز خود را بدین وسیله مرتفع کنند.

در ارتفاع بالایی در اکثر موارد مخازن آب را در حیاط منزل، پشت بام یا در داخل کوچه قرار داده‌اند و آب مورد نیاز را هنگام وجود آب در لوله‌ها تأمین می‌کنند و از آنجا که در ذخیره آن محدودیت وجود دارد، بقیه آب مورد نیاز را از ارتفاع پایین به وسیله ظروف دسته دار تأمین می‌نمایند. این عمل بیشتر به وسیله دختر بچه‌ها و زنان انجام می‌گیرد؛ بدان علت که پسر بچه‌ها و مردان خانواده به کار تهیه و تأمین مواد مورد نیاز خانواده و کسب درآمد مشغول بوده فرصت تهیه آب را ندارند.

نکته قابل توجه این است که در اغلب ساعات روز که ساکنان از آب ذخیره شده استفاده می‌کنند، قناعت و کنترل بر استفاده محدود از آب کاملاً مشهود است؛ چرا که از تمامی واحدها آب فاضلاب به کوچه و داخل جوی آب هدایت می‌شود. در این ساعات میزان آب خارج شده از منازل در حد بسیار پایینی است؛ در حالی که در مواقع وجود آب در لوله‌ها، از لوله‌های فاضلاب که در اکثر موارد بالاتر از سطح کوچه و خیابان تعبیه شده است، آب مصرف شده منازل با جریان بسیار تند به بیرون هدایت می‌شود که با مواد مصرفی خانوارها همراه بوده غالباً بسیار بدبو و بد رنگ است. در هر صورت این قناعت و صرفه جویی زیاد در مصرف آب، مشکلات بهداشتی زیادی را برای خانوارها به دنبال دارد؛ از آن جهت که آنها نگران اتمام آب و حمل آن با مشقت زیاد از ارتفاع پایین هستند.

در کنار همین قناعت باید در نظر داشت که بیشتر از ۵۰ درصد واحدهای مسکونی فاقد حمام خصوصی در منزل است. مشکل



رفت و آمد خود می‌تواند در عدم استحمام به موقع اهالی تأثیر گذاشته در ایجاد مخاطرات بهداشتی مؤثر واقع شود.

به جهت عدم رعایت اصول بهداشتی و محدودیت‌های خاص مناطق آلودگ‌ناشین، نرخ مرگ و میر زیاد و درصد بیماری در این مناطق بالا است؛ به طوری که در زاغه‌های مانیل میزان مرگ و میر خردسالان ۳ برابر، میزان ابتلاء به سل ۹ برابر، اسهال و کم خونی ۲ برابر و تعداد افراد دچار سوء تغذیه ۳ برابر سایر نقاط شهر است. در سنگاپور میزان ابتلا به کرم قلابدار آسکاریس و تریشسین در میان زورآباد نشینها (squatters) بیش از ۲ برابر ساکنان آپارتمانهاست.

نکته خاصی که باید در منطقه زورآباد در نظر داشت، زمین شناسی تپه است که زمین تپه غیر قابل نفوذ بوده حفر چاه جاذب (روش دفع فاضلاب سنتی) در منطقه به سختی صورت می‌گیرد؛ بدین جهت آب نفوذی این گونه چاهها از طریق نم و نشست آب از کف منازل که در ارتفاع پایین تری هستند، ظاهر می‌شود.

فرم ساختمانها و بافت مسکونی منطقه به صورت پلکانی بوده رطوبت چاهها غالباً مساکن پایین تر از خود را نمناک می‌کند و همین مسأله در ایجاد ناراحتی مفاصل اثر می‌گذارد در ارتفاع میانی علاوه بر رطوبت این چاهها، نم و رطوبت ناشی از احداث آب انبار در کف منازل خود از عوامل ایجاد ناراحتی مفاصل به حساب می‌آید.

در بیرون از واحدهای مسکونی رطوبت و نم را حداقل تا نیم متر ارتفاع بر دیوارهای منازل می‌توان مشاهده کرد. از آنجا که زنان و دختران بیشتر از مردان در منزل به سر برده تپه پر شیب را در طول روز چندین بار طی می‌کنند، میزان ناراحتی مفاصل در میان آنان بیشتر بوده و شامل ۵۴ درصد زنان منطقه به نسبت ۲۳ درصد مردان است.

ت - بعد اقتصادی

فرهنگ حاکم بر منطقه آلودگ‌ناشین، فرهنگ فقر است. منطقه آلودگ‌ناشین را غالباً مردمی مسکونی می‌کنند که از کمترین سطح درآمد برخوردارند. اگرچه ممکن است این ساختمانها با سیما و ظاهر فرسوده شان به وسیله خانوارهایی که چندان فقیر نیستند هم مسکونی شده باشد، اما به طور عام یک منطقه آلودگ‌ناشین به عنوان یک منطقه فقیر به حساب می‌آید.

در اغلب موارد علی‌رغم تراکم زیاد در بسیاری از مناطق آلودگ‌ناشین، فقدان آب، عدم وجود یک سیستم دفع زباله و عدم رعایت اصول بهداشتی، تعدادی مرغ و خروس نیز در یک فضای بسیار کوچک نگهداری می‌شود.

در سنگاپور اغلب خانواده‌ها در فضایی ساکن هستند که به صورت مغازه و خانه به طور مشترک مورد استفاده واقع می‌شود. در حدود $\frac{1}{3}$ این خانه‌ها و مغازه‌ها هیچ پنجره‌ای به بیرون نداشته بقیه هم تنها یک پنجره دارند که بیشتر به صورت دریچه است و یا این که تنها یک

هواکش برای دسترسی به نور دارند. ساکنان این محله‌ها از فضای موجود نه تنها برای خوابیدن استفاده می‌کنند، بلکه آن را به عنوان یک باغچه برای رشد غلات یا یک مغازه به عنوان منبع درآمد مورد استفاده قرار می‌دهند.

در واقع در محلات آلونک نشین ضابطه جدا کردن مناطق مسکونی، تجاری و صنعتی اجرا نشده آلونکها هم محل کارند و هم محل زندگی.

در منطقه زورآباد با توجه به شرایط فرهنگی خاص حاکم، گروههای عمده شغلی را افرادی اشغال کرده‌اند که با توجه به منشأ روستایشان و عدم مهارت کافی جهت کارهای فنی و تخصصی و پایین بودن میزان سواد و بی رغبتی جهت آموزشهای فنی، دارای کمترین میزان دستمزد با حداکثر کار در طول روز و در شرایط سخت هستند.

اشتغال در این منطقه، تابع همان اصل کلی اشتغال غیر رسمی در نواحی آلونک نشین است؛ به طوری که ساکنان اغلب در کنار واحد مسکونی خود به فعالیت اقتصادی در سطح بسیار خرد اشتغال دارند. این امر به ویژه در منازل نش خیسایان و کوچه‌های عریض به روشنی قابل رؤیت است. آنان یکی از اتاقها یا قسمت زیر راه پله را به مغازه اختصاص داده‌اند و کار فروشندگی را غالباً زنان انجام می‌دهند و مردان جهت تهیه لوازم و اجناس مورد نیاز مغازه یا کسب دیگری به خارج از منطقه می‌روند.

افراد ساکن در منطقه در گروههای شغلی دستفروشی، رفتگری، کاسبی، کارگری، رانندگی و ... مشغول به کار بوده هرکدام سهمی از اشتغال را در منطقه به خود اختصاص داده‌اند. از این میان، اشتغال در بخش کارگری به خصوص کارگر ساختمانی بالاترین رقم (۶۰ درصد) را داشته بیشترین تعداد افراد شاغل را در بر می‌گیرد. افراد به عنوان کارگر در واحدهای تولیدی، مراکز خدماتی، کارخانجات و کارهای ساختمانی به فعالیت اشتغال دارند که این خود دستاورد برقراری رابطه سرمایه داری - هرچند به صورت ناقص - است که خیل عظیم تولیدکنندگان را به سوی پادویی در مراکز خدماتی رهسپار کرده است. میزان درآمد با توجه به پایین بودن میزان مهارت افراد شاغل بسیار پایین است و ۸۶ درصد این افراد درآمدی بین ۵ تا ۱۰ هزار تومان دارند. ۱۰/۵ درصد جمعیت ساکن در منطقه زورآباد در روی خط فقر و بالاتر از آن و ۸۹/۵ درصد بقیه در زیر خط فقر زندگی می‌کنند (با توجه به این که مرکز آمار به صورت رسمی خط فقر را ۱۷ هزار تومان در ایران برآورد کرده است).

یکی از عوامل ایجاد و گسترش مناطق کارگر نشین کرج، وجود کارخانجات و مراکز تولیدی احداث شده در جاده تهران - کرج است. توزیع محل اشتغال ساکنان منطقه بدین صورت است که ۴۰/۴ درصد افراد شاغل، در جاده تهران - کرج و ۱۰/۱ درصد بقیه در تهران در



فعالیت‌های مختلف تولیدی - خدماتی مشغول به کار هستند.

زنان منطقه زورآباد در سطح وسیعی در بخش غیررسمی جذب کار شده نقش مؤثری را در تأمین درآمد خانواده ایفاء می‌کنند. آنان به عنوان خدمتگزار در مدارس و حمام‌های عمومی، کارگر در کارخانجات، مستخدم در منازل، فروشنده در مغازه، دستفروش و ... شاغل به کار بوده‌اند. در شرایط بسیار دشوار اقدام به تأمین مخارج خانواده می‌کنند و از این جهت غالباً دارای چهره‌ای رنگ پریده، بیکری نحیف و دستانی لرزان‌اند.

با توجه به شرایط کار و میزان درآمد بسیار پایین، وضعیت اقتصادی، بهداشتی و فرهنگی خانواده‌ها در سطح بسیار پایین و حتی در وضعیت بسیار نامطلوب قرار دارد. میزان مصرف گوشت و پروتئین حیوانی ۳۸ درصد خانوارهای ساکن در منطقه کمتر از ۲ بار در طول هفته بوده در کنار آن، میزان مصرف شیر ۵۹ درصد خانوارها نیز کمتر از ۲ بار در طول هفته است که با تأکید بر سایر پارامترهای مورد مطالعه در تغذیه، ۳۳/۵ درصد خانوارها دارای تغذیه نامطلوب و ۴۳/۵ درصد دارای تغذیه‌ای در حد متوسط هستند و تنها ۲۳ درصد خانوارها در وضعیت مطلوبی به سر می‌برند. این در حالی است که بیشتر از $\frac{۲}{۳}$ درآمد خانواده صرف تغذیه می‌شود.

در مجموع با دقت در شرایط اقتصادی، اجتماعی، رفاهی و بهداشتی ساکنان منطقه اسلام آباد (زورآباد) کرج، چهره دیگری از زندگی در مناطق شهری پدیدار می‌شود که در کمربندی از فقر و محرومیت گرفتار آمده‌اند و سمبل بی‌عدالتی جامعه - که هدیه نظام غرب به جامعه اسلامی است - قلمداد می‌شوند. باید در نظر داشت که مشکل آلودگی ناشی از شهرهای بزرگ، ناشی از نفس شهرنشینی و مهاجرت از روستا به شهر نیست؛ بلکه شهرنشینی در این میان نقش تمرکزکننده فقر و بیکاری حاصل از الگوی توسعه اقتصادی - اجتماعی خاص در جامعه را دارد که با توجه به برقراری رابطه



سرمایه داری منبعث از همان ایده بوده و یادگاری از دوران ستم شاهی است. مشکلی که در طول برقراری نظام اسلامی نه تنها مرتفع نشده، بلکه با گستاخی حضور و قبحانه خود را در جای جای شهرها به عرصه نمایش گذاشته است و تلاش پیگیر و مستمر را در جهت زدودن این چهره پلید طلب می‌کند.

* این مقاله در موارد بحث نظری برگرفته شده است از منابعی که در ذیل خواهد آمد.

- ۱- شهرنشینی در ایران؛ فرخ حسامیان؛ گیتی اعتماد؛ محمدرضا حائری؛ تهران؛ انتشارات آگاه؛ سال ۱۳۶۳.
- ۲- درون جهان سوم؛ پن هریسون؛ ترجمه شاداب وجدی؛ تهران؛ انتشارات فاطمی؛ سال ۱۳۶۴.
- ۳- دیدگاه‌های دکتر پرویز پیران در باب آلودگی ناشی.
- ۴- گزیده مسائل اقتصادی - اجتماعی؛ سازمان برنامه و بودجه؛ خرداد و تیر ۱۳۷۰؛ شماره ۱۱۳ و ۱۱۴.

- 5- Abrams, Charles. Housing in the modern world, London, 1964.
- 6- Desai, A.R., Slums and urbanization, Bombay, 1970.



کاربرد ریاضی در جغرافیا

مدلی برای ریزش باران

اردوان میرزایی عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

اما این کار فقط با مقادیر بزرگ قابل اجرا است.
الف) باران پیوسته و با نرخ ثابت ببارد (یعنی در زمانهای متفاوت بارش باران تغییر نکند) به شکل ۱ نگاه کنید.
ب) باران به آهستگی شروع شده و بطور مداوم افزایش می یابد و به حداکثر خود می رسد؛ سپس دوباره کاهش یافته و تمام می شود. همه اینها در 20 دقیقه انجام شده است. مقدار کل باران جمع شده $1/27$ سانتیمتر (معادل $\frac{1}{4}$ اینچ) است. اگر نرخ بارش باران بطور خطی افزایش یابد و به همین ترتیب کاهش پیدا کند با شکل ۲ نشان داده شده است. اکنون حداکثر نرخ باران باریده $0/127$ سانتیمتر (معادل $0/05$ اینچ) در دقیقه است. بطوریکه کل باران جمع شده $1/27$ سانتیمتر (معادل $\frac{1}{4}$ اینچ) است.
پ) فرض کنید در 2 دقیقه نخست نرخ بارش باران بطور پیوسته زیاد شود. سپس به مدت 16 دقیقه با نرخ ثابت ببارد و در 2 دقیقه آخر بطور پیوسته کاهش یابد. این حالت در شکل ۳ نشان داده شده است. حداکثر نرخ بارش باران تقریباً $0/071$ سانتیمتر (معادل $0/028$ اینچ) در دقیقه است.

تصور کنید در یک روز گرم تابستان در جلگه خوزستان به تفریح رفته اید؛ ناگهان آسمان تاریک می شود، آفتاب گرم از بین می رود و باران نم نم شروع به باریدن می کند. هنوز سرپناهی پیدا نکرده اید که سرعت و شدت باران بطور ناگهانی افزایش یافته و شما را فوراً خیس می کند. این اتفاقات همگی در چند لحظه انجام می پذیرد. سپس جایی برای فرار از باران پیدا می کنید و به این فکر می افتید که آیا می توان فرمولی برای ریزش باران و اینکه در هر لحظه چه مقدار باران آمده است؛ پیدا کرد؟ پس از 20 دقیقه باران می ایستد و شما به نتایجی دست یافته اید در این مقاله سه حالت بارش باران را شرح داده و فرمولهایی برای هر سه حالت پیدا می کنیم. فرض کنید نرخ ریزش باران (نسبت تغییرات بارش باران به تغییرات زمان). با $R'(t)$ نشان داده شود (منظور از $R'(t)$ مشتق $R(t)$ است). همچنین فرض کنید بعد از 20 دقیقه حجم باران $1/27$ سانتیمتر (معادل $\frac{1}{4}$ اینچ) باشد. شما فوراً به فکر مقدار بارانی که در سطح معینی آمده است می افتید.

توجه کنید که از نقاط $t=2$ و $t=18$ مقادیر $R'(t)$ یکسان است، پس ناپوستگی وجود ندارد. یعنی بهترین تابعی که نشان دهنده وضع موجود باشد، باید در نقاط یکسان اندازه ای یکسان داشته باشد.

حال فرض کنید باران پیوسته و با نرخ ثابت بیارد (یعنی حالت «الف») می خواهید ببینید ۱۰ دقیقه پس از شروع بارندگی چه مقدار باران آمده است. داریم:

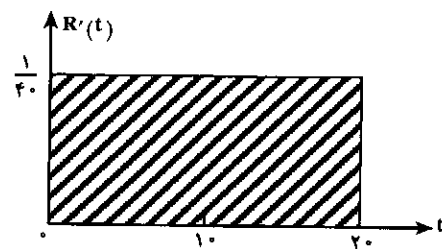
$$R(10) = \int_0^{10} R'(t) dt = \int_0^{10} \frac{1}{40} dt = \frac{1}{40} [t]_0^{10} \\ = 0.25 \text{ in} (0.635 \text{ cm})$$

اکنون فرض کنید باران به حالتی که در وضع (ب) تشریح شد بیارد. می خواهیم ببینیم در ۱۰ دقیقه بعد از شروع بارندگی چه مقدار باران آمده است. داریم:

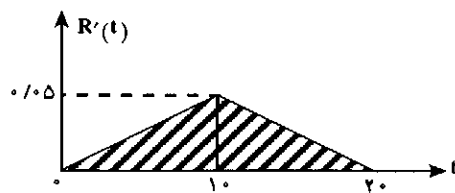
$$R(10) = \int_0^{10} R'(t) dt = \int_0^{10} 0.005t dt = \frac{0.005t^2}{2} \Big|_0^{10} \\ = 0.25 \text{ in} (0.635 \text{ cm})$$

چنانچه مقدار باران را مثلاً بعد از ۱۵ دقیقه بخواهید، خواهیم داشت:

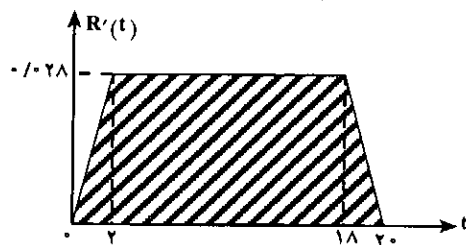
$$R(15) = \int_0^{15} R'(t) dt + \int_{10}^{15} R'(t) dt \\ = \int_0^{10} 0.005t dt + \int_{10}^{15} (0.1 - 0.005t) dt \\ = \frac{0.005t^2}{2} \Big|_0^{10} + (0.1t - \frac{0.005t^2}{2}) \Big|_{10}^{15} \\ = 0.4375 \text{ in} (1.11 \text{ cm})$$



شکل (۱)



شکل (۲)



شکل (۳)

اکنون حالت کلی این وضع را می توان با معادلات دیفرانسیل بررسی کرد. برای این کار از شکل $R'(t)$ استفاده می کنیم.

برای حالت (الف) داریم: $R'(t) = \frac{1}{40}$, $0 < t < 20$
برای حالت (ب) دو شکل مجزا داریم که هر کدام در دامنه مربوطه برقرار می باشند:

$$R'(t) = \begin{cases} 0.005t, & 0 < t \leq 10 \\ 0.1 - 0.005t, & 10 < t \leq 20 \end{cases}$$

توجه کنید که هر دو فرمول برای $t=10$ یک مقدار می دهند. (در غیر این صورت تابع پیوسته نبود) برای حالت (پ) سه قسمت مجزا داریم که هر کدام در دامنه های مربوطه برای مقادیر مختلف t

$$R'(t) = \begin{cases} 0.1389t, & 0 < t \leq 2 \\ 0.2778t, & 2 < t \leq 18 \\ 0.278 - 0.01389t, & 18 < t \leq 20 \end{cases}$$

دریای کاسپی



علیرضا کشور دوست ، افشین پرتو

همکاران ارجمند ، دبیران محترم جغرافیای سراسر کشور

چنانکه اطلاع دارید تاکنون ، نام دریاچه شمالی ایران ، در کتابهای درسی جغرافیا ، معمولاً با دو نام - خزر - و - مازندران - ذکر می شد ، مگر در مواردی که بر یکی از این دو اسم نقطه نظر خاصی متصور بوده باشد . اما در سال تحصیلی ۷۳ - ۷۲ بنا بر مقتضیاتی کلیه اسامی دو گانه به دریای مازندران تبدیل شد . در این ارتباط دو تن از همکاران محترم ما ، از استان گیلان ، برادران علیرضا کشور دوست و افشین پرتو تحقیقی انجام داده و برای ما فرستاده اند که جهت اطلاع عیناً در زیر درج می شود . خواهشمند است نظرات و پیشنهادهای خود را در این مورد برای ما بفرستید . با تشکر

با دل نیستن به بازمانده های اساطیری ، اگر از آن گاه که تاریخ آریایی ایران می آغازد در جستجوی نام های گذاشته شده بر این دریا برآیم پس از پژوهشی نه چندان سترگ درمی یابیم که نام این دریا پیش از توانایی آریاییان در ایران «دریای کاسپی» بوده است . تاریخنگاران یونانی به هنگام یاد کردن از رویدادهای آن زمان این دریا را «کاسپین» Caspium می نامند و در آثار برجسامانده و سنگ نیسته های مانده از دوران هخامنشی از این دریا با نام Hyrcanium یاد شده است . با

دریایی که تا دیروز میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی و امروز میان ایران و جمهوری آذربایجان و روسیه و قزاقستان و ترکمنستان واقع است در طول تاریخ نام های مختلفی به خود گرفته است . از دریای گیلان ، مازندران ، گرگان ، هیرکانیا ، آبسکون تا دریای قراقوروم ، قزاقیه ، خزر و بالاخره کاسپین . دلیل چندگونگی نام این دریا ، بودن سرزمین هایی چندگانه و مردمی با نژادها و زبان ها و فرهنگ های مختلف در پیرامون آن است .

پایانیابی دوران هخامنشی و آغاز دوران چیرگی اسکندر و در پی او سلوکی‌ها بر ایران، نام دریای هیرکانی Hyrcanian وارد متون نگاشته شده به زبان یونانی آن عصر شد و در آثار تاریخنگاران آن عصر می‌توان به هر دو نام دریای هیرکانی و دریای کاسپین برخورد. با کوتاه شدن دست بیگانگان یونانی از ایران و توانیابی دگرباره ایرانی‌ها و تشکیل امپراتوری اشکانی نام «وهرکانه» جانشین نام هیرکانی می‌گردد، چه اینکه در آن عصر پهنه گرگان امروز به این نام معروف بود. در متون رومی و یونانی و ارمنی و قفقازی و آبخازی و سورستانی آن دوره این دریا «کاسپین» نام دارد. با پایانیابی دوره طولانی اشکانی و آغاز دوران سلطنت ساسانیان این دریا در متون پارسی میانه «پهلوی» و رکنانه نام می‌گیرد. این نام عیناً وارد متون قفقازی و ارمنی شده و در زبانهای رومی (لاتین)، گرجی و سورستانی و حتی ترکی نام «کاسپین» به کار گرفته می‌شد.

با آغاز دوران تاریخ اسلامی ایران از این دریا در متون عربی «بحر جرجان» و «بحر قزوین» نام برده شد و در متون کم‌شمار پارسی در آن دوره از این دریا با نام «دریای گرگان» یاد شده است. در متون بازمانده از سه قرن نخست اسلامی به زبانهای ارمنی و گرجی و لاتین و حتی هندی نام این دریا «کاسپین» است و شگفت اینکه به گمان، نخستین یاد از این دریا با نام «خزر» در متنی چینی و در پی آن در متون بازمانده به لهجه‌های گوناگون زبان ترکی رایج در آسیای میانه دیده شده است.

نخستین سند تاریخی که در آن از این دریا با نام خزر یاد شده سفرنامه «تی هسوان کای» سیاح ختنی است و پس از آن تجارت‌نامه‌ای میان آلان‌ها و آبخازی‌ها. از آن پس است که کم‌کم این نام در متون نگاشته شده به زبان مردم شمال و شمال غربی این دریا بیشتر دیده می‌شود در حالی‌که همزمان با همگانی شدن این نام در آن سوی دریا در متون بازمانده به زبان طبری و در چند متن به زبان ارمنی و حتی عربی به نام «دریای گیلان» یا «بحر جیلان» برمی‌خوریم.

با آغاز دوران چیرگی ترک‌ها بر ایران، کاهش قدرت خاندان‌های ایرانی و کوتاه شدن دست دستگاه خلافت از ایران نام «خزر» میدان گسترده‌ای برای تاخت و تاز یافت و از آنجاست که در متون بازمانده از عصر سلجوقی بر آن دریا نام خزر اطلاق گشته است. همپای تلاش ترک‌ها و سرسپاران به دربار آنها برای خزر نامیدن این دریا به ظاهر در ادبیات مقاومت آن زمان نام «دریای مازندران» را می‌بینیم.

از آغاز عصر اسلامی تا دوره چیرگی مغولان بر ایران این دریا در متون لاتین «دریای کاسپی» Caspi نامیده می‌شود.

در عصر تیموریان این دریا در برخی از متون «دریای آبسکون» نام می‌گیرد و در پی آنان صفویان می‌کوشند تا در راه پیاده کردن سیاست‌های بازدارنده از نفوذ ساکنان قفقاز شمالی و باشندگان کناره

شرقی این دریا نام «مازندران» را به راستی به کار گیرند و از آنروست که این نام در متون فارسی برای دوره‌ای طولانی بالغ بر دو قرن به کار برده می‌شود.

با پایان عصر صفوی و آغاز دوران افشار و در پی آن دوران زند و دلمشغولی آنان به شرق و جنوب ایران دگرباره نام «خزر» به میان می‌آید و در دوره قاجار و سرگذشتگی‌های سیاسی حاکم بر آن، نام «خزر» کاملاً جا می‌افتد.

با آغاز عصر پهلوی، رضاخان در جستجوی نام‌های ایرانی برای نهادن بر پاره‌های گوناگون ایران، این دریا دگرباره «مازندران» نام گرفت و شگفت اینکه امروزه در نقشه‌های جغرافیایی مستشره مجدداً رجعتی صورت گرفته و متأسفانه بار دگر نام «خزر» بر آن دیده می‌شود.

خزرها قومی ترک نژادند که در قرن پنجم میلادی همپای اقوام آواره و جستجوگر ترک برای یافتن راهی به سوی غرب، شمال این دریا را پیموده و در اوایل قرن ششم میلادی در گوشه شمال غربی این دریا باراندختند و از فروپاشی قدرت امپراتوری ساسانی و ناتوانی عربهای مسلمان در دست اندازی به قفقاز شمالی سود جسته و بر گستره زیر فرمان خود افزوده و توانستند خود را به رود کورا برسانند.

خزرها از نابسامانی حاکم بر قفقاز در دو قرن نخست اسلامی بهره جسته و گاه تا حوالی ارس پیش آمدند ولی کم‌کم از قدرتشان کاسته شده و در پایان قرن چهارم هجری (۱۰ میلادی) از دایره قدرت خارج شده و کم‌کم به صورت قومی کوچک درآمدند و امروزه شماری از آنان در جمهوری چچن در روسیه و شماری در شمال شرقی دریای سیاه و در محدوده گرجستان زندگی می‌کنند.

خزرها قومی بی تمدن بودند و هیچگاه نتوانستند جایی در مراتب تمدن بشر به دست آورند و بودن نامشان بردریایی که ایران طولانی‌ترین ساحل را امروزه در کنار آن دارد درست به نظر نمی‌رسد، به ویژه آنکه خزرها بیشتر به دین یهود گرویده و امروزه پیرو آن دین هستند و به نوشته آرتورکوستلر در کتاب خزران امروزه آرم مورد استفاده صهیونیسم به نام ستاره داود برگرفته از نشانه‌های آنهاست و چندی است که در میان شعارهای صهیونیست‌ها به جای «از نیل تا فرات» شعار «از نیل تا خزر» به گوش می‌رسد.

از دیگر سو با توجه به رویاهای بلند پروازانه عثمانی‌ها در سده‌های پیشین و ترکیه در دنیای امروز برای پیاده کردن سیاست هفت دریا - که براساس آن امپراتوری ترک باید سرزمینهایی را در خود داشته باشد که هفت دریای آرال، خزر، اورمییه، وان، سیاه، مرمره، و اژه در درون آن باشند - و تلاش آن برای چیرگی بر قفقاز نمی‌توان پذیرفت که نام مورد پذیرش آنان بر این دریا باشد.

چرا نام «کاسپی» یا «کاسپین» را که همه دنیا به کار برنده آنند مورد

توجه نیست؟ به ویژه آنکه این نام واژه‌ای بیگانه نیست.

«کاسپی» برگرفته از نام قوم «کاس» است. کاس‌ها بومیان ساکن سرزمین میان رود کورا در قفقاز و شیروود در تنکابن امروز بودند و امروزه بازماندگان‌شان در این پهنه زندگی می‌کنند و بسیاری از نام‌های آبادی‌های این منطقه برگرفته از نام آنان است. کاس‌ها بر دو گروه می‌شدند، کاس‌سی‌ها یا کاس‌های ساکن کوهستان که نامشان بر قفقاز Caucasus به معنی «کوه کاس» مانده و کاس‌پی‌ها یا کاس‌های ساکن جلگه. امروزه «پی» دنباله نام این گروه دوم در زبان گیلکی به صورت «بیه» مانده و از آروست که روزگاری گیلان به دو بخش بیه پیش و بیه پس تقسیم می‌شد. «بیه» و «پی» به معنی آب هستند و کاس‌پی یعنی (کاس کنار آب نشین). پس «کاسپین» نامی بیگانه و غربی نیست و نامی است بومی و به معنی (سرزمین کاس‌های کنار آب نشین) چه اینکه پسوند ian در پی caspi بازمانده یونانی به معنی سرزمین و همپای land است. این پسوند در زبان دیلمی قدیم معنایی مشابه دارد و به معنی «پشته» و «کوهپایه» به کار می‌رود. پس Caspium به معنی پشته یا کوهپایه محل زندگی کاس‌های کنار آب نشین است.

کاس‌ها بنا بر اطلاعات موجود پیش از ورود آریایی‌ها به ایران یعنی حدود ۳۵۰۰ سال پیش در این منطقه می‌زیسته‌اند و گاه قدرتی فراوان یافته و بر پهنه‌های گسترده از شمال غربی و غرب ایران چیره شدند و تا میانه دوره اشکانی یعنی مقارن آغاز سال‌های میلادی در این منطقه می‌زیسته‌اند و امروزه بازماندگان‌شان در پهنه‌ای گسترده از میانه استان مازندران امروز تا نزدیک شبه جزیره آبشوران که باکو در آن واقع است پراکنده‌اند. پس کاس‌ها از دیرین‌ترین سال‌ها در تاریخ منطقه حاضر بوده، ایرانی، بومی و ناوابسته به بیگانه بوده‌اند و هیچگاه ابزار تبلیغات بیگانه نبوده‌اند.

آیا بهتر نیست به جای نام «خزر» از نام کاسپی‌ها برای نامیدن این دریا بهره‌جوییم؟ آیا بهتر نیست با گزینش این نام هم به دنیا بفهمانیم که نام این دریا ایرانی است و هم مانع از نامیده شدن این دریا به نام قومی بیگانه شویم؟

روسیه سال‌ها بر این اندیشه بوده که دریای کاسپی را دریاچه‌ای داخلی برای روسیه به شمار آورد و هزاران سند تاریخی نمایشگر تلاش سیاست‌بازان روس برای دستیابی به این هدف شوم است. از پتر تا الکساندر و تا جان‌شینان دگراندیش آنان بر پایه رهاسازی خلق‌ها و سر به فرمانی خلق‌ها از سیاست دیکته شده از مسکو.

امروزه با آنکه شاهد فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تشکیل جمهوری‌های نه‌چندان پایدار پدید آمده از آن فروپاشی هستیم شاهد پدیدآیی اندیشه افراطی ملی‌گرایانه روسی در قالب ذهنیات «ژیرینوفسکی» یهودی نیز هستیم. ژیرینوفسکی بر آن باور است که دگرباره امپراتوری روسیه را برپا دارد و در راه به ثمر رساندن

دریای کاسپی



هدف‌های بازمانده از آن زمان برگستره زیر فرمان مسکو بیفزاید. او بر آن اندیشه است راهی نوین بر دستیابی به دریاهای آزاد بیابد و در آن میان به خلیج فارس و شگفت آنکه چند بار در سخنهایش از آرزوهای خود برای چیرگی بر پیرامون دریای کاسپی یاد کرده است.

حال با توجه به آرزوهای شوم ملی‌گرایان افراطی روس و خواسته‌های تفرآلوده صهیونیسم آیا پست‌نیده نیست که نام تاریخی «کاسپی» بر این دریا نهاده شود تا ضمن تکیه بر گذشته تاریخی پرشکوه این دریا از برانگیختن افکار مسموم روس‌های افراطی و صهیونیست‌های هرزه‌گو جلوگیری شود و نامی بر این دریا نهاده شود که همه جهان پذیرایش باشند.

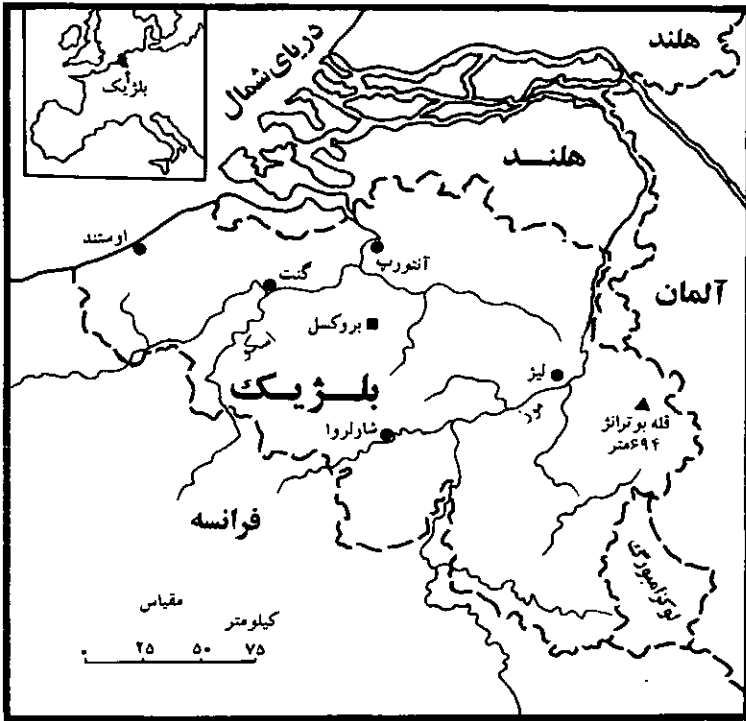
قصه از بیان آنچه که آمد تکیه بر احساسات کور و پست شونویستی نیست بلکه اثبات حق مردمی است که سال‌ها و قرن‌ها و هزاره‌هاست که در منطقه‌ای می‌زیند و بایسته است که دریایی را که با آنان زیسته، بر زمین آنان کوفته و ابرهای پربارانش بر زمین آنان باریده با نام آنان عجین گردد.

کاس‌ها از نظر طول سواحل این دریا در طول تاریخ بیشترین اندازه را در اختیار داشته‌اند و این حق را دارند که دریا به نام آنان باشد.

منابع:

- ۱- خزران، آرتور کوستلر
- ۲- شناخت دریای خزر و پیرامون آن - محمود کمال زاده
- ۳- دایرة المعارف فارسی - دکتر غلامحسین مصاحب
- ۴- لغت نامه دهخدا - علی اکبر دهخدا
- ۵- فرهنگ معین - دکتر محمدمعین
- ۶- دایرة المعارف بزرگ اسلامی
- ۷- دایرة المعارف بریتانیکا
- ۸- اطلس جغرافیایی جهان
- ۹- اطلس تاریخی جهان

آشنایی اجمالی با کشورهای جهان



بلژیک [B]

نام رسمی: پادشاهی بلژیک

نام بین‌المللی: بلجیم (بلجم) BELGIUM

نام محلی: بلژیکی BELGIË ، بلژیک BELGIQUE

بلجین BELGIEN

سعید بختیاری سازمان گیتاشناسی

بلژیک می‌باشند که قسمت اعظم آنها در فرانسه و هلند جریان دارند. آب و هوا: آب و هوای این کشور معتدل، مرطوب و پرباران است و تحت تأثیر آب و هوای دریای شمال و جریان دریای گلف استریم دارای زمستانهای ملایم و تابستانهای خنک می‌باشد، میزان ریزش باران سالانه نیز ۸۲۵ میلیمتر است.

جمعیت: میزان جمعیت بلژیک در سال ۱۹۹۳ در حدود ۱۰،۷۲۰،۰۰۰ نفر، و تراکم جمعیت آن نیز ۳۳۰ نفر در کیلومتر مربع بوده است. ۹۶/۶٪ مردم کشور ساکن شهرها و ۳/۴٪ ساکن روستاها می‌باشند. از لحاظ توزیع سنی ۱/۱۸٪ افراد زیر ۱۵ سال، ۲۱/۸٪ بین ۱۵ تا ۲۹ سال، ۲۲/۵٪ از ۳۰ تا ۴۴ سال، ۱۶/۹٪ از ۴۵ تا ۵۹ سال، ۱۴/۱٪ از ۶۰ تا ۷۴ سال و ۶/۶٪ را افراد بالای ۷۵ سال در بر می‌گیرند. عمر متوسط زنان ۷۹/۱ سال و مردان ۷۲/۴ سال می‌باشد.

کشور بلژیک با ۳،۵۱۹ کیلومتر مربع وسعت، در نیمکره شمالی، نیمکره شرقی و در شمال غربی قاره اروپا، در کنار دریای شمال واقع شده و با کشورهای هلند در ناحیه شمال، آلمان در شرق، لوکزامبورگ در جنوب شرقی و فرانسه در جنوب و غرب دارای مرز مشترک می‌باشد.

کشور بلژیک عمدتاً هموار و کم‌ارتفاع بوده و جلگه‌ها بیش از نیمی از این سرزمین را در بر می‌گیرند و ناحیه نسبتاً مرتفع آن فلات آردن است که در جنوب بلژیک واقع است. جنگلهای بلژیک پهنه نسبتاً وسیعی را دربر گرفته و بیشتر در ناحیه جنوب قرار دارند، مهمترین رودخانه‌های کشور، موز و اسکو (سکلت) است که بلژیک را به ۳ بخش تقسیم می‌نماید.

بلندترین نقطه آن قله بوتراژ با ۶۹۴ متر ارتفاع است و رودهای موز با ۹۴۹ کیلومتر و اسکو با ۴۳۵ کیلومتر طولترین رودهای کشور

تولد و مرگ و میر: میزان تولد براساس آمار سال ۱۹۹۲، ۱۱/۵ در هر هزار نفر و میزان مرگ و میر ۱۰/۶ در هر هزار نفر و رشد سالانه جمعیت ۰/۰۹٪ بوده و زمان دو برابر شدن جمعیت در بلژیک متجاوز از صد سال می باشد.

ترکیب نژادی: در سال ۱۹۹۱، ۹۱٪ مردم آن بلژیکی، ۲/۴٪ ایتالیایی، ۱/۴٪ مراکشی، ۰/۹٪ فرانسوی، ۰/۸٪ ترک، ۰/۶٪ هلندی و ۲/۹٪ نیز به سایر نژادها اختصاص دارد. حدود ۶۰٪ بلژیکی ها فلامان (هلندی زبان) و ۳۹٪ نیز والون (فرانسوی زبان) می باشند.

مذهب و زبان: ۹۰٪ جمعیت بلژیک شامل پیروان کاتولیک رومی، ۱/۱٪ مسلمان، ۰/۴٪ پروتستان و ۷/۵٪ بدون مذهب و ۱٪ شامل سایر ادیان می باشند.

زبانهای رایج در بلژیک هلندی، فرانسوی و آلمانی و خط رایج آن لاتین می باشد.

پایتخت: شهر بروکسل با ۴۲۴،۱۳۶ نفر جمعیت پایتخت کشور بلژیک است و مهمترین شهرهای آن عبارتند از: آنتورپ با ۴۶۵،۷۸۳ نفر کنت با ۲۳۲،۲۳۰ نفر، شارلروا با ۲۰۶،۹۰۳ نفر و لیژ با ۱۹۶،۳۰۳ نفر جمعیت می باشند.

نوع حکومت: نوع حکومت بلژیک سلطنتی مشروطه با ۲ مجلس قانونگذاری می باشد. قدرت قانونگذاری در اختیار شاه، سنا و مجلس نمایندگان بوده و فرامین پادشاه تنها با امضاء یکی از وزرا دارای اعتبار می باشد. رئیس کشور شاه آلبرت دوم و رئیس دولت ژان لوک دهنه می باشد.

قانون اساسی: قانون اساسی موجود در سال ۱۸۳۱ تدوین گشته و در سال ۱۹۷۰ اصلاحاتی در آن افزوده گردیده است. کشور بلژیک به ۳ منطقه فدرال (بروکسل، فلاندرها و والونها) تقسیم شده که مناطق فدرال فلاندرها و والونها هر یک دارای ۵ استان می باشند.

فعالیت احزاب: فعالیت احزاب در بلژیک آزاد است و احزاب مهم آن عبارتند از: حزب سوسیال مسیحی، حزب سوسیالیست، حزب لیبرال و حزب اتحاد مردم.

کشور بلژیک در سال ۱۸۳۰ از هلند مستقل گردیده و روز ملی آن ۲۱ ژوئیه می باشد. این کشور از اعضای اتحادیه اروپاست و در سال ۱۹۴۵ به عضویت سازمان ملل متحد درآمده و علاوه بر آن در سازمانهای زیادی نیز عضویت دارد که مهمترین آنها عبارتند از: سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (FAO)، موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT)، آژانس بین المللی انرژی اتمی

(IAEA)، بانک بین المللی ترمیم و توسعه بانک جهانی (IBRD)، سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری (ICAO)، انجمن بین المللی توسعه (IDA)، بنگاه مالی بین المللی (IFC)، سازمان بین المللی کار (ILO)، صندوق بین المللی پول (IMF)، اتحادیه بین المللی مخابرات راه دور (ITU)، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (NATO)، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)، سازمان آموزشی علمی و فرهنگی ملل متحد (UNESCO)، اتحادیه جهانی پست (UPU)، سازمان جهانی هواشناسی (WMO)، سازمان جهانی بهداشت (WHO)، سازمان جهانی مالکیت معنوی (WIPO)، و کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (UNCTAD).

صنایع: از مهمترین صنایع کشور بلژیک می توان فولاد و ذوب فلزات، نساجی، الکتریکی، تراش الماس، صنایع شیمیایی، شیشه و اتومبیل را نام برد.

کشاورزی و دامپروری: مهمترین محصولات کشاورزی بلژیک (۱۹۹۲) عبارتند از: چغندر قند ۶،۲۰۰،۰۰۰ تن، سیب زمینی ۱،۸۰۰،۰۰۰ تن، گندم ۱،۴۸۰،۰۰۰ تن، جو ۵۵۱،۰۰۰ تن، سیب ۵۰۲،۰۰۰ تن، گوجه فرنگی ۳۲۰،۰۰۰ تن، ذرت ۸۶،۰۰۰ تن و جودوسر ۵۲،۰۰۰ تن.

تعداد دامهای موجود زنده در سال ۱۹۹۲ بدین شرح بوده است: گاو ۳/۳۱ میلیون رأس، خوک ۶/۵۶ میلیون رأس و گوسفند ۱۴۰ هزار رأس. صید ماهی در بلژیک طی سال ۱۹۹۱ برابر با ۴۰،۲۲۶ تن بوده است.

انرژی: کشور بلژیک در سال ۱۹۹۰ در حدود ۷۰ میلیارد کیلووات ساعت الکتریسته، ۱۱/۳ میلیون تن فولاد خام، ۲،۳۵۷،۰۰۰ تن زغال سنگ، ۲۳،۶۷۱،۰۰۰ تن فرآورده های نفتی و ۱۴،۱۴۲،۰۰۰ متر مکعب گاز طبیعی تولید کرده است.

معادن: تولیدات معادن عمده بلژیک عبارتند از: سنگ کوارتز (۲۲۳،۰۰۰ تن)، باریت (۳۵،۰۰۰ تن) و سنگ مرمر (۴۸۱ متر مکعب).

نیروی کار: در سال ۱۹۹۰ کل تعداد افراد شاغل ۴،۱۷۹،۲۰۰ نفر یعنی کلاً ۴۱/۹٪ جمعیت نیروی فعال اقتصادی بوده است که ۴۱/۶٪ را بانوان تشکیل می دادند، میزان بیکاری ۸/۷٪ بوده است.

ارتش: تعداد افراد ثابت ارتش در سال ۱۹۹۲ بالغ بر ۸۰،۷۰۰ نفر بوده که از این تعداد ۷۳/۱٪ را نیروی زمینی، ۵/۵٪ را نیروی دریایی و ۲۱/۴٪ را نیروی هوایی در استخدام دارد. هزینه ارتش ۲/۵٪ تولید ناخالص ملی می باشد که سرانه ۳۹۲ دلار امریکا

می باشد.

واحد پول: واحد پول این کشور فرانک بلژیک است که معادل ۱۰۰ سانتیم می باشد، در مارس سال ۱۹۹۴ هر دلار آمریکا برابر با ۳۵/۴۱ فرانک بلژیک و هر لیبره استرلینگ معادل ۵۲/۷۷ فرانک بلژیک بوده است.

میزان تولید ناخالص ملی: در سال ۱۹۹۱ معادل ۱۹۲/۳۷ میلیارد دلار آمریکا و سرانه آن ۱۹،۳۰۰ دلار بوده است، درآمد بودجه ملی در سال (۱۹۹۱) حدود ۱،۸۹۸ میلیارد فرانک بلژیک بوده و هزینه های بودجه نیز حدود ۲،۳۲۲ میلیارد فرانک بلژیک بوده است، میزان بدهی های این کشور در سال ۱۹۹۰ معادل ۲۳۳/۱۸ میلیارد دلار آمریکا بوده است.

واردات: این کشور در سال ۱۹۹۲ حدود ۴،۰۲۴ میلیارد فرانک بلژیک کالا وارد نموده که شامل ماشین آلات ۱۷٪، وسایل نقلیه ۱۳٪، مواد شیمیایی ۹٪ و فرآورده های معدنی ۹٪ بوده که عمدتاً از کشورهای آلمان ۲۳٪، فرانسه ۱۹٪، هلند ۱۴٪، انگلستان ۸٪، ایتالیا ۶٪ و آمریکا ۴٪ وارد شده است.

صادرات: بلژیک در سال ۱۹۹۲ حدود ۳،۹۶۸ میلیارد فرانک بلژیک بوده که شامل ماشین آلات و وسایل نقلیه ۱۶٪، تولیدات فلزی ۱۲٪، ماشین آلات ۱۱٪ و مواد شیمیایی ۱۱٪ بوده که عمدتاً به کشورهای آلمان ۲۴٪، هلند ۱۶٪، فرانسه ۱۶٪، انگلستان ۸٪، ایتالیا ۵٪ و آمریکا ۴/۹٪ صادر شده است.

حمل و نقل: خطوط آهن بلژیک در سال ۱۹۹۱ بالغ بر ۳،۴۷۹

کیلومتر و طول راه های مورد استفاده در سال (۱۹۹۰) ۱۳۷،۸۷۶ کیلومتر بوده است، در سال ۱۹۹۱ این کشور دارای ۳،۹۷۰،۳۱۷ دستگاه اتومبیل سواری، ۴۵۲،۴۵۶ دستگاه کامیون و اتوبوس بوده است. بلژیک در سال ۱۹۹۳ دارای ۳ فرودگاه با پروازهای زمان بندی شده بوده است.

جهانگردی: در سال ۱۹۹۱ از طریق جهانگردی حدود ۳/۴۷ میلیارد دلار آمریکا عاید این کشور شده و شهروندان بلژیکی نیز ۵/۵۴ میلیارد دلار در کشورهای دیگر هزینه کرده اند.

ارتباطات: در سال ۱۹۹۱ در این کشور تعداد ۴،۵۲۰،۵۹۰ گیرنده رادیویی (۱ دستگاه برای هر ۲/۲ نفر) و در سال ۱۹۹۲ تعداد ۴،۲۰۰،۰۰۰ گیرنده تلویزیونی (۱ دستگاه برای هر ۲/۴ نفر) وجود داشته و در سال ۱۹۹۰ همچنین ۵،۴۲۸،۹۰۰ دستگاه تلفن (۱ خط برای هر ۱/۸ نفر) مورد استفاده بوده است. بطور متوسط ۷۶ نشریه روزانه منتشر می شود که تیراژ ۴۰ روزنامه آن بالغ بر ۳/۶ میلیون نسخه (۳۶۱ روزنامه برای هر ۱۰۰۰ نفر) است (۱۹۹۱).

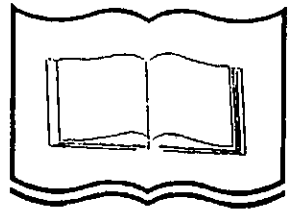
بهداشت: تعداد پزشکان در سال ۱۹۹۰ بالغ بر ۳۳،۴۴۲ نفر (یک پزشک برای هر ۲۹۸ نفر) و در سال (۱۹۸۹) ۹۶،۶۹۳ تخت بیمارستانی (یک تخت برای هر ۱۰۳ نفر) وجود داشته است.

آموزش: در سال ۱۹۹۱ تقریباً ۱۰۰٪ مردم با سواد بوده اند، جدول زیر فهرست خلاصه ای از مقاطع تحصیلی بلژیک را در سال ۹۱ - ۹۰ نشان می دهد.

تعداد شاگردان	تعداد معلمان	تعداد مدارس	مقطع تحصیلی
۷۴۴،۸۸۲	۷۱،۰۶۴	۴۵۸۴	ابتدایی (۱۲ - ۶ سال)
۷۹۳،۵۹۹	۱۱۴،۶۲۸	۲۰۵۵	متوسطه (۱۲ - ۱۸ سال)
۱۳۷،۱۷۵	۱۴،۵۴۸	۳۹۷	آموزش حرفه ای و تربیت معلم
۱۱۱،۸۴۵	۱۰،۵۱۷	۲۱	آموزش عالی

میزان کالری معادل ۱۴۹٪ حداقل نیاز هر فرد است که توسط سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (FAO) توصیه شده است.

سرانه کالری مصرفی: مواد غذایی مصرفی هر نفر در طی سالهای ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۰ بطور متوسط دارای ۳۹۲۵ کالری انرژی بوده که ۶۰٪ آن از مواد نباتی و ۴۰٪ از فرآورده های حیوانی بدست آمده است. این



مروری بر مجلات و کتب جغرافیایی خارجی

حسین حاتمی نژاد
دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

اول سال ۱۹۹۴ منتشر شده است. مقالات مندرج در این شماره عمدتاً پیرامون مبحث اکولوژی (بوم شناسی) و محیط متمرکز شده است:
- مقدمه ای بر موضوع مورد بحث. نگارش: Meng Guang - Wen ص ۷

لازم به ذکر است که نگارنده عضو هیأت علمی دانشگاه نرمان تیانجین جمهوری خلق چین می باشد.
- چشم انداز بهره برداری از مکانهای حاشیه ای در نواحی مرطوب مداری.

نگارش: H.W.Scharpenseel و همکاران ص ۱۱
- جنگل زدایی و تغییر سطح زمین در مناطق دور از ساحل در نیامی (نیجر).

نگارش: H.J.Späth ص ۲۷
- ارزیابی تخریب محیطی در برزیل. نگارش: Robert Dilger و همکاران ص ۵۳

- درختان آبرزی به مثابه شاخص های زیستی برای تشخیص آلودگی منابع آب در منطقه نیمه خشک مراکش. نگارش: Marco Mirkes ص ۶۴

- اثر گلخانه ای و تأثیر آن بر زیست کره. نگارش: W.Kirstein ص ۸۷

- کتابشناسی مآخذ تکمیلی و اصلی در مورد اکولوژی و محیط ص ۹۶

- خاک و بهره برداری از زمین در گولمالاند (جنوب شرقی بورکینافاسو)

Applied Geography and Development (42) 1993

چهل و دومین شماره نشریه «جغرافیای کاربردی و توسعه» که خصوصیات کلی آن در صفحه ۶۳ مجله شماره ۳۵ به چاپ رسیده است در نیمه دوم سال ۱۹۹۳ میلادی منتشر شده است. در این شماره عناوین زیر به چشم می خورد:

- برنامه ریزی توسعه ناحیه ای در حواشی کوههای آند آمریکای لاتین. مثال ها از بلیوی، کلمبیا و پرو. نگارش: K.Gierbake ص ۷

- کاربرد ماهواره های کوچک در جنگ علیه آفت ها (ملخ ...).

نگارش: F.Voss و همکاران ص ۲۵

- روند توسعه در نواحی مرتفع کوهستانی شبه قاره هند. نگارش:

K.Kreuzmann ص ۳۹

- استفاده بهینه از چشم اندازهای کشاورزی. نگارش:

W.Assfalg و R.Werner ص ۶۰

- دورنمای تحقیقات جغرافیایی درباره بحران غذا. نگارش:

H.G.Boble و F.Krüger ص ۹۸

- یادداشت سردبیر ص ۱۱۰

Applied Geography and Development (43) 1994

Focus: Ecology / Environment

چهل و سومین شماره نشریه جغرافیای کاربردی و توسعه در نیمه -

نگارش: Arnor Semmel ص ۱۰۵

Onchocer ciasis- در چپاپاس مکزیکو. نگارش:

M. Vachon ص ۱۴۱

- آلودگی ذخایر آبهای زیرزمینی از طریق چشمه های دریایی، نمونه

مورد مطالعه:

- خسارات ناشی از سیل در محصول برنج بنگلادش. نگارش:

B.K.Paul ص ۱۵۰

چاه عین زیانه دربنغازی (لیبی).

- هندسه الکترونیکی. نگارش: S.L.Arlinghouse ص ۱۶۰

نگارش: Ernst H. Doeringhaus ص ۱۱۹

- بخارست. نگارش: D.Danta ص ۱۷۰

- یادداشت سردبیر ص ۱۳۱

- جان. کی. رایت و ماهیت انسان در جغرافیا. نگارش:

M.Handley ص ۱۸۳

- توزیع غذاهای آمریکایی در جنوب شرقی اروپا. نگارش:

Jean Andrews ص ۱۹۴

- نقد و بررسی سیزده مقاله و کتاب. صص ۲۰۵-۲۲۶

The Geographical Review (Vol 83 - No 1) 1993

نخستین شماره از جلد هشتماد و سوم « مجله جغرافیایی »
جشاگرافیکال ریویو که مشخصات کلی آن در مجله شماره ۳۵ در
صفحه ۶۴ درج شده در ژانویه ۱۹۹۳ منتشر شده و شامل مقالاتی
تحت عنوان زیر است:

- نابرابری فضایی در ساندینیستای نیکاراگوئه. نگارش:

D.L.Wall ص ۱

- روند سریع صنعتی شدن در تایلند (۱۹۹۱-۱۹۸۶). نگارش:

A.Hussey ص ۱۴

- مصرف ضایعات جامد در شانگهای. نگارش: R.M.Ward و

J.Li ص ۲۹

- خطرات هاریکن ها در ساموای غربی. نگارش: D.D.Paulson و

ص ۴۳

- ناحیه تجارت مرکزی (C.B.D) در دو شهر Laredos.

نگارش: J.R.Curtis ص ۵۴

- طب و جادوگری آفریقایی در آمریکای شمالی، مرکزی و

جنوبی. نگارش: R. Voeks ص ۶۶

- کلکیس (Colchis) امروز ص ۷۹

- یادداشت ص ۸۴

- نقد و بررسی پانزده مقاله و کتاب صص ۱۱۶-۹۰

The Geographical Review (83 -3)1993

سومین شماره از مجله جغرافیایی از سوی انجمن جغرافیایی
آمریکا (A.G.S) در ژوئیه ۱۹۹۳ میلادی منتشر شده است. مهمترین
عناوین مندرجات این شماره به شرح زیر است:
مقالات:

- رود لیتانی لبنان. نگارش: حسین ا. عامری ص ۲۲۹

- عکسبرداری هوایی. شیب جانسون (Shippee-Johnson) از
پرو در سال ۱۹۳۱

نگارش: William M. Denevan ص ۲۳۸

- تغییراتی در چشم انداز تاکستانهای فرانسه. نگارش:
W.K.Crowley ص ۲۵۲

- جغرافیای فرهنگی و شرکتهای زمین دار در کلرادو و یوتا.

نگارش: J.B.Wright ص ۲۶۹

- سوانح طبیعی در پورتوریکو. نگارش: Risa Palm و همکار
ص ۲۸۰

- آشفتنگی اکولوژیک و توریسم طبیعت. نگارش: M. Seavage
ص ۲۹۰

- کشورهای جدید اروپایی و اقلیت‌هایشان. نگارش:
Chauncy D.Harris ص ۳۰۱

یادداشت‌های جغرافیایی

- مقدمه ص ۳۲۱

- نتایج فرانویین (پست مدرن). نگارش: M.Dear و همکار ص
۳۲۱

- توان مکان و فضا. نگارش: Robert D.sack ص ۳۲۶

- نقد و بررسی ۱۴ مقاله و کتاب جغرافیایی. صص ۳۳۰-۳۵۵

The Geographical Review (83 - 2) 1993

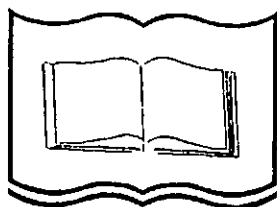
دومین شماره از جلد ۸۳ مجله جغرافیایی از سوی انجمن
جغرافیایی آمریکا (A.G.S) در آوریل ۱۹۹۳ میلادی منتشر شده و
دارای عناوین زیر است:
مقالات:

- آلودگی هوا در دره مکزیکو. نگارش: Charles O.Collins و

همکار ص ۱۱۹

- مدل توریسم شهری برای جزایر کوچک کارائیب. نگارش:

D.B.Weaver ص ۱۳۴



- نخستین شماره از جلد ۱۵۹ مجله جغرافیایی (Geographical Journal) که در صفحه ۶۴ مجله شماره ۳۵ مشخصات کلی آن ذکر شده در مارس ۱۹۹۳ منتشر شد. مهمترین مقالات مندرج در این شماره تحت عناوین زیر است:
- شهر گرایی در منطقه کارائیب و روندهای هم گرایی و واگرایی جهانی. نگارش: R.B.Potter ۱ ص
 - استفاده قابل تحمل از اراضی مرطوب. ارزیابی منافع اراضی مرطوب مداری: متدولوژیها و کاربردهای اقتصادی. نگارش: E.B.Barbier ۲۲ ص
 - میزان جنگل زدایی در نواحی مرطوب مداری: تخمین و سنجش. نگارش: A.Grainger ۳۳ ص
 - پرتوی نو بر روی نقشه بزرگ جهانی مرکاتور (۱۵۹۸). نگارش: Brian Hooker ۴۵ ص
 - مدرک تاریخی نوسانات سطح دریاچه پاتزکوآرو و مایکوآکان طی ۶۰۰ سال گذشته. نگارش: S.L.O.Hara ۵۱ ص
 - اثر عملیات متغیر بهره برداری از محصول کاساوا بر روی نابودی خاک. نمونه موردی: نیجریه. نگارش: F.O.Odemerho ۶۳ ص
 - تهیه نقشه ثبت اراضی از فلسطین (۱۹۲۸-۱۸۵۸) نگارش: D.Cavish و R.Kark ۷۰ ص
 - یک صد سال قبل ۸۱ ص
 - نقد و بررسی ۸۳ ص
 - اخبار انجمن ۱۱۰ ص
 - گزارش، آگهی، جلسات. صص ۱۱۹-۱۱۲

- تغییرات سطح دریا و تهدید طغیانهای ساحلی. نگارش: L.Shennan ۱۴۸ ص
- طغیان رودخانه ای در بریتانیای گرمتر. نگارش: K.Beven ۱۵۷ ص
- تعدیل خط ساحلی و مدیریت ساحلی: فرآیندهای طبیعی و زیست شناختی در شرایط بالا آمدن سریع سطح آب دریا. نگارش: John Pethick ۱۶۲ ص
- اکولوژی سیاسی برنامه ریزی و مدیریت ساحلی در انگلستان و ویلز. نگارش: E.M.Lee ۱۶۹ ص
- تغییرات اقلیمی و فرسایش خاک در بریتانیا. نگارش: J.Boardman و همکار ۱۷۹ ص
- ناپایداری دامنه ای در بریتانیای گرمتر. نگارش: D.K.C.Jones ۱۸۴ ص
- انقباض رُس موجب فرونشینی شده است. نگارش: J.C.Doornkamp ۱۹۶ ص
- اثر تغییر اقلیم بر تورب زارهای انگلستان. نگارش: A.L.Heathwaite ۲۰۳ ص
- استفاده سنتی از اراضی مرطوب و افزایش قابلیت نگهداری رطوبت خاک در آفریقای غربی. نگارش: W.M.Adams ۲۰۹ ص
- گونه های انسانی: نتایج مخرب. نگارش: C.Tickell ۲۱۹ ص
- پنجاه سال قبل، نقد و بررسی، اخبار انجمن، گزارش و جلسات صص ۲۵۷-۲۲۷

The Geographical Journal (159-3) 1993

- سومین و آخرین شماره از جلد ۱۵۹ مجله جغرافیایی در ماه نوامبر ۱۹۹۳ میلادی از سوی انجمن سلطنتی جغرافیایی انگلستان (R.G.S) منتشر شده است. عناوین مقالات مندرج در آن به قرار زیر است:
- دارتمور: الگوی سکونتگاههای ماقبل تاریخ. نگارش: D.G.Price ۲۶۱ ص
 - تبدیل بلند مدت: رهیافتی جدید به معدنکاری در استرالیا. نگارش: D.S.Houghton ۲۸۱ ص
 - تأثیر محیط و کشاورزی در پراکندگی سکونتگاههای ماقبل تاریخ در کیمینی راک مزای کلرادو (Chimney Rock Mesa)، نگارش F.W.Eddy و همکار ۲۹۱ ص

The Geographical Journal (159-2) 1993

- دومین شماره از جلد ۱۵۹ مجله جغرافیایی «جیاگرافیکال جورنال» در ژوئیه ۱۹۹۳ میلادی از سوی انجمن سلطنتی جغرافیایی انگلستان (R.G.S) منتشر شده و عمدتاً در خصوص مدیریت منابع سطحی زمین در شرایط بریتانیای گرمتر می باشد. مهمترین عناوین مندرجات این شماره به قرار زیر است:
- افزایش گرمای کره زمین و ژئومورفولوژی. نگارش: D.K.C.Jones ۱۲۴ ص
 - تغییرات اقلیمی آینده و کاربری اراضی در انگلستان. نگارش: M.Hulme و همکاران ۱۳۱ ص

- تجاوز جنسی و ترس در شهرهای نیوزیلند. نگارش: Eric Paw-son ص ۵۵
 - ژئوپولیتیک، مهارتها و ساخت سیاست خارجی. نگارش: K.Dodds ص ۷۰
 - فرآیند روابط اجتماعی و فضا در جغرافیای مذهب. نگارش: D.Wilson ص ۷۵
 - فضا و جغرافیای مذهب. نگارش: A.Cooper ص ۷۶
 - کسی که مناسب مقام و سمت خود نیست. نگارش: J.Barlow و همکاران ص ۷۸
 - نقد و بررسی پانزده کتاب صص ۹۴-۸۱
 - تذکری برای راهنمایی ارائه کنندگان مقاله ص ۹۵

Area (25- 2) June 1993

دومین شماره از فصلنامه «اریا» از سوی مؤسسه جغرافیدانان بریتانیا در ژوئن ۱۹۹۳ منتشر شده و اهم مقالات مندرج در آن به شرح زیر است:
 - دینامیک‌های غیرخطی و مآندره‌های رودخانه‌ای. نگارش: K.Montgomery ص ۹۷
 - جستجوی مایوسانه سوزان: جغرافیای دوستی‌های ناپایدار نگارش: Gill Valentine ص ۱۰۹
 - نتایج درجه‌بندی دز جغرافیا بین سالهای (۱۹۹۰-۱۹۷۳) دانشجویان، معلمان و استانداردها. نگارش: K.Chapman ص ۱۱۷
 - برخورد جدید شرق - غرب؟ ژاپن و انبوه سفارشهای جدید اداری. نگارش: G.Tuathail ص ۱۲۷
 - آفریقا و مطالعات توسعه، نگارش: George Kay ص ۱۳۷
 - وضعیت موجود محیط زیست مجارستان. نگارش: A.D.Reeves ص ۱۴۱
 - نقد و بررسی پانزده کتاب صص ۱۵۸-۱۴۵
 - کنفرانس‌های سالانه و تذکری برای راهنمایی ارائه کنندگان مقاله صص ۱۳۶-۱۵۹

Annals (83 - 1) 1993

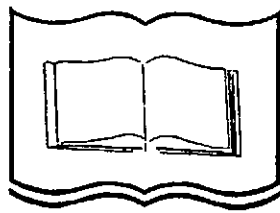
فصلنامه آنالز (وقایع سالانه) توسط انجمن جغرافیدانان آمریکا از سال ۱۹۱۱ تاکنون (۱۹۹۴) به طور مرتب در ماههای مارس، ژوئن، سپتامبر و دسامبر هر سال منتشر گردیده است و هزینه اشتراک

- تغییرات ایجاد شده بعد از نهشته گذاری رشته‌های ماسه‌ای خطی در غرب ناحیه کیمبرلی شمال غربی استرالیا. نگارش: A.S.Goudie و همکاران ص ۳۰۶
 - توفان ماسه در یک چاله بزرگ. شناخت بیابان زایی (بیابانی شدن). نگارش: D.S.Thomas ص ۲۱۸
 - پنجاه سال قبل، نقد و بررسی، اخبار انجمن، گزارش، آگهی، جلسات و فهرست ضمایم سالانه صص ۲۸۳-۲۳۶

Area 25.1 March 1993

فصلنامه جغرافیایی «اریا» از سوی مؤسسه جغرافیدانان بریتانیا (تأسیس ۱۹۳۳) سالانه در چهار نوبت منتشر می‌شود. هدف از انتشار آن تشویق بحث‌های آزاد و بی طرفانه، فنون و یافته‌های علمی است. این مجله از مقالات کوتاه و مفید در خصوص موضوعات مورد علاقه جغرافیدانان استقبال می‌کند. سردبیر آن دکتر اسپارکس Leigh Sparks عضو هیأت علمی دانشگاه استرلینگ اسکاتلند و دستیار وی F.Campbell - Smith می‌باشد. این مجله در کتابخانه مؤسسه جغرافیای دانشگاه تهران موجود است.
 شایان ذکر است که فصلنامه «اریا» برای اعضای مؤسسه جغرافیدانان بریتانیا (IBG) رایگان است. علاقه‌مندان محترم جهت اشتراک یا کسب هرگونه اطلاع بیشتر می‌توانند با آدرس زیر مکاتبه فرمایند:
 Alison Hind, Administrator, Institute of British Geographers, 1 Kensington Gore, London SW 7 2AR. U.K.
 نخستین شماره از جلد بیست و پنجم فصلنامه «اریا» در مارس ۱۹۹۳ میلادی منتشر شده و مهمترین عناوین مقالات مندرج در این شماره به شرح زیر است:
 - سرمقاله ص ۱-۳
 - حومه‌های ارزشمند از نظر توریسم. نگارش: Sh. J. Squire ص ۵
 - تمرکز حواس. نگارش: D.Pocock ص ۱۱
 - شرایط بعد از فارغ‌التحصیلی و راهنمای تربیتی آن توسط (ESRC)

نگارش: J.H.Mckendrick و همکار ص ۱۷
 - نقش شرکتهای کوچک در بازسازی محلی. نگارش: Peter Baker ص ۳۷
 - بزهکاری مجاورتی و مطالعه جرم در محل. نگارش: D.Herbert ص ۴۵



یادبود:

Clarence Fielden Jones (۱۹۹۱ - ۱۸۹۳). نگارش:

J.C.Hudson ص ۱۶۷

- نقد و بررسی پانزده مقاله و کتاب صص ۲۰۴-۱۷۳

Annals (83- 2) 1993

دومین شماره از فصلنامه «آنالز» از سوی انجمن جغرافیدانان آمریکا در نوامبر ۱۹۹۳ منتشر شده و اهم عناوین مندرج در این شماره به قرار زیر است:

مقالات:

- بازسازی ذهنی یک شهر صنعتی. نگارش: J.R.Short و

همکاران ص ۲۰۷

- گتوهای یقه زرد حومه‌ای: اغفال فضایی - مکانی زنان.

نگارش: K.England ص ۲۲۵

- مهاجرین یهودی و صنعت پوشاک در تورنتو (۱۹۳۱ - ۱۹۰۱):

تحقیقی قومی و در خصوص مناسبات طبقاتی. نگارش: Daniel

Hiebert ص ۲۴۳

- ارتباطات فردی و توسعه در ناحیه دلتای Zhujiang هنگ کنگ.

نگارش: Chi Kin Leung ص ۲۷۲

- تبدیل و اصلاح در اقتصاد شهرداری شانگهای: جغرافیای

سوسیالیستی در دست اصلاح.

نگارش: R.Hodder ص ۳۰۳

- اقتصاد رعیتی تجدید اسکان آوارگان در سودان شرقی. نگارش:

J.Bascom ص ۳۲۰

- اکولوژی سیاسی صادرات موز و تولید غذای محلی در

St. Vincent کارائیب شرقی.

نگارش: L.S.Grossman ص ۳۴۷

تفسیر:

- در مورد «منطق فضایی در دیرین نگاری و توضیح اشتقاق

قاره‌ای» نگارش:

دابسون (Dobson). تفسیر از C.Lan Jackson ص ۳۶۸ و

پاسخ از دابسون ص ۳۷۰

- نقد و بررسی هشت مقاله و کتاب صص ۳۸۵-۳۷۱

چهار شماره این فصلنامه در سال ۱۹۹۳ برای مؤسسات آمریکایی ۹۵ دلار، برای بقیه جهان ۱۱۰ دلار و برای افراد متفرقه آمریکا عملی نیست ولی برای بقیه متقاضیان در سایر نقاط جهان ۶۴/۵۰ دلار و بهای تک شماره آن برای مؤسسات آمریکایی ۲۷ دلار، بقیه جهان ۳۰/۵۰ دلار، برای افراد متفرقه در آمریکا ۲۷ دلار و برای بقیه جهان ۱۹/۵۰ دلار بوده است.

شایان ذکر است که فصلنامه «آنالز» به صورت میکروفیلم به ابعاد ۱۶×۱۰۵ میلیمتر تهیه شده و شماره سری استاندارد بین‌المللی آن 0004 - 5608 ISSN می‌باشد. علاقه‌مندان محترم جهت کسب اطلاع بیشتر می‌توانند با آدرس زیر مکاتبه نمایند:

Association of American Geographer, 1710 Sixteenth st. N.W.Washington DC. 20009- 3198, U.S.A.

دانش پژوهان گرامی می‌توانند این مجله را جهت مطالعه از کتابخانه مؤسسه جغرافیای دانشگاه تهران دریافت نمایند. نخستین شماره از جلد ۸۳ فصلنامه «آنالز» در مارس ۱۹۹۳ میلادی منتشر شده و شامل عناوین ذیل است:

مقالات:

- بازآفرینی جغرافیای فرهنگی. نگارش: M.Price و همکار

ص ۱

- جادوی تفرجگاه (Mall): تحلیلی از شکل، عملکرد و مفهوم در ساخت اقتصاد خرده فروشی معاصر.

نگارش: Jon Goss ص ۱۸

- جغرافیای قضاوت: دکترین شرایط تغییر یافته و ژئوپولیتیک

نژادی. نگارش: D.Delaney ص ۴۸

- جغرافیای مالکیت سهام مؤسسات در ایالات متحده آمریکا.

نگارش: M.B.Green ص ۶۶

- ایجاد فضای سبز در میدین لندن. تغییر چشم اندازهای شهری و

مطلوبیت‌ها.

نگارش: H.W.Lawrence ص ۹۰

- پرچین‌ها و حفاظ‌ها در دشتهای کانتربوری، نیوزیلند. تغییر

چشم اندازها

نگارش: L.W.Price ص ۱۱۹

- انتخاب دی اکسید سولفور (SO₂) و ازون (O₃) در ایجاد

مقاومت بروموس روبنس در طول بخش جنوبی سواحل مرکزی

کالیفرنیا. نگارش: K.P.Preston ص ۱۴۱

تفسیر:

- در مورد جبر جغرافیایی در مارکسیسم (Fin - de - Siecle):

گشورکی پلخانف و زیربنای محیطی تاریخ روسیه. نوشته Bassin.

بازآفرینی جغرافیای مارکسیستی نگارش: Richard Peet ص ۱۵۶

بررسی کتاب آقای A.J.Hunt است. این نشریه برای اعضای انجمن جغرافیایی انگلستان به صورت رایگان ارسال می گردد.

شایان ذکر است که دانش پژوهان گرامی می توانند این مجله را جهت مطالعه از کتابخانه مؤسسه جغرافیای دانشگاه تهران دریافت نمایند.

نخستین شماره از جلد ۷۸ این فصلنامه در ژانویه ۱۹۹۳ میلادی منتشر شده است. مهمترین عناوین مندرجات این شماره عبارتند از:
- سرمقاله: سال ۱۹۹۳ یکصدمین سال تشکیل انجمن جغرافیایی ... و امپراتوری جدید.

نگارش: Derek Spooner ص ۱

- تحول جمعیت اروپا. نگارش: Ray Hall ص ۳

- جامعه اروپا و اروپای مرکزی: دورنمای تجمیع. نگارش: R.Gibb و همکار ص ۱۶

- مصنوعات صادر شده به شرق و حمل و نقل کانتینری در آسیا.

نگارش: Christopher Airriess ص ۳۱

- ارزیابی انواع توزیع بره و هوای انگلستان. نگارش: G.O'Hare و همکار ص ۴۳

جهان در حال تحول

- رشد جمعیت ایتالیا به صفر می رسد. نگارش: R.King ص ۶۳

- یک نتیجه تلخ؟ مسائل تجدید ساختار کشاورزی اروپای شرقی -

مرکزی. نگارش: C.Young ص ۶۹

- اصلاح بودجه کنار خیابانی در جزایر بریتانیا. نگارش:

Allen Perry و همکار ص ۷۲

- تغییر اقلیم و کیفیت هوادر لندن. نگارش: Derek Lee ص ۷۷

- کاهش آهسته میزان شهرنشینی در هندوستان. نگارش: Gopal

Krishan ص ۸۰

- سیر قهقرایی زمین در پاکستان شمالی. نگارش: Stephen Ellis

و همکاران ص ۸۴

- آدرس مؤلفین برای مکاتبه ص ۸۶

- نقد و بررسی کتاب ص ۸۸

سومین شماره از جلد ۸۳ فصلنامه «آنالز» از سوی انجمن جغرافییدانان آمریکا در سپتامبر ۱۹۹۳ منتشر شده است. مهمترین مقالات مندرج در این شماره به شرح زیر است:

مقالات:

- مهاجرت فراملی به سوی شهرها (۱۹۸۰ - ۱۸۳۰). نگارش: B.L.Berry ص ۲۸۹

- توسعه، اختلاف و تفاوت های ناحیه ای جمعیت شناختی در ایالات متحده آمریکا.

نگارش: Richard Morrill ص ۴۰۶

- تشکیل مخاطره آمیز سرمایه، سرمایه گذاری و صنعتی کردن ناحیه ای.

نگارش: R.Florida و همکار ص ۴۳۴

- اثرات اقلیمی بر روی روند تجدید نسل کاکتوسهای دوشاخه ای در شمال بیابان سونوران (Sonoran). نگارش: K.C. Parker ص ۴۵۲

- فرسایش امواج و رشته های ماسه ای در گراندکانیون: کاربرد نظریه ساحلی برای سیستم رودخانه ای

نگارش: B.O.Bauer و همکار ص ۴۷۵

- ناحیه به مثابه ارگانیزم اجتماعی: خصیصه های لامارکی در جغرافیای ناحیه ای ویدال دولاپلاش.

نگارش: Kevin Archer ص ۴۹۸

تفسیر:

- در مورد بازآفرینی جغرافیای فرهنگی نوشته Lewis و Price تفسیر D.Cosgrove ص ۵۱۵.

- تفسیر James S.Duncan ص ۵۱۷

- برکلی و فراسوی آن: بسط افق های جغرافیای فرهنگی. نوشته Peter Jackson ص ۵۱۹

- پاسخ: در مورد خواندن جغرافیای فرهنگی. نگارش:

M.Price و M.Lewis ص ۵۲۰

- نقد و بررسی هجده مقاله و کتاب. صص ۵۵۸-۵۲۳

Geography (78-1) - 1993

فصلنامه «جغرافیا» یکی از نشریات معتبر انجمن جغرافیایی انگلستان است. سردبیر افتخاری آن دکتر اسپونر D.J.Spooner عضو هیأت علمی دانشکده جغرافیا و علوم زمین دانشگاه Hull انگلستان و دستیارش N.B.Pleavin می باشد. مسؤول بخش نقد و

اخبار جغرافیایی



فعالیت گروه پژوهشی جغرافیای سازمان
مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و
اسلامی دانشگاهها « سمت »

گزارش دبیر گروه
جغرافیای سمت
ابراهیم مقیمی

گروه پژوهشی جغرافیا که یکی از پرسابقه ترین گروههای پژوهشی سمت محسوب می شود از سال ۱۳۶۵ فعالیت خود را آغاز کرده است. و برای تأمین نیاز دانشجویان و پژوهشگران رشته جغرافیای کشور با استفاده از اساتید مجرب این رشته اقدام به تهیه و تدوین منابع مورد نیاز کرده است. این گروه با استادان حوزه های علمیه و استادان و پژوهشگران دانشگاهها و مؤسسات تحقیقاتی کشور ارتباط مداوم دارد و از نظر کارشناسانه آنان برای رسیدن به اهداف مورد نظر استفاده می کند. ریاست گروه را آقای دکتر حسین شکویی به عهده دارند و اعضای گروه عبارتند از: آقایان دکتر محمدحسن گنجی، دکتر شاهپور گودرزی نژاد، دکتر مصطفی مؤمنی، دکتر بهلول علیجانی و دکتر محمدرضا حافظ نیا و دکتر محمد سلیمانی. گروه دارای جلساتی است که هر ۱۵ روز یک بار تشکیل می شود. گروه در بعضی از جلسات خود با توجه به محتوای دستور جلسه از سایر افراد صاحب نظر نیز به عنوان مدعو دعوت می کند تا در جلسه شرکت نمایند.

بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۳ به منظور رفع نیاز دانشگاههای کشور در زمینه تهیه متون و منابع درسی رشته های مختلف علوم انسانی تأسیس شده است. این سازمان متشکل از ۲۱ گروه پژوهشی در کلیه رشته های علوم انسانی است. هر گروه دارای ۵ تا ۹ نفر عضو از اساتید برجسته دانشگاهی است. سیر گردش کار از پیشنهاد طرح تألیف یا ترجمه توسط اعضای محترم هیأت علمی دانشگاهها و سایر افراد که واجد صلاحیت باشند آغاز شده و پس از تأیید طرحهای مذکور در جلسات گروه پژوهشی، مرحله اصلی نوشتن کتاب شروع می شود. به طور عام مهمترین مسائلی که هر گروه پژوهشی در هر اثر علمی پیشنهادی مورد نظر قرار می دهند عبارتند از:

- ۱- اولویت نیاز دانشجویان به کتاب و منابع درسی پیشنهاد شده؛
- ۲- انطباق طرح یا اثر پیشنهادی با سرفصلهای مصوب شورای عالی برنامه ریزی؛
- ۳- صلاحیت علمی صاحب اثر.

در این جلسات آثار، کتب و منابع مختلف چاپ شده در زمینه هر درس و در صورتی که درسی منابع کافی نداشته باشد پس از پیشنهاد تألیف یا ترجمه به دانشگاهها و استادان مورد بررسی قرار می‌گیرد. دیدگاهها و مفاهیم اساسی دانش جغرافیا نیز مورد بحث واقع می‌شود. چگونگی تأمین رضایت قلبی دانشجو و استاد از کتابها و منابع موجود و در دست تهیه مطرح می‌شود، محتوای کتابها و آثار با شرایط زمانی و نیازهای جامعه هماهنگ می‌شود، و خلاصه به ادبیات جغرافیا به منظور تعیین جایگاه علمی و شغلی مناسب در جامعه غنا می‌بخشد. ماحصل این فعالیتها و تلاشها آثاری است که هم‌اکنون تعدادی از آنها چاپ شده است و تعدادی دیگر در مراحل دیگر تدوین قرار دارد.

این گروه در جهت شناخت بهتر بعضی معضلات آموزشی دانش جغرافیا اقدام به برگزاری دو سمینار «ماهیت و قلمرو علم جغرافیا» و «جهان بینی سیاست و محیط» کرده است همچنین در برگزاری گردهمایی یک روزه «بررسی مسائل و تنگناهای آموزشی رشته جغرافیا» که از طرف معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی برگزار شد نیز مشارکت فعال داشت.

دشواری نظارت علمی بر منابع و آثار منتشر شده و در دست انتشار گروه و تهیه منابع بر کسی پوشیده نیست. لکن همکاری محققان و نویسندگان و استادان رشته جغرافیای سراسر کشور با این گروه به مقدار بسیار زیادی از میزان این دشواری کاسته است. این گروه هم‌اکنون با تمامی استادان و صاحب نظران این رشته ارتباط دارد و از نظر کارشناسانه و محققانه آنها بهره مند شده و می‌شود. واضح است که این کافی نیست، این گروه بر قلم فیض بخش محققان و پژوهشگران و

استادان کشور بوسه می‌زند و دست تمامی آنها را به گرمی می‌فشارد، بخصوص کسانی که در این رشته زحمت می‌کشند، تلاش می‌کنند و این تلاش را وظیفه خود می‌دانند.

این گروه به همکاران خود برای صرف بیشتر اوقات شریف در امر تحقیق و تألیف و ترجمه تأکیدی دوستانه دارد. بدیهی است دانش کنونی جغرافیا در ایران به چنین حرکتی نیاز مبرم دارد.

اگر تاریخ دانش جغرافیا را به زمانهایی تقسیم کنیم، زمان کنونی حساسترین زمانی تاریخ این دانش است. چرا که هم انسان و هم محیط در تغییرات سریع و ناگهانی و در مقیاس فضایی وسیع پیچیده قرار دارد. همین دانش است که باید به تحلیل سریع و ناگهانی این تغییر همت گمارد. اگر از طریق تحصیل و تحقیق به ادبیات دانش جغرافیا در ایران غنای لازم نرسد ممکن است این دانش در تحقیقات، آموزش، تربیت متخصص و ... دچار مشکل شود.

به هر صورت از تمامی همکاران می‌خواهیم که با تلاش بیشتر، به جامعه و محیط بیانیدهند و نتیجه تفکر خود را به صورت آثار تدوین شده در اختیار علاقه مندان و دوست داران جامعه و محیط بگذارند.

در پایان از تمام همکاران می‌خواهیم که با همکاری و راهنمایی و ارائه طرحها و نظرات خود ما را در انجام این کار بزرگ یاری دهند. با این مقدمه آثار تدوین یافته و در دست تدوین این گروه جهت اطلاع استادان محترم و دانشجویان عزیز و سایر پژوهشگران به منظور بهره‌وری بیشتر در طول فعالیت خود به شرح زیر اعلام می‌گردد:

این آثار در چهار بخش تنظیم شده است

الف: چاپ شده ب: در دست تولید ج: در دست ویرایش د: در دست تهیه.

الف) فهرست آثاری که به چاپ رسیده است

شماره	نام کتاب	مؤلف یا مترجم	نوع استفاده	مقطع مورد استفاده
۱	ماهیت و قلمرو علم جغرافیا	مجموعه سخنرانی	کمک درسی برای درس فلسفه جغرافیا	کارشناسی
۲	مبانی آب و هوا شناسی (چاپ دوم)	دکتر محمدرضا کوریانی دکتر بهلول علیجانی	منبع اصلی برای درس مبانی آب و هواشناسی	کارشناسی و کارشناسی ارشد
۳	مقدمه‌ای بر کارتوگرافی (چاپ دوم)	دکتر مجید زاهدی	منبع اصلی برای درس کارتوگرافی	کارشناسی
۴	سنجش از راه دور	دکتر حسن علیزاده ربیعی	منبع اصلی برای درس سنجش از راه دور	کارشناسی

شماره	نام کتاب	مؤلف یا مترجم	نوع استفاده	مقطع مورد استفاده
۵	برنامه‌سازی کامپیوتر برای جغرافیدانان	دکتر مونس علی فرمنش	یکی از منابع درس کامپیوتر برای جغرافیا	کارشناسی و کارشناسی ارشد
۶	روشها و فنون مطالعات میدانی در جغرافیا (ترجمه)	دکتر بهلول علیجانی	منبع اصلی برای درس روش تحقیق در جغرافیا (بخش عملی)	کارشناسی
۷	جغرافیای جمعیت (چاپ دوم)	دکتر فیروز جمالی	منبع اصلی برای درس جغرافیای جمعیت	کارشناسی
۸	مبانی جغرافیای سیاسی (چاپ دوم)	خانم دکتر دره میر حیدر	منبع اصلی درس جغرافیای سیاسی	کارشناسی
۹	جغرافیای کوچ‌نشینان	دکتر رحیم مشیری	منبع اصلی درس جغرافیای کوچ‌نشینان	کارشناسی
۱۰	ژئوپولیتیک (چاپ دوم)	دکتر عزت‌الله عزنی	یکی از منابع دروس جغرافیای سیاسی و نظامی	کارشناسی و کارشناسی ارشد
۱۱	خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز	دکتر محمد رضا حافظ‌نیا	کمک درس برای دروس جغرافیای سیاسی و نظامی	کارشناسی
۱۲	ژئومرفولوژی و برنامه‌ریزی محیطی (ترجمه)	محمد جعفر زبردیان	کمک درس برای دروس ژئومرفولوژی مناطق شهری، محیط زیست، برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، حفاظت خاک، و کاربرد ژئومرفولوژی در برنامه‌ریزی ناحیه‌ای	کارشناسی

ب) فهرست آثاری که هم اکنون در مرحله تولید قرار دارد

شماره	نام کتاب	مؤلف یا مترجم	نوع استفاده	مقطع مورد استفاده
۱	دیدگاههای نو در جغرافیای شهری (جلد ۱) (منتشر شد)	دکتر حسین شکویی	منبع اصلی برای درس جغرافیای شهری	کارشناسی و کارشناسی ارشد
۲	جغرافیا ترکیبی نو (جلد ۱) (ترجمه) (منتشر شد)	دکتر شاهپور گودرزی نژاد	منبع اصلی درس مبانی علم جغرافیا	کارشناسی و کارشناسی ارشد
۳	ژئواستراتژی (منتشر شد)	دکتر عزت‌الله عزنی	یکی از منابع دروس جغرافیای سیاسی و نظامی	کارشناسی و کارشناسی ارشد

شماره	نام کتاب	مؤلف یا مترجم	نوع استفاده	مقطع مورد استفاده
۴	آب و هوای کره زمین (جلد ۱) (ترجمه)	دکتر هوشنگ قائمی	منبع اصلی درس آب و هوای کره زمین	کارشناسی و کارشناسی ارشد
۵	آب و هوای کره زمین (جلد ۲) (ترجمه)	دکتر بهلول علیجانی	منبع اصلی درس آب و هوای کره زمین	کارشناسی و کارشناسی ارشد
۶	هیدرولوژی آبهای سطحی ایران (به زودی منتشر خواهد شد)	دکتر علی اصغر موحد دانش	منبع اصلی درس آبهای سطحی ایران	کارشناسی و کارشناسی ارشد

فهرست آثاری که در مرحله ویرایش قرار دارد

شماره	نام کتاب	مؤلف یا مترجم	نوع استفاده	مقطع مورد استفاده
۱	زئومرفولوژی (جلد ۱) (ترجمه)	دکتر احمد معتمد با مشارکت یکی از همکاران	منبع اصلی درس زئومرفولوژی	کارشناسی و کارشناسی ارشد
۲	هواشناسی عمومی	دکتر هوشنگ قائمی	یکی از منابع اصلی دروس آب و هوا - شناسی	کارشناسی ارشد و دکترا
۳	زئومرفولوژی (جلد ۲ و ۳) (ترجمه)	دکتر احمد معتمد با مشارکت یکی از همکاران	منبع اصلی درس زئومرفولوژی	کارشناسی و کارشناسی ارشد
۴	جغرافیای زیستی	دکتر علی اصغر نیشابوری	منبع اصلی درس جغرافیای زیستی	کارشناسی
۵	مجموعه مقالات سمینار جغرافیایی (جهان بینی، سیاست و محیط)	—————	کمک درسی در دروس مختلف جغرافیا	کارشناسی
۶	جغرافیا ترکیبی نو (جلد ۲) (ترجمه)	دکتر شاهرخ گودرزی نژاد	منبع اصلی درس مبانی غلم جغرافیا	کارشناسی و کارشناسی ارشد

فهرست آثار و منابعی که در دست تهیه است

شماره	نام کتاب	نام مؤلف یا مترجم	نوع استفاده	مقطع مورد استفاده
۱	جغرافیای روستایی عمومی	دکتر عباس سعیدی	منبع اصلی درس جغرافیای روستای عمومی	کارشناسی
۲	منابع و مأخذ جغرافیای ایران	دکتر مصطفی مؤمنی	کتاب درسی	کارشناسی
۳	ریاضیات برای جغرافیدانان (ترجمه)	دکتر مونس علی فرمنش	یکی از منابع درسی ریاضیات برای جغرافیدانان	کارشناسی و کارشناسی ارشد
۴	میکروکلیماتولوژی (ترجمه)	دکتر محمد رضا کاویانی	منبع اصلی درس میکروکلیماتولوژی	کارشناسی و کارشناسی ارشد
۵	مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران	دکتر حسن ضیاء توانا با مشارکت دکتر عباس سعیدی دکتر عباس بخشنده نصرت دکتر رکن الدین افتخاری دکتر مسعود مهدوی دکتر مصطفی مؤمنی	منبع اصلی درس جغرافیای روستایی ایران	کارشناسی
۶	اصول و مبانی جغرافیای آبها	دکتر جمشید جداری عبوضی	منبع اصلی درس جغرافیای آبها	کارشناسی
۷	ماهیت جغرافیا (ترجمه)	دکتر محمد حسن گنجی	یکی از منابع درسی فلسفه جغرافیا	کارشناسی و کارشناسی ارشد
۸	پردازش کامپیوتری تصاویر سنجنش از دور (ترجمه)	دکتر محمد نجفی دیسفانی	منبع اصلی برای دروس سنجنش از دور	کارشناسی ارشد
۹	کلیات ژئومرفولوژی ایران	دکتر مقصود خیام	منبع اصلی درس ژئومرفولوژی ایران	کارشناسی

فهرست آثار و منابعی که در دست تهیه است

شماره	نام کتاب	نام مؤلف یا مترجم	نوع استفاده	مقطع مورد استفاده
۱۰	جغرافیای طبیعی دریاها و سواحل (ترجمه)	دکتر محمد رضا ثروتی	منبع اصلی درس جغرافیای طبیعی دریاها و سواحل	کارشناسی
۱۱	تاریخ علم جغرافیا	دکتر حسین شکویی با مشارکت دکتر محمد حسن گنجی دکتر شاهپور گودرزی نژاد ، دکتر فیروز جمالی دکتر مصطفی مؤمنی، دکتر جعفر جوان، دکتر محمد حسین بابلی خانم دکتر فاطمه بهفروز	منبع اصلی درس تاریخ علم جغرافیا	کارشناسی
۱۲	روشهای تهیه و تفسیر نقشه های موضوعی	دکتر مسعود مهدوی	منبع اصلی درس تفسیر نقشه های موضوعی	کارشناسی
۱۳	روش تحقیق در ژئومرفولوژی	دکتر عبدالحمید رجائی	منبع اصلی درس روش تحقیق در ژئومرفولوژی	کارشناسی
۱۴	برنامه ریزی در کشورهای جهان سوم (ترجمه)	دکتر محمد حسن رامشت	کمک درسی برنامه ریزی شهری و منطقه ای	کارشناسی
۱۵	انگلیسی تخصصی جغرافیای طبیعی	دکتر اسماعیل باروری، دکتر شاهپور گودرزی نژاد (مطالب این کتاب توسط جمعی از اساتید محترم گرفآوری و سپس توسط گروه سه نفره تنظیم شده و جهت ادیت جامع	منبع اصلی درس متون تخصصی انگلیسی	کارشناسی

شماره	نام کتاب	نام مؤلف یا مترجم	نوع استفاده	مقطع مورد استفاده
		دراختیار گروه محترم زبانهای خارجه سازمان قرار گرفت گروه زبانهای خارجه ادیت نهایی اثر را به دکتر باروری و دکتر گودرزی نژاد محول نموده است.		
۱۶	کتاببرد زئومرفولوژی در برنامه ریزی منطقه ای	دکتر احمد معتمد و مشارکت یکی از همکاران	منبع اصلی درس کاربرد زئومرفولوژی در برنامه ریزی منطقه ای	کارشناسی
۱۷	اقتصاد شهری	دکتر صباغ کرمانی	منبع اصلی درس اقتصاد شهری	کارشناسی
۱۸	کلیات آب و هوای ایران	دکتر بهلول علیجانی و دکتر محمد رضا کاویانی	منبع اصلی درس آب و هوای ایران	کارشناسی
۱۹	زئومرفولوژی و مهندسی محیط (ترجمه)	دکتر شاهپور گودرزی نژاد	منبع اصلی درس زئومرفولوژی و مهندسی محیط	کارشناسی ارشد
۲۰	نقشه برداری و نقشه کشی برای جغرافیا	طرح تألیف این کتاب توسط دکتر رحمت الله فرهودی تهیه شده است.	منبع اصلی درس نقشه برداری و نقشه کشی	کارشناسی



پنجمین گردهم آیی پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت مدیریت، محیط، توسعه

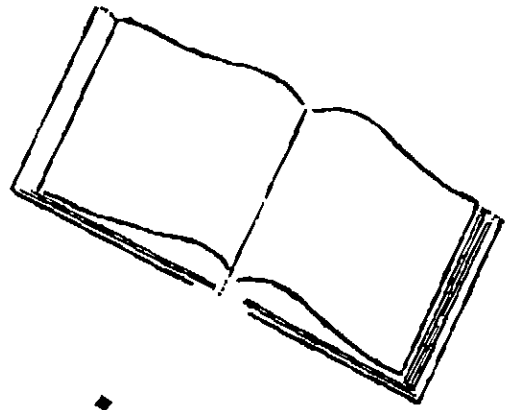
پنجمین سمینار پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت با هدف توجیه مدیریت، محیط، توسعه روز پنجم خرداد ماه ۱۳۷۳ در محل آمفی تئاتر دانشگاه آزاد اسلامی رشت برگزار گردید. در این سمینار سخنرانیهای زیر پس از مراسم افتتاح به ترتیب ایراد شد:

- ۱- سخنرانی دکتر ابراهیم امین سبحانی دانشیار گروه زمین شناسی دانشگاه تربیت معلم درباره مدیریت زمین در سواحل خزر.
- ۲- سخنرانی دکتر محمد حقیقی استادیار گروه مدیریت دانشگاه تهران درباره نقش و موقعیت مؤسسات صنعتی و بازرگانی در شمال ایران.
- ۳- سخنرانی دکتر بهلول علیجانی دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت معلم درباره مدیریت با تکیه بر عناصر محیطی در سواحل خزر.
- ۴- سخنرانی دکتر محمد ایران نژاد استادیار دانشکده علوم بانکداری درباره مدیریت روشنفکرانه.

اداره کل آموزش و پرورش استان مازندران سمینار یک روزه سرگروههای درسی جغرافیا

روز دوشنبه ۷۲/۹/۱ سمینار یک روزه ای با شرکت سرگروههای جغرافیای شهرستانهای تابعه استان مازندران در محل ساختمان معاونت فنی و حرفه ای استان برگزار شد. در این سمینار پس از مراسم افتتاحیه بحث و تبادل نظر همکاران سرگروه جغرافیا آغاز گردید و مسایل و مشکلات تدریس جغرافیا بطور مبسوط بیان شد، سپس بعنوان نتیجه گیری از سمینار پیشنهادهای در زمینه افزایش ساعت تدریس جغرافیا، توجه به تألیف کتابهای جدید بخصوص برای کلاسهای چهارم و سوم دبیرستان و وسایل کمک آموزشی عنوان گردید.

کنفرانس سیستمهای اطلاعات جغرافیایی در روز پانزدهم اردیبهشت ۱۳۷۳ با حضور متجاوز از ۴۰۰ نفر از اساتید، کارشناسان و پژوهشگران ارگانهای مختلف از سراسر کشور در محل سازمان نقشه برداری کشور برگزار گردید. در این کنفرانس ابتدا توسط دبیر اجرایی کنفرانس گزارشی در مورد نحوه برپایی و مقالات رسیده و انتخاب شده ارائه گردید، سپس آقای مهندس احمد شفاعت ریاست سازمان نقشه برداری کشور پس از خوش آمدگویی در رابطه با اهمیت سیستمهای اطلاعات جغرافیایی و اقدامات به عمل آمده در سازمان نقشه برداری کشور مطالبی ایراد نمود، آنگاه آقای پروفیسور آکرمن استاد دانشگاه اشتوتگارت و شخصیت برجسته فتوگرامتری جهان در زمینه: « فتوگرامتری، پایگاههای اطلاعاتی توپوگرافی و سیستمهای اطلاعات جغرافیایی » سخنرانی نمود. کنفرانس با سخنرانی ۹ نفر از مقاله دهندگانی که قبلاً توسط هیئت علمی کنفرانس انتخاب گردیده بودند ادامه یافت. به موازات کنفرانس به منظور تحقق عینی و عملی سخنرانیهای علمی، نمایشگاهی با شرکت ۱۳ ارگان دولتی و نمایندگان شرکتهای خارجی از تاریخ چهاردهم لغایت هیجدهم اردیبهشت ۱۳۷۳ دایر بود که پیشرفته ترین تجهیزات و نرم افزارهای سیستم های اطلاعات جغرافیایی در معرض بازدید، بازدیدکنندگان قرار گرفت و عده زیادی از اساتید، کارشناسان و دانشجویان مربوطه از نمایشگاه بازدید به عمل آوردند. از آنجایی که سیستمهای اطلاعات جغرافیایی به عنوان یکی از دست آوردهای نوین علوم تهیه نقشه و کامپیوتر علیرغم دو دهه قدمت، هنوز در کشور ما یک تکنولوژی جدید و نوپا می باشد که در آینده نزدیک بهره گیری از آن برای برنامه ریزان، مدیران و مهندسين اجتناب ناپذیر می گردد، برگزاری این کنفرانس و نمایشگاه فرصت مناسبی بود تا ضمن معرفی بیشتر این تکنولوژی، ارگانها و پژوهشگران در جریان تلاشهای یکدیگر قرار گرفته و به مبادله اطلاعات علمی پردازند و احیاناً به نقاط قوت و ضعف فعالیتهاى خود پی ببرند. در این کنفرانس بر اهمیت آموزش و نقش نقشه های رقومى به عنوان منبع اولیه و اصلی سیستم های اطلاعات جغرافیایی و مخصوصاً اهمیت نقشه های ملی دارای سیستم مختصات واحد تأکید گردید. این کنفرانس با جمع بندی نکات مهم سخنرانیهها و ارزشیابی نحوه برگزاری و قدردانی از مقاله دهندگان به پایان رسید.



معرفی کتابها و نشریات جدید جغرافیایی

سیاوش شایان

برگزار شد به چاپ رسیده است. علاوه بر آن خبرهای ویژه و رویدادهای منطقه ای در مورد سنجش از دور و رویدادهای داخلی در صفحات دیگر خبرنامه به چاپ رسیده که جهت اطلاع علاقه مندان به استفاده از فن سنجش از دور در علوم مختلف منجمله جغرافیا، اطلاع از آنها اهمیت خاص دارد. فعالیتهای واحد خراسان مرکز سنجش از دور ایران نیز که در اردیبهشت ماه ۷۲ در مشهد کار خود را آغاز کرده در صفحه پایانی این خبرنامه به چاپ رسیده است.

خبرنامه مرکز سنجش از دور ایران. ویژه نیمه دوم سال

۱۳۷۲

تاریخ انتشار اول فروردین ۱۳۷۳؛

عکس + تصاویر ماهواره ای و نقشه، ۱۲ صفحه.

خبرنامه مرکز سنجش از دور ایران وابسته به وزارت پست و تلگراف و تلفن اوایل فروردین ماه ۷۳ انتشار یافت. در این شماره خبرنامه یادداشت ویراستار و گزارش مفصلی از برگزاری چهاردهمین کنفرانس آسیایی سنجش از دور که از ۲۰ تا ۲۵ مهرماه ۷۲ در تهران

مبانی جغرافیای جمعیت

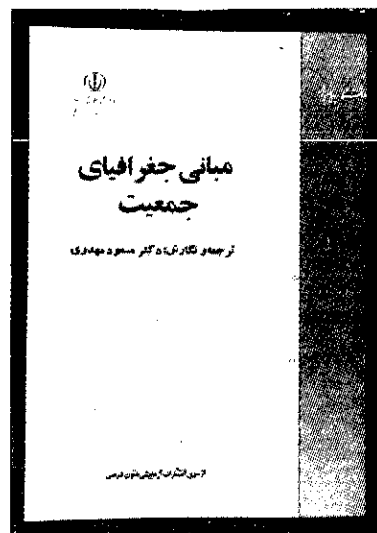
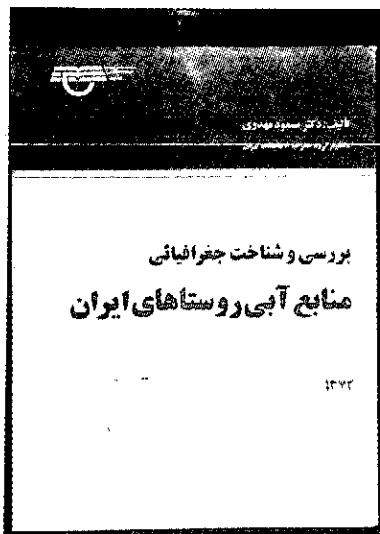
ترجمه و نگارش: دکتر مسعود مهدوی دانشگاه پیام نور

تهران (۱۳۷۱). جداول + نقشه ها + نمودارها و فهرست منابع

انگلیسی. ۴۱۵ صفحه، ۳۴۰۰ ریال.

قسمت اعظم این کتاب برگردانی است از کتاب با ارزش «جغرافیای جمعیت» نوشته پرفسور جان ای - کلارک، استاد جغرافیای جمعیت و رئیس سابق دپارتمان جغرافیای دانشگاه دورهام، انگلستان، این کتاب به لحاظ دارا بودن ارزش علمی چندبار تجدید چاپ شده اما صرف نظر از چهارچوب اصلی کتاب که رتوس کلی مطالعات جغرافیای جمعیت را از دیدگاه جغرافیدانان غرب ترسیم می نماید، مثالها و رفرنسهای مطالعات موردی اغلب از انگلستان انتخاب شده و کتب مرجعی که به دیگر نقاط جهان مربوط است از





پدیده‌های جغرافیایی و اقتصادی در شرایط مختلف در سرزمین پهناور ایران تغییر می‌نماید که از آن جمله منابع آبی روستاها می‌باشد. در قسمت اعظم روستاهای ایران بخصوص در نواحی مرکزی، شرقی و جنوبی حیات و بقای روستاها به وجود آب بستگی دارد و در بخش اعظمی از خاک کشور قطع و یا خشک شدن منبع آب بمشابه قطع شریان‌های یک موجود زنده است. از گذشته‌های دور تاکنون انسانهای ساکن بر گستره ایران با تلاشهای خود از منابع مختلف آب استفاده نموده و حیات ساکنان روستاها را بقاء بخشیده‌اند که از جمله منابع آبی می‌توان قنات را نام برد. قنات ابتکاری است که از هوش و استعداد سرشار ایرانی سرچشمه گرفته و برای مدت‌های مدیدی نیز افتخار و سربلندی، آبادی و آبادانی را برای ایران به ارمغان آورده است. ولی متأسفانه در سالهای اخیر مورد بی‌مهری قرار گرفته و تعداد کثیری از آنها متروک گردیده، و از حیز آنتفاع ساقط شده است. تعداد قناتهای دایر و بایر ایران حدود ۶۳،۰۰۰ رشته گزارش شده است که طول تقریبی آنها متجاوز از ۱۵۰،۰۰۰ کیلومتر و حدود ۳/۵ برابر محیط کره زمین و یا به عبارت دیگر کمی کمتر از نصف فاصله زمین تا کره ماه است، با حفر این قناتها حدود ۲۰۰،۰۰۰،۰۰۰ متر مکعب خاک از زیرزمین تخلیه شده و با ابزار بسیار ساده و ابتدایی به سطح زمین آورده شده است. بنابراین عظمت و اعتبار قناتهای ایران اگر بیشتر از دیوار چین نباشد قطعاً کمتر نیست با توجه به اینکه دیوار چین در حال حاضر فقط جنبه توریستی دارد در صورتی که قناتها ضمن داشتن عظمت، نقش بسیار مهمی در بقای حیات روستاها دارد و یک منبع آبی سالم و دائمی محسوب می‌گردد. قناتها را می‌توان جزء سرمایه‌های ملی به حساب آورد که هزینه‌های ساخت آنها متجاوز از چندین سال است که مستهلک گردیده.

کتاب حاضر مجموعه‌ای از معرفی و نمایش نموداری منابع آب

لحاظ آماری قدیمی و غیر قابل پذیرش می‌باشد. با توجه به این نکات، در تهیه این کتاب کوشش شده که در موارد زیادی مثالهایی از ایران بر اساس آخرین اطلاعات جمعیتی جایگزین مثالهایی از انگلستان گردد و همچنین اطلاعات جمعیتی جهان نیز در هر جا که مورد نیاز بوده با استفاده از کتاب «سالنامه جمعیتی جهان - ۱۹۹۰» که به کوشش آقای علی رضاعسکری نوشته شده است اصلاح گردد.

کتاب مبانی جغرافیای جمعیت دارای ده فصل زیر است:

فصل اول: جغرافیای جمعیت

فصل دوم: انواع اطلاعات آماری و مسائل مربوط به آن

فصل سوم: پراکنندگی جهانی جمعیت

فصل چهارم: اندازه گیری تراکم و پراکنندگی جمعیت

فصل پنجم: شهرنشینی

فصل ششم: الگوهای ترکیب جمعیت

فصل هفتم: باروری

فصل هشتم: الگوهای مرگ و میر

فصل نهم: مهاجرت

فصل دهم: رشد جمعیت

در پایان این کتاب فهرست مشخصات ۴۳ کتاب منبع در زمینه

جغرافیای جمعیت گنجانیده شده است.

بررسی و شناخت جغرافیایی منابع آبی روستاهای ایران

تألیف: دکتر مسعود مهدوی

مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد). تهران (۱۳۷۲).

نقشه‌ها + جداول + نمودارها. ۲۳۵ صفحه + نمودارها و نقشه‌ها.

۳۵۰۰ ریال.

روستاهای ایران می باشد. چون براساس الگوهای توسعه، برای رسیدن به یک توسعه مطلوب لازم است برنامه ریزی شود و برنامه ریزی اصولاً می بایست براساس شناخت انجام پذیرد. در این کتاب سعی بر آن است که شناختی از منابع آب روستاهای کشور ارائه گردد، باشد تا با بهره گیری از این قبیل شناختها در راه توسعه روستاهای کشور قدمهای مؤثرتری برداشته شود.

در بررسی منابع آبی روستایی ایران سعی گردیده که ضمن توضیح ویژگیهای منابع مختلف آبی و شیوه های بهره برداری از آنها تعداد منابع آبی روستاهای ایران نیز مورد توجه قرار گیرد. برای همین منظور اطلاعات موجود از این منابع برای هر استان به تفکیک شهرستانهای همان استان در ۲۴ جدول جداگانه جمع آوری و ارائه شده است، و برای نمایش گرافیکی این جداول ضمن تهیه نقشه هر استان تعداد منابع آبی موجود شهرستانها در محل استقرارشان بوسیله نمودارهای دایره ای نمایش داده شده است.

انسان، جامعه و محیط زیست

تألیف: اعضای آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی (سابق)

ترجمه: دکتر صلاح الدین محلاتی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران (۱۳۷۲).

جداول + کتابشناسی روسی و انگلیسی. ۳۹۲ صفحه، ۲۱۰۰ ریال.

نویسندگان این کتاب که از دانشمندان و اعضای انستیتوی جغرافیا وابسته به آکادمی علوم شوروی (سابق) بوده اند، سعی بلیغی جهت تبیین کیفیت روابط انسانی و محیطش نموده اند و گامی وسیع در معرفی دانش جغرافیا، تنها دانشی که موضوعش را بحث پیرامون کیفیت

کنشها و واکنشهای دو عنصر همآورد و پویا یعنی انسان و محیط طبیعی تشکیل می دهد برداشته اند. در کتاب حاضر از یک سو به انسان و اعمالش بمثابه عنصری از عناصر طبیعت و کیفیت تعاملش با سایر عناصر پیرامونش نگریسته شده است و از سوی دیگر، جامعه انسانی و افعالش به روی طبیعت مورد بحث قرار گرفته است. وانگهی مجموعه کنشهای انسان و جامعه انسانی به روی طبیعت و واکنشهای طبیعت به روی انسان و جامعه وی مورد مذاقه واقع شده است.

ترجمه این کتاب به زبان فارسی مخصوصاً از این جهت حائز اهمیت است که هنوز متأسفانه با همه کوششی که از سوی جغرافیدانان به عمل آمده، تعریف جامع و گویا از دانش جغرافیا، کاربرد عملی آن و نقشی که این علم می تواند در حل معضلات و مشکلات ناشی از روابط بین انسان و طبیعت یا به عبارت دیگر بهره برداری انسان از طبیعت داشته باشد، ارائه نگردیده است.

کتاب حاضر جایگاه جغرافیا را در جرگه علوم می نمایاند و مسئولان و مدیران کشور را در جهت استفاده منطقی و عقلانی از ظرفیتهای بالقوه محیط طبیعی، راهنمایی می کند.

با همه محاسنی که این کتاب در برخورد جامع و آگاهانه با مسائل مذکور دارد، باید گفت که سطره نظام ماتریالیستی و جو مارکسیستی توأم با استبداد سیاسی و اختناق فکری بر تمامی ارکان زندگی جامعه شوروی (سابق) در زمان تألیف کتاب موجب شده است که نویسندگان و جغرافیدانان عالی مقام و متبحری که در نگارشش سهم داشته اند، مسائل علمی را با اندیشه های ماتریالیستی خلط نمایند و حتی در باره ای مباحث به تبلیغ صریح نظام مارکسیستی بپردازند. (هر چند که امروز با ورق گردانی ایام، چرخ کهن به شعبده گشتی زده و با تحول سریع و البته ناگزیر، روزگار سوسیالیسم و تفکر مارکسیسم سرآمده است).

گرچه باید اذعان نمود که جهان بینی محقق جغرافیا، بنابه خصلت این علم، در سمت گیری مسائل فکری بسیار مؤثر می باشد و تخلیه کامل اندیشه ای و ایدئولوژیکی وی امکان پذیر نیست لکن باید برای نفوذ و اثر ایدئولوژی و ادخال فلسفه و جهان بینی در شکل گیری مسائل علمی حد و مرزی قائل شد.

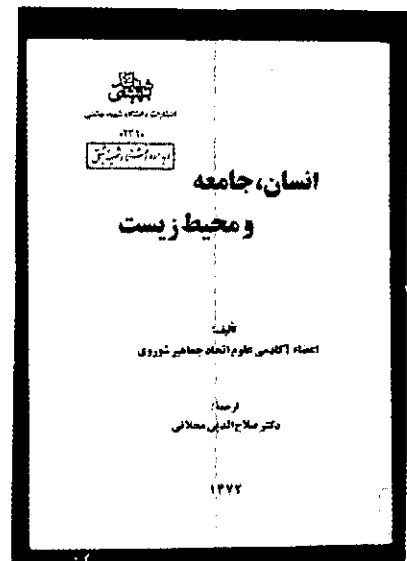
جغرافیای خوانسار

تألیف: حمیدرضا میرمحمدی، جلد اول

ناشر: مؤلف. تهران (۱۳۷۲)

نقشه ها + جداول + فهرست منابع و مآخذ و فهرستها، ۱۵۹ صفحه، ۲۲۰۰ ریال.

مؤلف کتاب جغرافیای خوانسار در مقدمه این کتاب نوشته است که





بر نمی آید. او در این مجمع اگر نه مطرود، دست کم غایب است. در حریمی که جغرافیا از دیرگاه آن را از آن خود می انگاشته، علوم مهاجم جنبی با او به معارضه برخاسته و در این معارضه با توفیق روبه رو بوده اند تا آنجا که او را واداشته اند به کنج دانشکده ها قناعت ورزد.

اولیویه دولفوس در کتاب دومی که در مجموعه «چه می دانم؟» به این مسئله اختصاص می دهد، و تحلیل جغرافیایی نام دارد، در صدد برآمده است تا قلمرو آن را در مجموعه علوم اجتماعی، باز نماید و ما را در برابر چشم انداز دانشی قرار دهد که به واقعیت های زمان معاصر از سر مسئولیت می نگرد و با تکیه بر روش شناسی ویژه خود بر آن است تا در تغییر ساختار جهان آینده نقش فروتنانه خود را ایفا کند. کتاب متضمن شش فصل به قرار زیر است:

- ۱- توصیف و تعیین حدود
- ۲- ساختارهای جغرافیا
- ۳- نظامها، شبکه ها، نقشها
- ۴- تمایزات اجتماعی
- ۵- زمان
- ۶- الگوها و جغرافیا

مطالب ارائه شده در این کتاب نتیجه دو سال تحقیق و مطالعه پراکنده در اوقات فراغت بوده است. وی هدف اصلی این تحقیق را بررسی جغرافیای شهر خوانسار ذکر کرده و نوشته که سعی شده است تا حدامکان مسائل جغرافیای طبیعی در ارتباط با جغرافیای انسانی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین مؤلف اعلام نموده که بخشی از کتاب حاضر برگرفته از رساله پایان نامه دوره لیسانس ایشان بوده است. کتاب از دو بخش جغرافیای طبیعی و جغرافیای انسانی خوانسار تشکیل شده و در بخش طبیعی آن زمین شناسی، آب و هوا، ژئومورفولوژی، منابع آب، پوشش گیاهی، زندگی جانوری و بررسی مشکلات طبیعی عناوین فصول را تشکیل می دهد. عنوان فصول مربوط به بخش جغرافیای انسانی عبارتند از: معناشناسی خوانسار (خانسار)، تاریخ و آثار باستانی، ویژگیهای جمعیتی (ویژگیهای اقتصادی نیز در بخش ویژگیهای جمعیتی آورده شده) و جغرافیای شهری خوانسار. در فصل جغرافیای شهری خوانسار مطالبی چون علل جایگزینی شهر در محل فعلی، نقش شهر خوانسار، پرورش زنبور عسل، موسیقیدانان خوانسار و شرح حال فضلا و علمای خوانسار نیز وجود دارد. در پایان هر یک از فصول نیز فهرستی از منابع و مآخذ وجود دارد.

تحلیل جغرافیایی

نویسنده: اولیویه دولفوس

ترجمه: دکتر سیروس سهامی

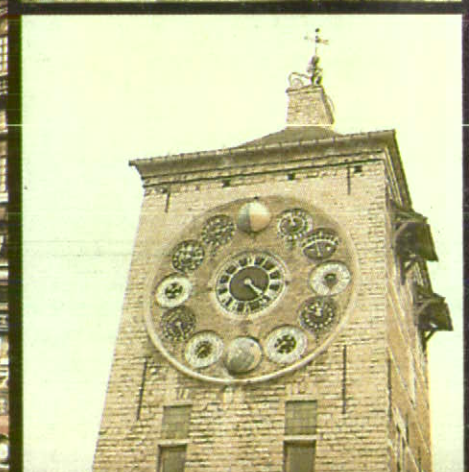
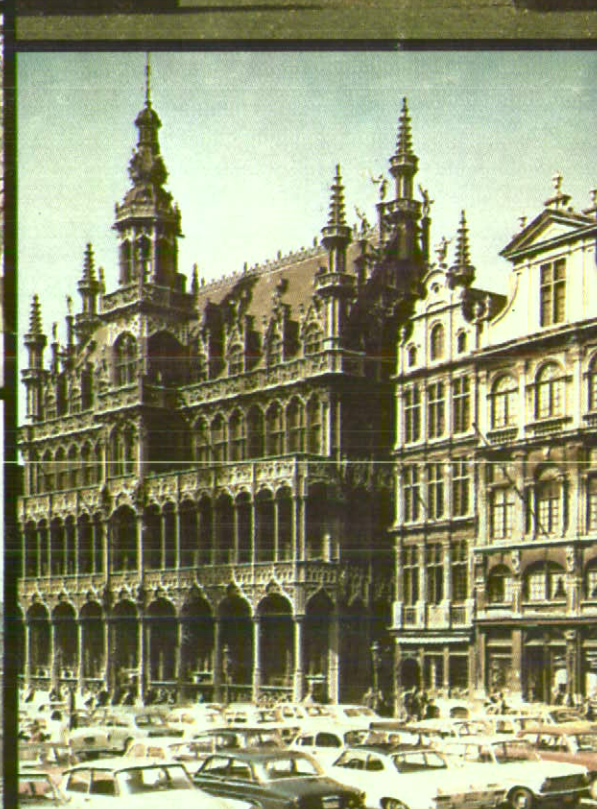
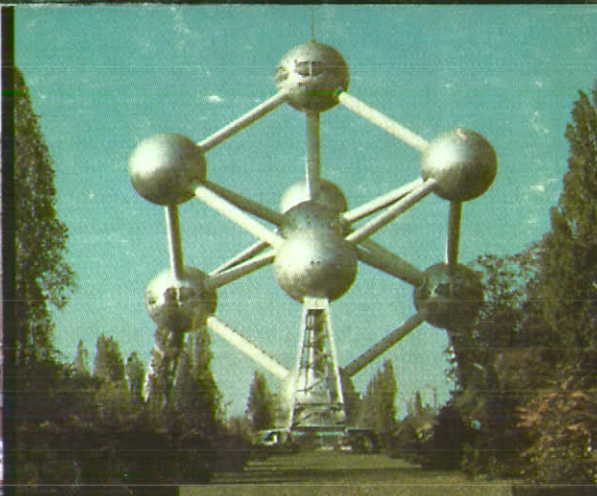
نشر نیکا، مشهد (۱۳۷۰)، ۱۴۹ صفحه، ۹۰۰ ریال.

در مجمع همسرایان علوم اجتماعی، صدایی از جغرافیا



تصاویری در ارتباط با مقاله « مطالعات روستایی »





تصاویری از کشور بلژیک